

الكتاب: استفتاءات قوه قضائيه (فارسي)

المؤلف: السيد محمد صادق الروحاني

الجزء:

الوفاء: معاصر

المجموعة: فقه الشيعة ( فتاوى المراجع )

تحقيق:

الطبعة: الأولى

سنة الطبع: ١٣٧٨ ش

المطبعة: سپهر

الناشر:

ردمك: ٩٦٤-٣٣٠-٩٢٢-٣

ملاحظات:

استفتائات

قضائیه

و

مؤسسه حقوقی و کلاهی بین الملل

از:

حضرت آیت الله العظمی

سید محمد صادق روحانی (مد ظلہ العالی)

استفتائات  
قوه قضائيه  
و  
مؤسسه حقوقى و كلالى بين الملل  
از  
حضرت آيت الله العظمى  
سيد محمد صادق روحانى (مد ضله العالى)

دفتر آية الله العظمى روحانى (دام ظلّه)  
تلفن: ۷۴۳۵۳۸ (۰۲۵۱)  
دورنگار: ۷۴۳۵۳۸ (۰۲۵۱)  
صندوق پستی: ۴۳۴۳ - ۳۷۱۸۵ قم - ايران  
پست الکترونيک: E. MAIL: SMS \_ ROHANI \_  
AALULBAYT. ORG

قم - خیابان ارم

استفتائات

قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی و کلاى بين الملل از

حضرت آيت الله العظمى

آقای سيد محمد صادق روحانى (مد ظلّه العالی)

چاپ: ... اول / ۱۳۷۸

چاپخانه: ... سپهر

شمارگان: ... ۷۰۰۰ نسخه

قیمت: ... ۶۰۰ تومان

مرکز پخش: ... ۷۴۲۹۶۷ (۰۲۵۱)

مقدمه:

اجتهاد، رمز جاوید ماندن اسلام  
اجتهاد، یعنی به کار بردن منتهای کوشش برای درک مقررات اسلام با استفاده  
از منابع: کتاب، سنت، عقل و اجماع.  
در این عصر، اجتهاد یکی از وظایف خطیر و پر مسئولیت علما و فقهای اسلام  
است. اجتهاد در دوره خاتمیت نقش بسیار حساس و اساسی به عهده دارد و در واقع  
پلی است که دنیای گذشته را با دنیای آینده، مربوط مسازد. و از شرایط امکان  
جاوید مانده آئین اسلام است و به حق آن را نیروی محرك اسلام خوانده اند.  
ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ه. ق) فیلسوف نامی اسلامی با روشن بینی خاصی،  
موضوع اجتهاد را این چنین مطرح کرده و گفته است: کلیات اسلامی ثابت و لا یتغیر  
و محدود است، و اما حوادث و مسائل نامحدود و متغیر است و هر زمانی مقتضیات  
مخصوص خود و مسائل مخصوص خود دارد، به همین جهت ضرورت دارد که در  
هر

زمانی گروهی متخصص و عامل به کلیات اسلامی و عارف به مسائل و پیش آمدهای زمان عهده دار اجتهاد و استنباط حکم مسائل جدید از کلیات اسلامی بوده باشند. (۱)

آری زمان به سرعت پیش مرود، قهرا مقتضیات زمان، مسائل جدیدی را در زندگی انسان پدید مآورد که در زمان های گذشته موضوع آن ها هنوز محقق نشده بود، برای پاسخ به این نیاز بزرگ فقهای زنده و روشن بینی لازم است که پا به پای زمان پیش روند، مفاهیم و کلیات اسلامی را با زندگی نوین جهانی بشر تطبیق کنند تا بر حسب پیشرفت علم و آگاهی مردم، تلقی و برداشت مذهب را در ذهن و اندیشه

تحول ببخشند و فقه را بر حسب نیاز زمان و به میزانی که در هر زمان امکان کشف و

فهم بهتر آن حقایق مرود، ممکن سازند تا مذهب در چهارچوب شرایط کهنه و گذشته نماند و منجمد نشود و از زمانش واپس نیفتد.

در یکی از اخبار اجتهاد و تقلید مخوانیم:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا (احادیثنا) فانهم حجتی علیکم وانا حجة الله (۲)

شخصی به نام اسحاق بن یعقوب نامه ای برای حضرت ولی عصر (عج) منویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده، سؤال میکند و محمد بن عثمان عمری (نماینده آن حضرت) نامه را مرساند.

پاسخ نامه به خط مبارك صادر میشود که در حوادث و رویدادها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.

۱ - شفاء، آخر الهیات

۲ - وسائل، ج ۱۸، ص ۱۰۱؛ کتاب القضاء، باب ۱۱، حدیث ۹؛ این حدیث را مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبه وطبرسی در الاحتجاج نیز نقل کرده اند.

منظور از حوادث واقعه که در این روایت آمده، همان مسائل جدید است نویسنده نامه سؤال میکند حالا که بعد از این ما دسترسی به امام خود نخواهیم داشت، مسائل تازه ای که پیش می‌آید چه کنیم؟ امام (عج) فرمود: به فقهاء و حکام شرع مراجعه کنید.

ولی بعضی از فقهای معاصر میگویند: منظور از حوادث واقعه مسائل و احکام شرعی نیست زیرا این موضوع جزو و واضحات مذهب شیعه بوده است که در مسائل باید به فقهاء رجوع کنند، منظور از حوادث واقعه پیش آمدهای تازه اجتماعی است که برای مردم و مسلمین روی داده است. یعنی حوادث مستحدثه به طور کلی هم روی دادهای فرهنگی، فکری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انسانی است. به هر حال خواه منظور از حوادث واقعه خود پیش آمدها باشد و یا مسائل تازه ای که به مرور زمان رخ میدهد، برگشت به یک معنی است. یعنی در حوادث و مشکلات به روایات احادیث (فقهاء) مراجعه کنید و از آن‌ها کسب تکلیف نمایید. زیرا آن‌ها حجت

من بر شما میباشند و من حجت خدا بر شمایم و این یکی از پیش بینی های مترقی فقه شیعه است که حوادث مستحدثه را که در هر زمانی روی میدهد و طبیعتاً در قوانین فقهی پیشین حکم و راه حلش نیامده است باید فقهاء بررسی کنند و بر اساس موازین علمی و اجتهادی آن مطرح سازند و پاسخش را بیابند. مطالعه و بررسی کتب فقه در قرون مختلف، مرساند که به تدریج به موازات نیازمندی های مردم مسائل جدیدی وارد فقه شده و فقهای هر زمان در مقام پاسخگویی بر آمده اند و به همین جهت به تدریج بر حجم فقه افزوده شده است این اصل مرساند که چگونه اسلام مسأله زمان و عامل تغییر و تحول و نوآوری را در طی ادوار تاریخی پیش بینی کرده است و فقهاء را در برابر آن مسئول دانسته است. راز و رمز اجتهاد را با مشخصات ذیل میتوان شناخت:

۱ - عقل یکی از منابع و مدارك احکام است  
هیچ دینی مانند اسلام با عقل پیوند نزدیک نداشته و برای آن اهمیت قائل  
نشده است. آری تنها اسلام است که عقل را یکی از منابع احکام و اساس دین  
دانسته است. (۱)

فقهاء در استنباط احکام به چهار منبع و مدرک تمسک میکنند: کتاب، سنت،  
عقل و اجماع. و میان عقل و شرع رابطه ناگسستنی قائلند که آن را در اصطلاح  
خودشان قاعده ملازمه منامند و می گویند: کَلِمَا حَكْمٌ بِهَ الْعَقْلِ حَكْمٌ بِهَ الشَّرْعِ وَ  
کَلِمَا حَكْمٌ بِهَ الشَّرْعِ حَكْمٌ بِهَ الْعَقْلِ: هر چه عقل حکم کند، شرع نیز مطابق آن  
حکم

میکند، هر چه شرع حکم کند، عقل بر طبق آن حکم میکند.  
آری عقل در فقه اسلامی علاوه بر این که خود مستقلاً منبع و مدرک احکام  
است در استنباط از سایر منابع و مدارک نیز مددکار خوبی است.  
پس اصل (هر چه عقل روا دارد، شرع هم روا میدارد) يك اصل ثابت و دیرین  
است که هرگز منسوخ نشده و نمی شود. از این رو پذیرش وارد کردن عقل در

حریم  
دین یکی از جهاتی است که انطباق این دین را با مقتضیات زمان آسان کرده و مانع  
بزرگ جاوید ماندن را از میان بر میدارد.

۲ - در اسلام برای هر موضوعی حکمی است  
یکی دیگر از جهاتی که به اسلام امکان جاوید ماندن میدهد این است که: در  
قوانین اسلام حکم هیچ موضوعی فروگذار نشده است. البته این يك ادعا نیست  
بلکه يك واقعیت است و برای کسانی که به اصول فقه اسلام آشنا باشند کاملاً  
روشن  
مباشد.

---

۱ - العقل اساس الدین، جمله ای است از آن حدیث بسیار عالی امیر مؤمنان (ع) از خود پیامبر اکرم  
(ص)  
نقل میکند و این حدیث را قاضی عیاض در کتاب خود الشفاء بتعریف حقوق المصطفی آورده است.



زیرا اگر در يك مسأله دليل خاص عقلي يا نقلي (کتاب، سنت، عقل و اجماع) وجود داشته باشد حکم آن مسأله طبق مدرک معلوم است، و اگر دليل خاصی در مسأله نبود به قواعد کلی به اصطلاح عموماتی که در قرآن یا سنت وارد است رجوع میکنند.

چند نمونه از قواعد عامه را به طور اجمال یاد آور مشویم:  
الف - قواعد حاکم:

در متن مقررات اسلامی يك سلسله قواعد کنترل کننده قرار گرفته است که فقهاء آن ها را قواعد حاکم مینامند این ها قواعدی هستند که بر سراسر احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و بر همه ی آن ها حکومت میکنند قاعده لا ضرر، لا حرج از این دسته اند در حقیقت اسلام برای قواعد حاکم حق و تو قائل شده (۱) است.

در اسلام هر کس در اجرای حقوق و استفاده از امکانات خود آزاد است ولی به موجب قاعده لا ضرر آزادی هر کس تابع محدودیتهائی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای نظم عمومی وضع گردیده است. فقهاء از این قاعده کلی حکم صدها موضوع جزئی را استفاده میکنند. و هم چنین احکام و مقررات اسلامی تا زمانی قابل اجراء است که به مرتبه عسر و حرج برسد و در صورت حرج حکم برداشته شده و تکلیف انسان هم عوض میشود.

ب - در اسلام دو حکم کلی است به این صورت: احلت لكم الطيبات و حرمت عليكم الخبائث در اسلام حکم بعضی از خوردنی ها و آشامیدنی ها به طور صریح و

---

۱ - این قواعد داستان مفصلی دارد اولی از فرمایش پیغمبر اکرم (ص) لا ضرر ولا ضرار في الاسلام دومی از آیه شریفه: ما جعل عليكم في الدين من حرج استفاده شده است.

روشن بیان شده است: مانند: شراب، میته، گوشت خوک و خون و... ولی برخی از آن‌ها به صورت کلی مانند: احلت لكم الطيبات و حرمت عليكم الخبائث آمده است و از این فهمیده میشود. فقها، از این دو حکم کلی، احکام زیادی استفاده میکنند و حتی چیزهایی که به مرور زمان در بین مردم خوردن آن‌ها رایج میشود حکم آن‌ها را نیز از این قواعد کلی استنباط مینمایند.

ج - قاعده تزاحم (اهم و مهم)

در اسلام احکام تابع يك سلسله مصالح و مفسد واقعی است چون مصالح و مفسد در يك درجه نیستند لذا احکام طبق آن‌ها درجه بندی شده است و این جهت سبب شده که باب مخصوص در فقه اسلامی به نام باب تزاحم یا اهم و مهم باز شود و در صورت بر خورد و اجتماع مصالح و مفسد گوناگون، اسلام اجازه داده،

فقهاء و کارشناسان اسلامی درجه اهمیت مصالح را با توجه به راهنمایی خود اسلام، بسنجند و مصالح مهم تر را بر مصالح کم اهمیت تر ترجیح بدهند و خود را از این بن بست خارج نمایند.

البته، قواعد عامه منحصر به این‌ها نیست نظائر زیادی دارد که اینجا مجال سخن در باره‌ی آن‌ها نیست.

بنابر این در اسلام برای هر موضوعی حکمی است و اگر به دلیل خاصی نباشد با قواعد کلی مسأله روشن خواهد شد و اگر موضوعی بود که مشمول هیچ يك از عمومات و قواعد کلی نبود آن گاه به اصول عملیه چهارگانه (استصحاب، احتیاط، تخییر و براءت) رجوع میشود و چون مجاری اصول طبق يك حصر عقلی در همین چهار مورد است حتما مسأله‌ی مورد بحث داخل تحت یکی از اصول خواهد گردید،

پس ممکن نیست موضوعی پیدا شود که از نظر فقهی حکم آن معلوم نباشد. آری این است راز و رمز اجتهاد که اسلام را با مقتضیات زمان تطبیق میکند.

بدین ترتیب اسلام شامل همه ی دستورات و احکامی است که بشر، تا پایان دنیا، برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کتاب شریف کافی، فصلی است تحت عنوان تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است و قرآن تبیان کل شیء یعنی روشنگر همه چیز، و همه امور است. امام (ع) سوگند یاد میکند - طبق روایات - که تمام آن چه ملت در هر زمان احتیاج دارد در اسلام هست و در آن هیچ شکی نیست.

این مطلب، مجرد ادعا نیست بلکه حقیقتی است که حتی شرق شناسان و حقوق دانان غربی نیز به این حقیقت اقرار و اعتراف دارند و تعالیم عالیه ی اسلام را يك مکتب حقوقی دیگری مستقل و زنده شناخته اند. یکی از دانشمدان بزرگ غرب، سانتیلانا گفته است: در فقه اسلامی آن قدر از قوانین موجود است که برای مسلمانان در قانونگذاری مدنیشان کافی است، اگر نگوییم که برای تمام انسانیت کفایت میکند

همچنین هاکنج محقق معروف امریکایی و استاد فلسفه دانشگاه هاروارد در کتاب روح سیاست جهانی پس از آن که بحث مفصلی راجع به اصول و مبادی فقه اسلامی ایراد میکند، چنین مگوید: راه پیشرفت کشورهای اسلامی این نیست که از نظام ها و ارزش های غرب تقلید کنند و آن را در زندگی خودشان به کار ببندند... عده ای میپرسند آیا در اسلام این نیرو وجود دارد که افکار جدیدی تولید کند و قوانین و دستورات ممتاز و مستقلی برای بشر عرضه بدارد که کاملاً با احتیاجات و مقتضیات زندگی جدید موافق باشد؟ پاسخ این است که در نظام اسلامی نه تنها هر نوع استعداد و آمادگی برای پیشرفت و تکامل وجود دارد بلکه

قابلیت تطور نظام اسلام از بسیاری از نظام های دیگر بیشتر است. مشکل کشورهای اسلامی این نیست که در آئین اسلام ابزار پیشرفت نیست، بلکه این است که متأسفانه در کشورها تمایل و اراده ی لازم برای استفاده از این ابزار پیشرفته وجود ندارد، من با کمال واقع بینی درك میکنم که دین اسلام کلیه مبادی و اصول لازم را برای پیشرفت و تکامل در بر دارد (۱)

بزرگترین افتخار و امتیاز علمی شیعه در طول تاریخ باز نگاهداشتن باب اجتهاد است. مجتهدان شیعه حلقه های اتصالی ما بین سلسله امامان و شیعه ها هستند این معنی سبب میشود دین همیشه تازه و زنده بماند. با گذشت زمان و توسعه روزگار پیش برود. انتظار صرفت فقه شیعه همه چیز را زیر پر گرفته و درباره هر چیز بزرگ و کوچک حکم مشخصی داشته باشد و نسبت به کلیه موضوعات تازه

احداث حکمی پیدا کرده، تکلیف مردم را روشن کند و فقهای شیعه جواب گوی مسائل زمان و حلال مشکلات جهانی باشند.

و لیکن فقهای شیعه به دلیل وجود حکومت های جائز و جو تقیه و بر کنار بودن آنان از جریانات سیاسی و نظامی و اقتصادی و صنعتی جوامع، فرصت نیافتند آن طوری که باید فقه را به طور گسترده، بحث و بررسی نمایند. بدین جهت فقه اسلامی

در هر زمینه، متناسب با تطورات و تحولات زمان پیش نرفت و از هم سازی و هماهنگی با مسائل روز خصوصا در مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باز ماند و در کتاب های فقهی باب مخصوصی به طرز اداره مردم و سیستم حکومتی اسلام و مباشرت در امور و اموال عمومی و کفالت و احتیاجات شهری باز نگردید و در بسیاری از مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی به حد کافی بحث نشد

---

۱ - از کتاب روح سیاست جهانی.

و برای جویندگان همچنان يك خلاء فکری باقی مانده است. اکنون که روحانیت و مرجعیت شیعه توانسته در اثر مبارزات پی گیر و دامنه دار خود، استبداد و استعمار را به زانو در آورد و مردم جهان را به تعالیم اسلام جلب نماید، اکنون که روحانیت شیعه از انزوا به در آمده و در جامعه موقعیت خاصی یافته است، آن چنان که در مجامع بین المللی روی آن حساب میشود و ده ها موفقیت دیگر که اخیرا نصیب علمای شیعه شده است، ضرورت و فوریت يك نهضت عمیق علمی بر پایه تحقیق اجتهادی در فقه و سایر رشته های علوم اسلامی در این زمان بیش از هر وقت دیگر احساس میشود و برتری فقه شیعه هم بر دیگر مذاهب فقهی در همین است که راه تحقیق تازه و استنباط در موضوعات جدید باز گذاشته شود. و این ضرورت را کسانی بهتر میدانند که خود در گیر مسائل قضائی و حقوقی و پزشکی و... هستند به همین جهت مرکز تحقیقات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین الملل - ایران از فقیه و مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی روحانی مد ظله العالی مسائلی استفتاء کرده اند که کمتر در فقه مطرح شده است و معظم له با

دقت نظر و تبحر خاصی که در فقه دارند به پاسخ گویی پرداخته اند، و چون این مسائل بسیار حائز اهمیت است برای اطلاع عموم اقدام به چاپ آن ها گردید. به امید این که در اثر تلاش فقیهان ذیصلاح حکم مسائل مستحدثه و مورد نیاز جامعه بر طرف شود.

من الله التوفیق

قم - حوزه علمیه - داود الهامی

۷۸ / ۵ / ۲۵

استفتائات:  
قضائيه

استفتائات قضائیه

سؤال:

در مواردی که اولیاء دم، تقاضای عفو قاتل را داشته باشند یا مطالبه دیه نمایند، ولی با توجه به عوارض سیاسی، اجتماعی عفو به صلاح نباشد؛ بفرمایید: الف) آیا در صورتی که حکومت بخواهد قاتل را مجازات نماید، امکان این کار وجود دارد؟

ب) آیا در صورت عدم رضایت اولیاء دم، مبلغ دیه را میتوان از بیت المال به آنان پرداخت نمود؟

ج) آیا ولی امر مسلمین با ولایتی که بر ولی دم دارد میتواند بر خلاف نظر وی قاتل را اعدام نماید؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) اختیار عفو یا مجازات به دست ولی مقتول است، حکومت یا رهبر یا يك شخص دیگر نمیتواند بدون موافقت ولی مجازات نماید.

ب) مراد از عدم رضایت اولیاء دم

اگر عدم رضایت به اخذ دیه باشد نمیتوان دیه را از بیت المال پرداخت نمود و اگر مراد عدم رضایت به پرداخت از بیت المال است بعد از تراضی به پرداخت دیه،

ظاهراً میتوان از بیت المال پرداخت نمود.

خصوصاً در صورت عدم قدرت مالی جانی که مورد روایت است

ج) رهبر حکومت اسلامی ولایت به آن معنی که اشاره شده است بر ولی دم ندارد و نمیتواند بدون نظر او قاتل را اعدام کند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

درباره حد سرقت؛ بفرمایید:

الف) پس از اجرای حد سرقت، عوض قطع شده ملك کیست؟ ملك حكومتی که مجری حد است، یا شخص محدود؟

ب) دفن عضو مقطوع، پیوند عضو قطع شده به وسیله جراحی به شخص محدود یا فروش آن برای پیوند به فرد دیگری چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چند دسته دلیل بر احکامی موجود است.

۱ - ادله داله بر این که انسان مالك اعضاء خود است.

۲ - دلیل دال بر جواز معامله بر اعضاء جدا شده.

۳ - دلیل لزوم دفن عضو جدا شده از انسان

۴ - دلیل عدم جو از قطع عضوی از بدن غیر

پس از سرقت دلیل اخیر تخصیص خورده و باید دست دزد را قطع نمود، و سه دسته

ادله دیگر اطلاقش باقی است بنابر این

الف) عضو قطع شده ملك شخص محدود است

ب) دفن آن لازم و پیوند به غیر جائز است، و می توان با معامله منتقل به غیر نمود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۱۹)



سؤال:

در صورتی که مردی زنی را به قتل رسانده باشد؛ بفرمایید:  
الف) هنگامی که اولیاء مقتول مسخواهند برای قصاص نصف دیه را به قاتل بدهند، انتخاب نوع دیه با اولیاء است یا جانی؟  
ب) در صورت عدم تمکن اولیاء دم از پرداخت این مبلغ و درخواست آنان از دستگاه قضائی، آیا میتوان فاضل دیه را از بیت المال پرداخت کرد؟  
ج) مواردی که عدم قصاص، عوارض سیاسی - اجتماعی داشته باشد که به نوعی باید حکومت حضور یابد، در صورت عدم تمکن اولیاء دم، آیا میتوان فاضل دیه را از بیت المال پرداخت کرد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) انتخاب نوع دیه در تمام موارد با جانی است، و در این مورد به خصوص روایاتی دال بر آن است و فقها هم به آن تصریح نموده اند.  
ب) فاضل دیه را باید جانی بدهد، ولی در صورت عدم تمکن از بیت المال میتوان پرداخت نمود.  
ج) در صورتی که عدم قصاص عوارض سیاسی و اجتماعی داشته باشد که لازم است جلوگیری شود باید این مبلغ را از بیت المال بدهند.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره قصاص اطراف؛ بفرمایید:

الف) پس از اجرای قصاص اطراف، عضو قطع شده ملك کیست؟ ملك

حکومت، مجنی علیه یا جانی؟

ب) دفن عضو مقطوع، پیوند عضو قطع شده به جانی یا فروش آن برای پیوند به

دیگری چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) عضو قطع شده ملك جانی است.

ب) دفن آن لازم است، پیوند به دیگری و فروش آن جائز است.

ولی پیوند به جانی خلاف احتیاط است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره علم قاضی؛ بفرمایید:

الف) آیا علم قاضی ملحق به اقرار است یا بینه و یا طریق سومی است؟

ب) در صورتی که طریق سوم باشد حکم عفو چگونه است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) قاضی همان گونه که میتواند مستندا به بینه و اقرار حکم کند میتواند حکم

کند مستندا به علم خود مطلقا.

و فرقی که فقهاء بین بینه و اقرار فرموده اند این است که جائز است الزام المقر قبل

الحکم ایضا و جائز نیست الزام به آن در صورت ثبوت حق به بینه مگر بعد از حکم.

و چون به نظر اینجانب این فرق تمام نیست و مفصلا در فقه الصادق بحث نموده ام

بنابر این جواب سؤال این است که علم قاضی مانند هر دو است.

ب) در اجراء حد بین بینه و اقرار فرقی هست و آن این است که

بعد از قیام بینه حاکم نمیتواند عفو کند.

و بعد از اقرار میتواند عفو نماید و اجراء حد نکند، و چنانچه حاکم در باب حدود

بتواند اجراء حد بدون بینه و اقرار بنماید، ظاهر این است که علم قاضی ملحق به بینه

است.

چون جو از عفو احتیاج به دلیل دارد که موجود نیست ولی من فعلا مرد دم که در

باب حدود قاضی میتواند بدون بینه و اقرار و به علم خود اجراء حد بنماید یا نه

بنابر این حال عفو معلوم است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

چنانچه قاضی در مجازات محارب، صورت صلب را انتخاب کرد - با توجه به این که اگر بعد از ۳ روز زنده بماند حق حیات دارد - بفرمایید:

الف) در صورتی که بخواهد قبل از اجرای حکم، از داروها و غذاهای مقاوم کننده بدن استفاده نماید، آیا میتوان او را منع نمود یا خیر؟

ب) اگر کسی عصیانا به او آب یا غذا برساند، باید جلوگیری کرد یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورت صلب محارب بعد از سه روز باید از دار پایین آورده شود ولی حق حیات ندارد.

دو قول بین فقهاء هست.

دسته فرموده اند ینزل ویجهز علیه ویدفن.

و دسته دیگر فرموده اند بیقی علی ما هو علیه حتی یموت.

و اقوی قول دوم است.

بنابر این جواب سؤال دوم واضح است، باید جلوگیری نمود.

بلکه جواب سؤال اول نیز چنین است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

کسی که قرار است مورد اجرای حد سرقت قرار گیرد، آیا میتواند با هزینه خود از طبیب بنخواهد که عضو وی را بی حس نماید؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

آنچه از روایات استفاده میشود این است که غرض از حد سارق جدا شدن دست و بعد پای سارق است و نظر بایذاء نیست، و لذا در عده از روایات امام علیه السلام مفرماید

بعد از قطع، معالجه شود از بیت المال تا خوب شود.

بنابر این اظهر جواز بی حس نمودن است. لاصالة الحل - والبراءة

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره کسی که قرار است کشته شود (تیر باران، حلق آویز یا...)؛ بفرمایید:  
الف) آیا میتواند با هزینه خود از پزشك بنخواهد که وی را قبل از قتل، بی حس یا بیهوش نماید تا درد کمتری را متحمل شود؟  
ب) آیا بین حد یا قصاص نفس و اطراف فرقی وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) مقصد اصلی در قصاص زهاق روح است نه ایذاء.  
بنابر این جائز است قبل از قتل بی حس و یا بیهوش نمودن.  
ب) و در حد مانند حد سرقت که غرض جدا شدن دست یا پا میباشد، نیز جائز است.

و اما در ضرب و جلد که غرض ایلام است جائز نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای جلوگیری از تجاوز، هتك ناموس یا سرقت؛ بفرمایید:

الف) آن جا که احتمال آبرو ریزی مجنی علیه در کار باشد، تکلیف چیست؟  
ب) آن جا که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید یا متوسط مجنی علیه باشد، تکلیف چیست؟

ج) آن جا که مال زیاد، معمولی یا کم مورد تعرض باشد، تکلیف چیست؟  
د) آن جا که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود، تکلیف چیست؟  
ه) در موارد عدم جواز بر خورد با جانی یا سارق، تکلیف قاتل مدافع و دم متجاوز چیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اگر جانی قصد تعرض ناموسی دارد واجب است دفع او با رعایت دفع از ادنی که كتك زدن مثلا تا اعلی، و چنانچه با رعایت موازین شرعیه جانی کشته شود دم او هدر است.

الف) در صورتی که احتمال آبرو ریزی مجنی علیه در کار باشد باید رعایت اهم را نمود و در بعضی موارد شاید دفاع جائز نباشد.

ادامه جواب:

ب) كما این كه اگر ظن به هلاكت داشته باشد جائز است تسلیم شدن لا ولویة حفظ النفس من حفظ العرض، كما هو المستفاد من الروایات الواردة في المستكرهة

على

الزنا.

ج) اگر جانی قصد سرقت اموال را دارد اگر اطمینان به سلامت در صورت دفاع دارد

جائز است دفاع.

د) در صورت کشته شدن جانی یا سارق در صورت جواز دفاع، دم او هدر است. و اگر معنی علیه کشته شود دم او هدر است.

ه) در صورت خوف تلف جائز نیست دفاع از بردن اموال.

و اگر جانی قصد جان او را بنماید واجب است دفاع ولو ظن به تلف داشته باشد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی، ۱۴۱۸)



سؤال:

الف) نظر اسلام را پیرامون اعتبار اسنادی که توسط دستگاه های مدرن تهیه میشود بیان فرمایید. (مانند: فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، تلفنگرام، زیرا کس، پرینتر، اسکنر کامپیوتر و...)

ب) کدام يك میتواند مستند حکم قاضی قرار گیرد و به عنوان مؤید تا چه حد قابل استناد است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) به این عنوان دلیلی نداریم در تمام این موارد میزان، اطمینان قاضی است، و قول اهل خبره موثق

ب) بعید نیست که لوث به این ها ثابت شود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

ملکی به صورت مشارکت خریده میشود و سپس یکی از شرکاء سهم خود را به شریک دیگر اجاره به شرط تملیک میدهد. به طوری که بعد از پرداخت تمامی اقساط (که طبعا بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود) قسمت مورد اجاره به ملکیت مستأجر در مآید، بفرمایید: آیا میتوان این کار را که در بانکها یا شرکتهای - اشخاص حقوقی - و بعضا توسط اشخاص حقیقی صورت میگیرد راهی شرعی برای تخلص از ربای قرضی دانست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ربا مختص است به بیع و قرض و در مورد سؤال سه قرارداد است.

۱ - بیع و شراء که دو نفر به صورت مشارکت خریده اند آن که صحیح است و ربا درش نیست.

۲ - اجاره احد شریکین به شریک دیگر آن هم که ربا ندارد.

۳ - شرط تملیک - یا ملکیت - آن هم تصور ربا درش نمیرود.

بنابر این معامله مذکوره صحیح است، و هیچ اشکالی ندارد.

البته در شرط تملیک که شرط فعل است، و شرط ملکیت که شرط نتیجه است اشکالاتی شده است که از نظر ما آن ها درست نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

مردی زنی را در اشهر حرم به قتل رسانده است، با توجه به این که وقوع قتل در این زمان موجب اضافه شدن ثلث دیه میشود؛ بفرمایید:  
اگر اولیاء دم تقاضای قصاص جانی را داشته باشند، باید نصف دیه يك مرد در ماه حرام را به او بپردازند یا نصف دیه يك مرد در غیر ماه حرام؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

زنی که در اشهر حرم کشته شود چنانچه اولیاء دم بخواهند دیه بگیرند باید نصف دیه مرد که ثلث به آن اضافه میشود بدهند.  
و اگر تقاضای قصاص نمایند چنانچه در اشهر حرم قصاص نمایند باید نصف دیه مرد در ماه حرام را بپردازند.  
و الا نصف دیه يك مرد در غیر ماه حرام.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

با توجه به این که در زناى محصنه هنگام اثبات جرم با بينه، در صورت فرار مجرم از حفره متوان وى را برگرداند و حکم را اجراء نمود، ولى در صورت اقرار اين

کار را نميتوان انجام داد؛ بفرمائيد:

الف) آیا متوان حکم رجم را به انواع ديگرى از قتل تبديل نمود يا خير؟

ب) در صورت مثبت بودن جواب، آیا بين انواعى که احتمال زنده ماندن محکوم در آن وجود ندارد با مواردى که اين احتمال هست، تفاوتى وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) حکم رجم را نمى شود به انواع ديگرى تبديل نمود.

روايتى است متضمن اين که در زمان پيغمبر صلوات الله عليه وآله چنين اتفاقى شد مردم آن زانى را تعقيب نموده و کشتند رسول خدا (ص) به عنوان اعتراض فرمودند:

هلا ترکتموه.

ب) همان روايت دال است بر عدم تفاوت بين موارد.

(تاريخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادى الاولى ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر قاضی با علم خود حکم به رجم نماید؛ بفرمایید:  
الف) در صورت فرار مجرم از حفره آیا میتوان او را مجدداً به حفره برگرداند و حکم را اجراء نمود یا خیر؟  
ب) اگر علم قاضی راه سومی باشد - ملحق به بینة یا اقرار نباشد - تکلیف چیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

من فعلا مرد دم و نمی دانم در باب حدود قاضی میتواند به علم خود اجراء حد بنماید یا نه، مقتضای احتیاط عدم اجراء حد است.  
الف) ولی چنانچه قاضی بتواند با علم خود اجرای حد بنماید، ظاهراً در صورت فرار مجرم از حفره اگر يك سنگ به او اصابت کرده باشد نمیتوان او را به حفره برگرداند به  
مقتضای اطلاق صحیحہ ابی بصیر.

ب) بنابر این علم قاضی ملحق به اقرار میباشد.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در صورتی که بعد از اعدام - حلق آویز، رجم یا... - و قبل از دفن در سردخانه یا پزشکی قانونی در مجرم علائم حیاتی دیده شود و با مداوا سلامت خود را باز یابد؛ بفرمایید:

الف) اجرای مجدد حکم چه صورتی دارد؟

ب) آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

ج) بر فرض لزوم اجرای مجدد حکم، دیه خسارتهای وارده قبلی بر محکوم در دو حالت فوق به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در صورت مهدور الدم بودن که فرض مسأله است باید اجراء حکم مجددا بشود.

ب) ظاهرا فرقی بین حد و قصاص نیست.

ج) و خسارات وارده در صورتی که مجری حد تقصیر نکرده باشد به عهده او نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

بعد از عقد نکاح در صورت اعسار زوج از پرداخت مهریه; بفرمایید:

الف) آیا زن میتواند به خاطر عدم دریافت مهریه تمکین ننماید؟

ب) در صورت جواز، آیا تمکین فقط منحصر به بضع است، یا سایر استمتاعات را هم شامل میشود؟

ج) آیا در این موارد نشوز صدق میکند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در نظر ما حتی در صورت موسر بودن زوج و معجل بودن مهر زوجه نمیتواند به خاطر عدم دریافت مهریه تمکین ننماید.

ولی چون عدم لزوم تمکین اجماعی است حرفی نداریم.

اما در صورت اعسار شکی نیست در لزوم تمکین کما هو المشهور بین الفقهاء.

ب) تمکین منحصر به بضع نیست، جواز یا عدم جواز آن شامل استمتاعات دیگر هم میشود.

ج) در صورت عدم جواز تمکین نشوز صدق میکند و در صورت جواز صدق نمیکند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

الف) سرقت اطلاعات سری کد شده و رمزدار از شبکه های کامپیوتری یا کامپیوترهای شخصی و کشف رمز آن ها چه حکمی دارد؟

ب) سرقت و فروش غیر مجاز شماره های موبایل توسط آشنایان و تکنیک الکترونیکی مرکزی آن چه حکمی دارد؟

ج) آیا با وجود سایر شرائط، امکان اجرای حد سرقت وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) شکی نیست در حرمت عمل مفروض، و ضمان هم ثابت است.

ب) حرام است و موجب ضمان.

ج) اجراء حد سرقت متوقف است بر این که آن شیء مالیت دار در مکان محرزی باشد

بنابر این اجراء حد سرقت در غیر از کامپیوترهای شخصی مشکل است و نباید اجراء شود،

ولی حاکم شرع میتواند تعزیر کند.

(تاریخ جواب استفتاء: جمادی الاولی ۱۴۱۹)



سؤال:

با توجه به این که مدارهای ماهواره ای در سازمانی معین به کشورها اختصاص میابد که بعد از این اختصاص، آن کشور میتواند ماهواره های خود - اعم از خود ساخته، خریده یا استیجاری - را در آن مدارهای محلی قرار دهد، بفرمایید: الف) آیا حق استفاده يك کشور از این مدارها به نحو مالکیت است یا حق انتفاع؟

ب) آیا اجاره یا وقف آن ها توسط این کشورها ممکن است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) ملکیت امری است اعتباری و لذا قائلیم به مالکیت حکومت. و هوای بالای مملکت ما فوق حریم ملك اشخاص حقیقی یا حقوقی ملك حکومت است به بنای عقلاء.

و لذا بدون اجازه حکومت افراد مملکت دیگر حق ندارند هواپیما از بالای این مملکت ببرند.

بنابر این استفاده يك کشور از این مدارها به نحو مالکیت است.

ب) و اجاره و وقف آن ها توسط این کشورها ممکن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد کسی که قرار است اعدام شود - حدا یا قصاصا - بفرمایید:  
الف) اگر حدود یا تعزیرات دیگری اقل از قتل، برای وی ثابت شود، میتوان از آن صرف نظر نمود؟

ب) آیا بین حق الله و حق الناس تفاوتی وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) صرف نظر نمودن از حدود دیگر اقل از قتل جائز نیست.  
بلکه باید همان گونه که روایات متعدده وارد شده و فقهاء هم فتوی داده اند اول آن حد دیگر اقل را اجراء نمود بعدا کشته شود.  
نهایت اختلافی است بین فقهاء در این که بعد از اجرای حد اقل واجب است تاخیر قتل تا برء حاصل شود - یا مستحب است تاخیر - یا آن که تاخیر يك روز جائز است، یا تأخیر جائز نیست.

اقوی در نظر ما عدم جواز تاخیر است.

ولی اجماع ادعاء شده است بر جواز تاخیر.

ب) فرقی بین حق الله تعالی و حق الناس نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

با توجه به این که از نظر علمی هر گاه مردی فوت نماید، تا مدت محدودی  
متوان نطفه او را به رحم زن منتقل کرد و وی را باردار نمود؛ بفرمایید:  
الف) انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه چه حکمی دارد؟  
ب) احکام مربوط به ولد را از نظر طهارت، ارث و... بیان فرمایید؟  
ج) انتقال این نطفه به رحم اجنبیه چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه اشکال ندارد.  
ب) بچه هم ملحق است به صاحب نطفه و زوج، و از حیث طهارت هم پاك است،  
ولی ارث نمبرد از زوج زیرا در وقت مردن پدر نبوده است، و بر حسب ادله اموال  
منتقل

به ورثه شده است بعدا بچه متکون شده است.

ج) انتقال این نطفه به رحم اجنبیه جائز است.

و بچه هم ملحق به صاحب نطفه است، البته ارث نمبرد از او.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

آیا دولت اسلامی میتواند به علت مصالحی مهم، صحت بعض عقود یا ایقاعات (مثل ازدواج یا طلاق) را منوط به گذراندن مراحل خاص کند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

دولت اسلامی مانند سایر دول حق چنین کاری ندارد، مگر با اذن فقیه جامع الشرائط آن هم در صورتی که بر ترك آن مفسد مهمی مترتب شود، که در فقه از آن تعبیر به اختلال نظام میکنند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در بخش عقود، فروش يك ملك به صورت زمانى به چند نفر چه حكمى دارد؟  
مثلا ملكى به ۴ نفر فروخته شده، اين ملك در هر فصل سال در اختيار مالك  
همان فصل است كه خودش استفاده كند يا اجاره دهد و يا...

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ملك را به چهار نفر به نحو اشاعه بفروشد، و در ضمن عقد بيع شرط كند كه تمام  
منافع در هر فصلى ملك يكى باشد، اشكال ندارد.

(تاريخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادى الاولى ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره ماهیت حسابهای بانکی از نظر اسلام؛ بفرمایید:  
الف) آیا در بانکها اعتبار و ارزش قراردادی پول به نام اشخاص ثبت و جابجا میشود یا به عین اسکناس اجازه در تصرف داده میشود؟  
ب) آیا حکم شکلهای مختلف حسابهای بانکی (جاری، سپرده ثابت، مشارکت های بانکی و...) یکسان است؟  
ج) حکم سودهای علی الحساب که در مشارکت های بانکی به سپرده گذار پرداخت میشود چیست؟  
د) حکم جوایز و هدایائی که بانک به سپرده گذار پرداخت میکند چیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) ممکن است به عین اسکناس اجازه تصرف داده شود، یا به این که صاحب پول به بانک قرض بدهد یا بفروشد، یا آن که پولش را به بانک اباحه کند ولو این که بانک

آن را تملك کند و به دیگری بدهد و اباحه معوض باشد، یا آن که صاحب پول پول را به

شکل امانت و ودیعه در بانک بگذارد و اجازه دهد در آن تصرف کند نهایت آن که اجازه

تصرف ناقل مجانی نیست بلکه در مقابل عوض است.

ب) حکم شکل های مختلف حساب های بانکی یکسان است.

ج) و سودهای بانکی، چنانچه پول قرض باشد حرام است.

و اگر پول را بفروشد آن هم اشکال دارد.

ولی اگر به عنوان اباحه به عوض، یا ودیعه و امانت باشد حلال است و اشکال ندارد.

د) جوایز و هدایای بانکی چون شرط نشده است و بانک هم ملزم به آن نیست و

تنها برای تشویق مردم مدهد حلال است و هیچ اشکالی ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره شغل زن در بیرون از خانه؛ بفرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه اتخاذ شغلی را به همسر خود داد آیا بعد از طی مراحل خاص میتواند بگوید اجازه ادامه کار را نمیدهم یا این که اجازه اول، التزام به تمام لوازم آن میباشد؟

ب) آیا بین کار موقت با کار مستمر و همیشگی تفاوتی وجود دارد؟

ج) آیا بین استخدام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی - خصوصاً دولتی - تفاوتی وجود دارد؟

د) آیا بین کاری که با حق شوهر منافات داشته باشد با شغلی که چنین منافاتی ندارد فرقی هست؟

ه) آیا بین شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار یا دیگران لطمه جدی نخورد با شغلی که چنین نیست فرق هست؟ (مثل ممنوعیت زن از ادامه تدریس در وسط سال تحصیلی که باعث ضرر زدن به آموزشگاه و محصلین میگردد).  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) چنانچه اجازه اتخاذ شغل را در ضمن عقد لازمی شرط نماید نمیتواند بگوید اجازه ادامه کار را نمیدهم.

ادامه جواب:

و چنانچه ابتدائی باشد

اگر در برابر آن اجازه چیزی گرفته باشد نمیتواند منع کند زیرا در این صورت از قبیل اباحه به عوض مشهود که از عقود لازمه است.  
و اگر چیزی نگرفته باشد در صورتی که آن اجازه اسقاط حق باشد و آن را از حقوق

بدانیم باز نمیتواند منع از ادامه کار نماید.

(ب) در احکام فوق الذکر بین کار موقت با کار مستمر فرقی نیست.

(ج) کما این که بین اشخاص حقیقی با حقوقی تفاوتی نیست.

(د) در مواردی که در بالا ذکر شد بر عدم جواز منع، بین کاری که با حق شوهر منافات

داشته باشد و غیر آن فرقی نیست، بلی در غیر آن موارد اگر ادامه کار با حق شوهر منافات

داشته باشد میتواند بگوید اجازه کار نمدهم و در صورت عدم منافات نمیتواند بگوید اجازه نمدهم.

(ه) کما این که در غیر آن موارد بین شغل ها تفاوتی نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)



سؤال:

- الف) آیا فروش یا اهدای اعضای بدن برای جراحی و پیوند به دیگران جایز است؟ (مثل فروش کلیه)
- ب) آیا این کار برای پیوند این اعضاء به دیگران بعد از مرگ خود شخص جایز است؟ (مانند فروش قلب و چشم)
- ج) آیا شخصی که قرار است اعدام شود میتواند به نحو الف یا ب اقدام نماید؟
- د) با توجه به این که فروش و پیوند، موجب تأخیر اجرای حکم میشود آیا بین حد یا قصاص تفاوتی وجود دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

- الف) اهداء اعضای بدن برای پیوند به دیگران، و واگذاری به دیگران در مقابل پول به غیر خرید و فروش جائز است - خصوص خرید و فروش جائز نیست.
- ب) قطع اعضاء مرده برای پیوند به دیگران جائز است مشروط به وصیت خود او و یا اجازه ولی.
- ج) در حکم بالا فرقی بین کسی که باید اعدام شود و غیر او نیست.
- د) این مقدار تأخیر خصوصاً برای مصلحت مهم تر مانعی ندارد.
- (تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

درباره سن بلوغ دختر، بفرمایید:

الف) سن بلوغ دختر از نظر شرعی چیست؟

ب) آیا برای دختر از حیث بلوغ میتوان بین عبادیات، عقود و ایقاعات تفاوتی قائل شد؟

ج) برای اجرای حدود و قصاص چگونه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) سن بلوغ دختر از نظر شرع نه سال است.

ب) و بین عبادات و معاملات فرقی نیست.

غایة الامر در معاملات رشد هم معتبر است که آن هم باید رعایت شود.

کما این که در صوم اگر مضر باشد به او وجوب ساقط است.

ج) در اجراء حد بر مریض و مستحاضه روایاتی دال است بر جواز تأخیر.

و علتی که در آن روایات ذکر شده است، میتواند مدرك باشد بر جواز تأخیر حد

نسبت به دختر تازه بالغه شده.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

درباره خسارت زائد بر ديه، بفرمائيد:

- الف) آیا ديه همان خسارت است يا جانی باید علاوه بر ديه، خسارت های وارد آمده به مجنی علیه و کلیه هزینه های درمان را پردازد؟
- ب) جایی که مقدار ديه از خسارت بیشتر، مساوی یا کمتر باشد چه حکمی دارد؟
- ج) اگر در موارد فوق جواب منفی است، آیا حکومت میتواند برای جبران خسارت های زائد بر ديه، قانونی وضع کند که جانی را ملزم به پرداخت آن نماید؟
- د) آیا بین انواع خسارت ها مثل خسارت هزینه درمان یا از کار افتادگی (مانند فلج شدن دائمی دست خطاط) تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در مواردی که شارع مقدس ديه تعیین فرموده است چیز دیگری بر جانی لازم نیست.

ب) و فرق بین موارد نیست.

ج) حکومت هم نمیتواند زاید بر ديه قانونی وضع کند که جانی ملزم باشد به پرداخت چیزی غیر از ديه، وارث

که همان ديه است در مواردی که مقدار آن تعیین نشده باشد.

د) خسارات از قبیل فلج شدن، خود ديه بر آن تعیین شده که زائد بر ديه جنایت بر اعضاء باید داده شود.

و هزینه درمان غیر از آن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در مواردی که شارع نحوه اجرای اعدام را معین نکرده است، بفرمایید:  
الف) آیا برای اجرای اعدام - در مواردی که شارع نحوه آن را مشخص ننموده  
است - واجب است حکومت نوعی را انتخاب کند که حد اقل ممکن درد را برای  
محکوم در برداشته باشد یا خیر؟  
ب) آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

شارع مقدس در کیفیت اعدام مطلقاً مفرماید باید نحوی باشد که خیلی دردناک  
نباشد

و با شمشیر تیز آن هم در گردن که شاید کم اذیت تر است دستور قصاص را داده  
است

و در باب حدود نیز سفارش زیاد شده است  
و با الغاء خصوصیات میتوان نتیجه گرفت که حکومت باید نوعی را اختیار کند که  
کم اذیت تر است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

از آنجا که در عرف قانون حقوقی کشور ما و بسیاری از کشورهای جهان سن رشد متعاملین برای ذکور وانات ۱۸ سال شمسی تمام دانسته شده همین طور در قوانین جزائی کشور ما و اکثر کشورها، اطفال کسانی هستند که بیش از ۶ سال تمام

و تا ۱۸ سال تمام سن دارند و باید طبق قانون در دادگاه اطفال به جرائم آن ها رسیدگی شود؛ بفرمایید:

۱ - آیا حاکم شرع در محاکم قضائی میتواند در احکام کیفری این افراد که از نظر شرعی بالغند ولی زیر سن قانونی ۱۸ سال هستند تخفیفاتی قائل شود؟

۲ - اگر جواب منفی است، با توجه به این که در اکثر کشورهای جهان برای بزهکاران زیر سن ۱۸ سال رژیم حقوق و کیفری خاصی اعمال میشود که بیشتر مبتنی بر اقدامات تأمینی و تربیتی است و این امر به عنوان عرف قانونی در سطح بین المللی شناخته شده است؛ بفرمایید:

الف) آیا حاکم شرع میتواند با توجه به عناوین ثانویه (پیش گیری از وهن اسلام و نظام اسلامی و نیز جلوگیری از بهانه جوئی سازمان های بین المللی و معاندین اسلام

و نظام اسلامی و به منظور عمل اجمالی به تعهدات بین المللی) در بعضی از مجازات های این دسته، تخفیف قائل شود؟

ب) آیا در موارد مذکور بین پسر و دختر تفاوتی وجود دارد؟

ج) آیا در موارد مذکور بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

شارع مقدس سن بلوغ پسر و دختر را تعیین کرده است، حاکم شرع حق ندارد در احکام کیفری این افراد تخفیفاتی قائل شود.

الف) عناوین ثانویه که اشاره شده است به آنها.

در صورت تزاحم با عناوین اولیه از حیث ملاکات احکام، در صورتی که مجتهد تشخیص دهد اهم است از ملاکات احکام اولیه.

حاکم شرع مانند سایر موارد تزاحم میتواند در بعضی از مجازاتها و یا در بعضی از سننها تخفیف قائل شود.

ب) و در این گونه موارد بین دختر و پسر تفاوتی نیست

ج) و در حد به این کبری کلیه در روایات اشاره شده است

مثلا مریض را در روایات دستور داده شده است اجراء حد نشود تا خوب شود

و یا مستحاضه اجراء حد تأخیر بیافتد تا قطع خون شود.

از این روایات میتوان استفاده کرد که نسبت به بعضی از دخترها و پسرها در اوائل

بلوغ چون مقاومت شان کم است اجراء حد یا قصاص اعضاء تأخیر بیافتد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره مجرمی که بیمار است؛ بفرمایید:

الف) آیا حاکم شرع میتواند در حال بیماری حکم وی را اجراء نماید یا باید تا بهبودی کامل وی، آن را به تأخیر اندازد؟

ب) بر فرض لزوم تأخیر اجرای حکم تا کسب بهبودی؛ بفرمایید:

- ۱ - مراد از بیماری مانع اجرای حکم، از نظر شرعی چیست؟ (آیا همان متفاهم عرفی است یا آن چه پزشکان آن را بیماری منامند و یا امر ثالثی است؟)
- ۲ - آیا حیض و نفاس و استحاضه در حکم بیماری است؟
- ۳ - آیا بین عارضه ای که محکوم عمدا بر خود وارد کرده با آن چه به طور طبیعی عارض شده تفاوتی هست؟
- ۴ - آیا بین عارضه دائمی (مانند سرطان) و موقتی (مانند درد آپاندیس) فرقی هست؟
- ۵ - در عوارض موقت و زائل شدنی، آیا بین مواردی که برای درمان زمان زیادی نیاز است (مانند بیماری سل) با مواردی که چنین نیست (مانند تب و لرز) تفاوتی وجود دارد؟
- ۶ - آیا بین مواردی که درمان آن هزینه بسیار بالایی دارد (مانند جراحی قلب) با مواردی که چنین نیست تفاوتی هست؟
- ۷ - اگر محکوم، مغمی علیه شود، چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) روایاتی دلالت میکند بر این که بر مریض اقامه حد نمیشود تا خوب شود  
۱ - مراد از مرض مانع به قرینه مناسبت حکم موضوع مرضی است که اجراء حد موجب

عوارض شدیدی بشود زاید بر آنچه بر شخص صحیح وارد میشود.  
و در خصوص مریضی که یخاف علیه الموت روایت خاصی وارد است. ولی به واسطه

آن روایت نمیتوان از اطلاق روایات دست کشید.

۲ - و در مستحاضه نیز روایتی وارد است دلالت دارد بر این که اجراء حد باید تأخیر

بیافتد تا قطع شدن خون.

۳ - مقتضای اطلاق روایات عدم فرق بین مرض عمدی و طبیعی است.

۴ - روایات تأخیر به قرینه آن که غایت تأخیر را خوب شدن قرار داده مختص است به عارضه موقت.

و در عارضه دائمی روایتی دال است بر این که به وسیله يك بسته صد عددی يك ضربه به او زده میشود.

۵ - در عوارض موقت و زائل شدنی بین مواردی که برای درمان زمان زیادی نیاز است یا مواردی که چنین نیست فرقی نیست.

۶ - کما این که فرقی بین مواردی که درمان هزینه زیادی دارد و غیر آن نیست.

۷ - در مغمی علیه روایت خاصی ندیدم.

ولی از روایاتی که در مجنون وارد است دلالت دارد بر این که اگر در حال سلامت زنا

کرد و بعد دیوانه شد اجراء حد بر او در حال جنون میشود

حکم مغمی علیه نیز استفاده میشود و باید اجراء حد بشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۹ جمادی الاولی ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر مجرمی که قانونا باید بازداشت شود در مکه دیده شود، بفرمایید:

- الف) آیا از نظر شرعی امکان بازداشت وی وجود دارد؟  
ب) آیا در فرض مذکور بین انواع جرایم (سرقت، قتل بدهکاری، جاسوسی، مواد مخدر، محاربه، افساد فی الارض و...) تفاوتی هست؟  
ج) آیا بین حرم و بیت الحرام تفاوتی وجود دارد؟  
د) آیا بین مسلمانان، کافر و اهل کتاب تفاوتی هست؟  
ه) آیا بین کسی که اتفاقا به مکه رفته با کسی که به آنجا پناهنده شده، تفاوتی هست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

- الف) مجرمی که در مکه دیده شود، چنانچه جرم در خارج از حرم انجام شده باشد نمیشود در حرم بر او اجراء حد نمود.  
و اگر در حرم مرتکب جرم شده باشد مشود در حرم اجراء حد نمود.  
ب) و در جرائم بین انواع آن تفاوتی نیست.  
ج) موضوع حکم حرم است نه خصوص مسجد الحرام.  
د) در این حکم بین مسلمانان و کافر تفاوتی نیست.  
ه) کما این که تفاوتی نیست بین کسی که پناهنده شده باشد و غیر او.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

با عنایت به این که نظارت حاکم در استیفای قصاص ضروری است؛ بفرمایید:  
الف) آیا برای قصاص، لازم است ولی دم از ولی امر، یا منصوب از طرف او  
استیذان نماید؟

ب) در صورت لزوم استیذان، بفرمایید:

۱ - اگر بدون استیذان، قصاص انجام شد؛ آیا صرفاً گناه کرده یا خود، قاتل  
محسوب میشود؟

۲ - اگر استیذان شد لکن ولی امر اذن نداد و قصاص انجام گرفت چطور؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

به نظر اینجانب اذن حاکم شرع در استیفای قصاص لازم نیست  
و ولی دم بدون اذن حاکم میتواند قصاص کند  
بلی مسأله دیگری هست، و آن این که اگر قاتل منکر قتل باشد تا اثبات قاتل بودن  
او نزد حاکم نشود، ولی مقتول به حسب ظاهر نمیتواند او را بکشد  
و چنانچه بکشد ولی مقتول میتواند طرح دعوی نماید  
و اگر نتوانست بر ادعای خود دلیلی اقامه نماید حاکم شرع میتواند حکم به قصاص  
بر او بنماید.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۹ جمادی الاولی ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد قسامه بفرمایید:

الف) آیا قسامه، در جنایت عمدی بر اطراف، مستلزم قصاص میشود یا خیر؟  
ب) با فرض این که جواب مثبت باشد، نصاب قسامه چه میزان است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) با قسامه در جنایت عمدی بر اطراف اگر چه دیه ثابت میشود ولی قصاص ثابت نمیشود، و دلیل مختص به قصاص در نفس است  
ب) نصاب قسامه در جنایت بر اطراف چنانچه جنایت موجب دیه کامله باشد شش قسم است، چنانچه کمتر باشد بان حساب مثلا اگر ثلث دیه باشد دو قسم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد قصاص اطراف بفرمایید:

(الف) آیا مجنی علیه میتواند بخشی از قصاص را اجراء و بخش دیگر را عفو نماید؟  
(مثلاً: جانی دست مجنی علیه را از کتف قطع کرده است؛ مجنی علیه خواهان قطع دست جانی از آرنج باشد).

(ب) آیا میتواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و برای بخش دیگر دیه بگیرد؟

(ج) آیا میتواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و نسبت به بخش دیگر مصالحه کند؟

(د) آیا رضایت و عدم رضایت جانی در سه حالت فوق، تأثیری خواهد داشت؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

(الف) ظاهراً جائز باشد، در صورتی که قصاص آن بخش اشد نباشد، و احتمال سرایت

ببخش دیگر یا به نفس نباشد، پس در مثال مذکور در سؤال جائز است قطع ید از آرنج.

(ب) چنانچه بخش دیگر دیه مقدری داشته باشد مانند مثال در سؤال جائز نیست. و اگر دیه مقدری نباشد مانند آن که کف دست و بعض ذراع را قطع کرده باشد جائز

است که کف را قطع نموده وارش بعض ذراع را بگیرد.

(ج) و یا مصالحه نسبت به آن بعض بنماید.

(د) در موارد عدم جواز که اشاره شد اگر جانی راضی باشد. بتبعیض مسأله به این وضوح نیست و خالی از اشکال نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد قصاص اطراف بفرمایید:

الف) آیا ملاك، رعایت مماثلت نسبی است یا عرفیه؟ معیار هر کدام چه میباشد؟

ب) در کدام صورت، قصاص تبدیل به دیه میشود؟

ج) آیا بین طول، عرض و عمق در اجرای قصاص تفاوتی هست؟

(مثلاً: اگر جانی لاغر و مجنی علیه چاق است و نیمی از بازوی مجنی علیه - به عمق ۳ سانتی متر - بریده شده است. آیا در قصاص باید نیمی از بازوی جانی لاغر را

برید که ۲ سانتی متر است یا باید همان ۳ سانتی متر بریده شود، اگر چه بیش از نصف بازو باشد؟)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در قصاص اطراف تساوی در مساحت معتبر نیست چون مقابله در آن موارد بین طبیعی چشم و چشم، و انف و انف و غیرهما و نظر به صغر و کبر نیست.

بلی در باب جروح مقابله بین جرح و مماثل آن است لا محالة مساحت معتبر است.

ب) در صورتی که مساحت جراحت در عضو مجنی علیه - تمام عضو جانی را

مسگیرد

و زیاده هم دارد به واسطه صغر عضو جانی - قصاص از عضو دیگر جائز نیست، بلکه به

مقداری که عضو جانی تحمل دارد قصاص میشود و در زاید متعین است دیه و در قصاص اطراف هم چنانچه احتمال سرایت قطع عضو به جان جانی برود قصاص مبدل به دیه میشود

ج) در مماثلت معتبر در جروح میزان مساحت است طولاً و عرضاً و مساحت عمقی معتبر نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۲۰)

سؤال:

در مورد قصاص نفس بفرمایید:

الف) آیا اولیاء دم میتوانند به جای قصاص نفس، عضوی از اعضای قاتل را قطع کنند؟ (مثلاً به جای کشتن قاتل یکی از پاهای او را قطع نمایند).  
ب) آیا اولیاء دم میتوانند عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی طلب دیه نمایند؟

ج) آیا اولیاء دم میتوانند عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی مصالحه نمایند؟

د) آیا رضایت و عدم رضایت قاتل در سه حالت فوق، تأثیری خواهد داشت؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) فقهاء در مسائل مختلفه تصریح نموده اند به این که تبعیض در قصاص جائز نیست، و در خصوص موردی که مماثلت متعذر است جماعتی قائل به جواز شده اند.

بنابر این در مسأله مورد سؤال به طریق اولی جائز نیست.

ب) تفاوتی نیست بین آن که بعد از قطع عضو نسبت به مابقی دیه طلب نمایند یا نه؟

ج) کما این که فرقی نیست بین آن که نسبت به بقیه مصالحه کنند یا نه

د) رضایت جانی هم در این حکم تأثیری ندارد

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

الف) هزینه درمان و بهبود شخصی که در اثر اجرای حد یا قصاص اطراف، یکی از اعضای خود را از دست داده، به عهد بیت المال است یا محکوم علیه؟  
ب) در صورتی که به عهده بیت المال باشد، حکم اختصاص به معالجات اولیه دارد یا معالجات بعدی را نیز در بر میگیرد؟  
ج) آیا بین فقیر و غنی در حکم مذکور فرقی هست یا نه؟  
د) آیا تفاوتی بین حد و قصاص وجود دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در خصوص حد سرقت روایاتی دلالت میکنند بر این که هزینه درمان و بهبود شخص مذکور با امام است، ولی به اتفاق حمل شده است بر استحباب. به هر حال مؤنه و هزینه مذکوره به عهده حاکم یا بیت المال نیست.  
ب) وعلی فرض آن که مراد از روایات قرار دادن هزینه به نحو لزوم بر بیت المال باشد فرقی بین معالجات اولیه و بعدی نیست.  
ج) ولی بین فقیر و غنی فرق هست، اگر فقیر باشد فقهاء فتوی داده اند به این که هزینه مذکوره مانند مصارف دیگر مسلمین به عهده بیت المال است.  
د) در احکامی که بیان شد بین حد و قصاص اطراف تفاوتی نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چنانچه بنا به مصالحی دولت جمهوری اسلامی ایران ناچار به انعقاد قراردادی با يك کشور غیر اسلامی مبنی بر مبادله محکومین به زندان باشد (به این معنی که جمهوری اسلامی متعهد شود محکومین به زندان تابع آن کشور را برای تحمل حبس تحویل کشور متبوع دهد تا ادامه حبس در آنجا صورت گیرد و زندانیان تابع کشور ایران را جهت ادامه حبس در ایران تحویل بگیرد) بفرمایید:

۱ - در مورد مجرمین ایرانی؛ با توجه به صدور احکام حبس توسط دادگاه های غیر اسلامی آیا از نظر شرعی احکام صادره از سوی آنها برای محاکم قضائی ایران قابلیت اجراء دارد یا خیر؟

۲ - در صورت عدم قابلیت اجراء بفرمایید:

آیا اصولاً دادگاه های ما مکلف به محاکمه مجدد و صدور حکم بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران میباشند یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

مسأله چنانچه مفصلاً بیان شود جنبه سیاسی پیدا میکند و مستلزم آن است که... ولی اجمالاً عرض میکنم حکومت اسلامی موظف به عمل به معاهدات بین المللی



ادامه جواب:

است در صورت امضا آن قراردادها پیغمبر اکرم علیه صلوات المصلین به معاهده با مشرکین وفا دار ماند تا آن که آن ها نقض عهد نمودند، بعد از آن آیه برائت از مشرکین

نازل شد متأسفانه بعضی به این آیه استدلال نموده اند بر...

بنابر این باید محبوسین را بر حسب قرارداد تحویل داد.

و اما حبس ایرانیان چنان چه در معاهده چنین است که باید حبس در ایران بشوند (که

خیال مکنم چنین نیست) باید حکم اجراء شود و الا آن حکم قابل اجراء در

حکومت

اسلامی نیست.

و چنانچه کاری که سبب حبس آن ها در کشور دیگر شده است جرم محسوب میشود معامله با آن ها مانند معامله با سایر مجرمین است، در صورتی که از حقوق

الناس

باشد با مطالبه من له الحق محاکمه خواهند شد.

و اگر از قبیل حق الله باشد حاکم شرعی باید او را محاکمه کند، و به وظیفه خود عمل کند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد صغار و مجانین که مورد ضرب و جرح یا توهین قرار گرفته باشند؛  
بفرمایید:

الف) آیا اولیاء آنان با رعایت غبطه مولی علیه حق گذشت دارند یا خیر؟  
ب) ملاك در رعایت غبطه مولی علیه چیست؟ (آیا صرف عدم الضرر کافی است  
یا باید نفع صغیر لحاظ گردد؟)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) مقتضای عموم دلیل ولایة همان است که جماعتی از فقهاء مانند علامه و  
شهیدین فرموده اند.

که با رعایت غبطه مولی علیه ولی حق گذشت دارد  
ب) ظاهراً عدم المفسدة کافی است وجود مصلحت لازم نیست  
(تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر شخصی کشته شده و جنازه او مثلا در بیابان، منزل یا باغی یافت شود و هیچ يك از قاتل و مقتول شناسایی نشوند؛ بفرمایید:

الف) آیا دیه ای وجود دارد؟

ب) بر فرض ثبوت، پرداخت دیه به عهد کیست و مورد مصرف آن کجاست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در صورتی که کشته در قریه یا قریب به آن پیدا شود اهل آن قریه دیه او را باید پردازند مگر آن که بینه باشد بر این که آن ها قاتل نیستند. و اگر بین دو قریه پیدا شود، قریه نزدیکتر باید دیه را پردازند و اگر متساوی باشند هر دو قریه مشترکا باید بپردازند.

و چنانچه کشته در ازدحام یا چاهی یا در جاده عمومی یا بیابان و امثال آن ها پیدا شود به نحوی که نتوان کشته را به شخص خاصی یا جماعت مخصوصی یا قریه معلومه

نسبت داد دیه را باید از بیت المال مسلمین پرداخت نمود.

ب) بنابر این در بعضی موارد دیه به عهده بیت المال است کما هو مورد السؤال. و چنانچه اولیاء مقتول پیدا شوند به آن ها داده میشود و الا مال امام است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

۱ - چنانچه به ادله ذیل حکم قصاص در مورد شخص محکوم اجراء نشده باشد آیا میتوان وی را تا زمان اجراء حکم - هر چند در مدت زمان طولانی - در حبس نگه داشت؟

الف) اولیاء دم به دلیل فقر مالی یا دلایل دیگر از پرداخت فاضل دیه خودداری میکنند. (لازم به ذکر است در مواردی از این بند، اجرای حکم از نظر اجتماعی و سیاسی ضروری میباشد).

ب) عدم تأمین سهم اولیاء صغیر مقتول از طرف اولیاء خواهان قصاص.

ج) عفو برخی از اولیاء دم و عدم پرداخت سهم آنان به محکوم علیه از سوی اولیاء خواهان قصاص.

د) عدم شناسایی اولیاء دم یا عدم دسترسی به آنان و دستور حاکم شرع مبنی بر اخذ دیه از قاتل و ناتوانی وی از پرداخت دیه.

ه) مصالحه به دیه و عدم توانایی پرداخت دیه توسط محکوم علیه.

و) عدم مراجعه اولیاء دم به دادگاه برای تعیین تکلیف نهایی.

ز) فقدان ابزار لازم برای اجرای دقیق حکم قصاص و استتکاف مجنی علیه و اولیاء دم یا افراد خبره از اجرای حکم.

ح) مورد بند ز در صورتی که محکوم علیه استطاعت پرداخت یا جلب رضایت شاکی را ندارد.

۲ - در صورت منفی بودن جواب، آیا دادگاه ها میتوانند شخص محکوم را بدون قید و شرط آزاد نمایند یا آزادی وی باید با اخذ وثیقه یا به قید ضمانت باشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در جمیع موارد ذکر شده ظاهراً میتوان محکوم را حبس نمود و در بعضی از آن موارد فقهاء تصریح به آن نموده اند. و علت را جمع بین حقیقین، و حبس نمودن را مقدمه حفظ حقوق آن ها دانسته اند، و این وجه در تمام آن موارد جاری است بنابراین چنانچه با اخذ وثیقه یا با ضمانت حفظ حقوق بشود میتوان حبس را مبدل به آن نمود. به عبارت دیگر فقیه از طرف امام علیه السلام قاضی تعیین شده است پس هر وظیفه که قضاة عالم در این موارد دارند بر حسب نصب فقیه قاضیا - میتوان انجام داد. بعلاوه در بعضی موارد تجویز حبس نموده اند - آن هم مؤید این مطلب است. (تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

۱ - چنانچه اولیاء دم در مقام مصالحه قصاص با مبلغی زائد بر دیه، مقداری را تقاضا کردند که پرداخت آن برای قاتل میسر نیست؛ آیا دادگاه میتواند فرصت محدودی برای اجرای قصاص به اولیاء دم بدهد و پس از انقضای مهلت مذکور و عدم تقاضای قصاص، محکوم را لا اقل با اخذ وثیقه آزاد نماید؟

۲ - در صورت مثبت بودن جواب، آیا باید او را بدون قید آزاد نمود یا با اخذ وثیقه و قید ضمانت؟

۳ - در صورتی که مقتول دارای ورثه صغیر و کبیر باشد، اگر ورثه کبیر خواهان قصاص بودند ولی برای استیفای قصاص قدرت تأمین سهم صغیر را نداشتند، آیا میتوان قاتل را تا زمان بلوغ صغیر (اگر چه مدت طولانی) در زندان نگه داشت؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا تحمل سال های متمادی در زندان (مثلا ۱۴ سال برای بلوغ فرزند صغیر مقتول) و بعد، اجرای حکم قصاص از مصادیق تحمیل دو جریمه به خاطر يك جرم نیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

۱ - بلی دادگاه میتواند فرصت دهد.

۲ - ولی پس از انقضای مهلت و عدم تقاضای قصاص باید آزاد گردد.

۳ - و در صورتی که مقتول دارای ورثه صغیر باشد، میشود تا زمان بلوغ قصاص را تأخیر انداخت، و در این کار نه تنها جریمه نیست، بلکه حفظ حیا او است در این مدت و این به نفع او است و مسلما با این کار راضی است، و این خدمت است نه جریمه.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

همان گونه که مستحضرید بر اساس برخی روایات وارده در باب دیات، خوب شدن بعضی جراحات یا نقص عضوها (نظیر شکستگی استخوان در اعضای که دیه مقدره دارد یا شکافتن لب) میزان دیه را تغییر مدهد. با توجه به این که امروزه به خاطر پیشرفت علم پزشکی تعداد قابل ملاحظه ای از جراحات و نقص عضوها قابل درمان میباشد؛ بفرمایید:

۱ - آیا تأثیر درمان در میزان دیه را به غیر موارد مصرح در فقه نیز میتوان

تعمیم داد؟

۲ - آیا پیوند عضو مقطوع در میزان دیه تأثیر دارد یا خیر؟  
(در صورتی که انگشت یا دست شخصی در اثر جنایت قطع شود، اگر به موقع اقدام گردد میتوان عضو مقطوع را پیوند زد).

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

۱ - چون موارد تغییر میزان دیه زیاد است، میتوان از آن ها استفاده کبری کلیه نمود.

غایة الامر در مواردی که تصریح شده است به مقدار تغییر کلامی نیست.

و در مواردی که تصریح نشده تعیین مقدار با نظر حاکم است.

۲ - و اما پیوند عضو مقطوع، چون در مواردی فقهاء تصریح کرده اند به عدم تغییر

دیه

و عدم سقوط آن واستدلال نموده اند به اطلاق ادله.

بنابر این میتوان فتوی داد به این که پیوند عضو مقطوع تغییری در دیه نمدهد

ولی به نظر ما بر خلاف مشهور بین فقهاء اظهر سقوط قصاص است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

۱ - در مواردی که بر اساس دستور شارع مقدس، خوب شدن جراحت یا نقص عضو، میزان دیه را تغییر مدهد، مخارج و هزینه های درمان به عهده جانی است یا مجنی علیه؟

۲ - چنانچه به عهده مجنی علیه باشد در مواردی که هزینه های درمان بیش از مقدار دیه مأخوذه است، آیا راهی برای جبران خسارات زائد بر مقدار دیه وجود دارد یا خیر؟

(در این گونه موارد چه بسا هزینه های درمان بیش از مقدار دیه مقرره باشد).

۳ - در مواردی نظیر شکستگی ستون فقرات که دیه کامله دارد، طبق فتوای فقهاء اگر این شکستگی به گونه ای معالجه شود که اثری از جنایت باقی نماند، جانی

باید یکصد دینار بپردازد.

در این گونه موارد فعلیت درمان و اصلاح ملاک است یا قابلیت آن؟

به این معنی که اگر فعلیت ملاک باشد از ابتداء دیه کامله به عهده جانی قرار مگیرد و جانی یا موظف به پرداخت تمام دیه میباشد - که پس از اصلاح و خوب شدن، ۹۰۰ دینار به او پس داده میشود - و یا منتظر مماند که پس از معالجه، دیه مقرره (۱۰۰ دینار) را بپردازد. (اگر چه ذمه اش به کل دیه مشغول است). ولی اگر قابلیت درمان ملاک باشد از همان ابتداء، ذمه جانی به یکصد دینار مشغول میشود.



جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

۱ - ظاهر از آن روایات این است که خود آن جرح یا نقص عضو تا مدت معین

خوب

شود که آن کاشف است از مقدار واقعی اثر آن جنایت

۲ - بنابر این موردی که با هزینه و درمان خوب شود یا همان دیه ثابت است و یا

مراجعه به حکومت وارش میشود در آن موقع حاکم مقدار ضرر و مجنی علیه را

حساب

نموده همه را از جانی مسگیرد.

۳ - میزان قابلیت است ولذا فقهاء مفرمایند به اهل خبره مراجعه شود اگر گفتند

خوب میشود مقدار کم را بگیرد و الا همان دیه را.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

بر اساس دستور شارع مقدس، مهلت پرداخت دیه در قتل و جراحات شبه عمد (مانند جراحات یا تلفات ناشی از تصادفات رانندگی) ۲ سال میباشد؛ آیا تقاضای اعسار جانی قبل از انقضای مهلت مقرر، مسموع میباشد یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

تقاضای اعسار تنها مسموع نیست، بلکه چهار شرط یا پنج شرط باید باشد تا حاکم متقاضی را حجر کند.  
یکی از آن‌ها حلول دین است پس دین مؤجل برای سماع دعوی کافی نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مواردی که سارق مورد عفو مسروق منه قرار مگیرد، آیا حاکم شرع بنا به مصالحی میتواند حد را اجراء نماید یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه مسروق منه سارق را قبل از مراجعه به حاکم عفو کند، حد ساقط میشود، و اگر بعد از مراجعه باشد حد ساقط نمیشود.

و در مورد سقوط حاکم به هیچ عنوان حق اجراء حد ندارد.

بلی تعزیر چنانچه سببش محقق باشد که در صورت ثبوت سرقت موجود است مانعی ندارد. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد سرقت مستوجب حد بفرمایید:  
آیا پس از شکایت مسروق منه و قبل از ثبوت جرم، امکان عفو سارق توسط  
مسروق منه نسبت به اجرای حد وجود دارد یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

پس از مراجعه به حاکم شرع عفو مسروق منه نسبت به اجرای حد تأثیر ندارد حاکم  
باید اجرای حد بنماید.

(تاریخ جواب استفتاء: ۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چنانچه تعزیر علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد؛ (مانند: حبس، جزای نقدی، تراشیدن سر، چرخاندن در شهر، لغو جواز کسب، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و...) بفرمایید: الف) آیا تعبیر التعزیر دون الحد فقط در خصوص تازیانه رعایت میشود یا شامل دیگر موارد مذکور نیز میشود؟

ب) در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک دون الحد چه میباشد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

تشکیل حکومت اسلامی از ضروریات است، و شارع مقدس امضا نموده است آن را و اسلام اهتمام به حفظ نظام مادی و معنوی نموده، و این مهم بدون در نظر گرفتن عقوبات دیگر مانند حبس و غیره قابل تحقق نیست. بنابراین تمام این عقوبات مشروعیت دارد در صورتی که رعایت قانون بشود، و افراد نا اهل متصدی نباشند.

(که با کمال تأسف در این زمان زیادی از نا اهل ها متصدی میباشند و وجهه حکومت اسلامی را مشوه جلوه داده اند، و اگر معاندین و جهان گذاشته بودند همان گونه

که در اول حکومت اسلامی تشکیل شد ادامه پیدا میکرد تحقیقا دنیا را تحت تأثیر قرار

مداد - و بدون شك مقدمه ظهور حضرت بقیة الله ارواح من سواه فداه مشد) وسیعلم

الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

(تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

همان طور که استحضار دارید در باره دیه انگشتان دو قول وجود دارد:  
الف - تساوی انگشتان از نظر دیه:

بر اساس این قول که میان قدماء و متأخرین شهرت یافته و روایات چندی بر آن دلالت دارند، به هر يك از انگشتان، عشر دیه کامل تعلق میگیرد.

ب - تفاوت انگشت ابهام از نظر دیه با سایر انگشتان:

اصحاب این قول گر چه به سه دسته تقسیم میشوند و هر کدام در تعیین دیه ابهام و سایر انگشتان نظری را برگزیده اند؛ ولی همگی بر متفاوت بودن دیه ابهام با غیر آن اتفاق نظر دارند.

صاحبان این قول را برخی از قدماء مثل ابی الصلاح حلبی در کافی وابن زهره در غنیه و صاحب اصباح الشیعة تشکیل میدهند. معتبره ظریف با یکی از نظرات سه گانه فوق هماهنگ میباشد و شیخ در مبسوط از آن به روایت اکثر اصحاب یاد میکند و در خلاف بر مفاد آن ادعای اجماع منماید. مرحوم خوئی همین روایت را بر میگزیند و وجه ترجیح آن بر سایر روایات را مخالفت آن با عامه معرفی میکند. با عنایت به این که در عصر حاضر که مشاغل متحول و دگرگون شده است، اشخاصی که دچار آسیب دیدگی در ناحیه انگشتان شده اند و دارای مشاغلی چون جراحی و خطاطی، و... هستند، اظهار مدارند صدمه وارده، به شغل آن ها آسیب جدی رسانده است؛ بفرمایید:

الف - آیا میتوان گفت تفاوت مطرح در معتبره ظریف میان ابهام و سایر انگشتان، به خاطر تفاوت در میزان کارائی آنهاست؟

ب - بر این اساس، آیا میتوان از انگشت ابهام الغاء خصوصیت کرد و این تفاوت را در مورد سایر انگشتان نیز تعمیم داد؟ یعنی نسبت به خسارت وارده بر انگشتان با توجه به اهمیت شغل و ارزش هر انگشت عمل کنیم و به تعیین دیه و خسارات وارده پردازیم؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اقوال در مسأله چهار است:

۱ - ماهو المشهور بین الاصحاب، که به هر يك از انگشتان عشر ديه كامل تعلق مگيرد.

مدرك چند روايت صحيحه.

۲ - آن چه شيخ در خلاف، وابن حمزه در وسيله، و استاد اعظم در مبانی تکمله منهاج اختيار نموده اند که در قطع ابهام ثلث ديه يد يا پا در بقيه هر کدام سدس ديه يد يا پا.

۳ - ما عن الحلبي و آن آن که در خصوص ابهام دست ثلث ديه دست در بقيه انگشتان دست سدس ديه - و اما انگشتان پا در هر کدام حتی ابهام عشر ديه.

۴ - ابن زهره در غنيه و صاحب اصباح فتوى داده اند و آن آن که ديه ابهام يد ثلث ديه يد - و در ابهام پا ثلث ديه آن - و در بقيه عشر ديه بلا فرق بين الرجل واليد. و اما روايات دو دسته است:

دسته اول دلالت مکنند بر تساوی انگشتان در ديه و فرقی بين پا و دست نیست.

ادامه جواب:

دسته دوم که خیر معتبران دسته، معتبره ظریف است و آن در دیه دست است فقط دلالت میکند بر این که در انگشتان دست بین ابهام و بقیه تفاوت است در ابهام ثلث دیه ید در بقیه سدس دیه.

قائلین قول دوم به آن روایت استناد نموده و مختص به ید بدانند کما هو ظاهرها.

وقائلین به قول سوم به همان روایت با الغاء خصوصیت دست و تعدی به پا نموده اند.

و اما قول چهارم من مدرکی بر آن پیدا نکردم - و از طرفی آن قول بر بعضی احتمالات نقص در دیه و بر بعض دیگر زیادی لازم میآید.

و چون وجهی بر الغاء خصوصیت نمبینم. پس امر دائر است بین دو قول، اول، و دوم.

و چون نسبت دو دسته روایات عموم خصوص مطلق است، زیرا دسته اول دال است بر تساوی انگشتان، و دسته دوم در خصوص ابهام مزیتی را بیان میکند، حمل عام بر خاص میشود - در نتیجه قول دوم اقوی است.

مگر آن که دسته دوم با اعراض اصحاب از اعتبار ساقط شود در این صورت اقوی قول اول است.

بنابر این موردی به دو سؤال بعد نماند.

و چون بر الغاء خصوصیات وجهی نیست، بنابر این حکم روشن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ جمادی الثانیة ۱۴۱۹)



سؤال:

در صورتی که شخص محکوم به قصاص، عضو مماثل نداشته باشد؛ بفرمایید:

۱ - با توجه به این که عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص میشود، آیا مثلاً چشم کسی که به حسب ظاهر سالم است ولی بینایی ندارد عضو ناسالم محسوب میشود یا چنین فردی فاقد عضو به حساب میآید؟

۲ - اگر جانی، فاقد بینایی چشم راست باشد و چشم راست کسی را کور کرده باشد، آیا چشم چپ او به عنوان قصاص کور میشود یا خیر؟

۳ - اگر سلب بینایی با کندن حدقه باشد و خود جانی حدقه چشمش سالم است ولی بینایی ندارد، هنگام قصاص تکلیف چیست؟ (آیا حدقه در مقابل حدقه قصاص میشود و نسبت به سلب بینایی دیه اخذ میگردد یا حکم دیگری دارد؟)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

۱ - چشم کسی که بینایی ندارد عضو ناسالم است، ولی چنانچه صاحب آن چشم بینایی دار را کور کند - مجنی علیه میتواند چشم دیگر او که بینایی دارد کور کند، و اگر چشم دیگر او هم بینایی ندارد مجنی علیه مخیر است، بین اخذ دیه کامله چشم، و بین قصاص در حدقه، و اخذ دو ثلث یا سه ربع دیه چشم برای سلب بینایی در صورتی که

سلب بینایی با کندن حدقه باشد. والله العالم  
(تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مورد توبه بفرمایید:

- ۱ - در مواردی که توبه مسقط حد است آیا اظهار لفظ دال بر توبه از طرف مجرم برای سقوط حد کافی است یا باید عملی دال بر ثبوت توبه از او سر زده باشد؟
- ۲ - در مواردی که توبه قبل از اقامه بینه مسقط حد است آیا ثبوت توبه قبل از بینه کافی است یا اظهار توبه عند الحاکم نیز باید قبل از بینه باشد؟
- ۳ - آیا در توبه مسقط حد، احراز توبه لازم است یا در صورت شبهه توبه نیز حاکم شرع میتواند با تمسک به قاعده، الحدود تدرء بالشبهات، حد را اجراء نکند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

- ۱ - ظاهر بعضی از روایات این است که مجرد توبه موجب سقوط حد نیست. بلکه باید ظاهر حالش کاشف از توبه باشد.
  - ۲ - ولی لازم نیست توبه عند الحاکم باشد.
  - ۳ - مقتضی مفهوم خبر جمیل این است که تا احراز توبه نشود حد ساقط نمیشود و آن خبر اخص از قاعدة الحدود تدرء بالشبهات است. بنا بر این در صورت شبهه اجراء حد میشود والله العالم.
- (تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چنانچه شخص مقتول از پیروان فرقه ضاله بهائیت باشد؛ بفرمایید:

۱ - آیا دیه دارد یا خیر؟

۲ - در صورت مثبت بودن پاسخ، دیه او چقدر است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

۱ - کافر غیر ذمی که، فرقه ضاله بهائیت از مصادیق او میباشد.

نه قصاص در قتل او است نه دیه.

(تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مردی دو زن را کشته باشد و اولیاء آنان خواهان قصاص باشند؛ بفرمایید:  
الف) آیا اولیاء خواهان قصاص باید چیزی به عنوان فاضل دیه پردازند یا خیر؟  
ب) در صورت لزوم پرداخت، آیا باید هر يك از اولیاء خواهان قصاص، مستقلا و جداگانه نصف دیه يك مرد را بدهند یا این که نصف دیه يك مرد، به نسبت اولیاء خواهان قصاص تقسیم میشود؟ (مثلا اگر مردی دو زن را کشته است و اولیاء هر دو خواهان قصاص هستند، آیا باید هر يك از اولیاء نصف دیه يك مرد را بدهند یا ۴۱ دیه يك مرد؟)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

آنچه عاجلا به ذهن مرسد بعد از مراجعه به روایات و کتب فقهیه.

ولو این مسأله بخصوص را در آن ها نیافتیم.

این است که چیزی بر اولیاء نیست اگر مشترکا متصدی قتل شوند.

ولی اگر ولی یکی از آن دو نفر متصدی قتل شود، او باید نصف دیه را باولیاء قاتل بدهد.

و آن دومی نمیتواند از اولیاء جانی نصف دیه را بگیرد، بلکه همان گونه که فقهاء در نظائر مسأله فرموده اند، از بیت المال باید دیه آن زن پرداخت شود، لئلا یذهب

دم

المسلم هدرا.

و در مواردی مشابه نیز چند روایت به این مضمون وارد شده است والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چنانچه مقتول، ورثه صغیر داشته باشد؛ بفرمایید:

الف - آیا همواره اخذ دیه از سوی اولیاء صغار، اصلح به حال صغار است یا این که حسب مورد میتوان جانی را عفو و یا از وی مطالبه قصاص نمود؟  
ب - آیا محدوده اختیارات ولی با قیم در این خصوص تفاوتی دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

جواز مطالبه قصاص و یا عفو بر ولی ثابت نیست.

بلکه اظهر این است که ولی و قیم چنین حقی ندارند.

بلی چنانچه مصلحت اقتضاء کند ولی و قیم میتوانند دیه بگیرند یا آن که با قاتل مصالحه کنند به گرفتن مبلغی و قاتل رها شود.

و در صورتی که مصلحت تشخیص داده نشود فقهاء فرموده اند قاتل را میتوان حبس نمود تا موقع بلوغ والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۳ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

با عنایت به این که اگر شخصی دست راست دیگری را قطع نماید، به هنگام قصاص چنانچه جانی فاقد دست راست باشد دست چپ او و در صورت فقدان دست

چپ، پای او قطع میگردد؛ بفرمایید:

آیا این حکم در مورد پا و دیگر اعضای زوج بدن نیز قابل اجراء میباشد؟ (مثلاً اگر جانی پای راست ندارد و پای راست دیگری را قطع کرده باشد، آیا این جا نیز ابتداء پای چپ وی و در صورت فقدان آن، دست او قطع میگردد؟)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی این حکم در پا، و دیگر اعضاء زوج بدن جاری است، چون خبری که متضمن بیان این حکم است در دست، علتی را بیان میکند که مقتضای عموم آن علت ثبوت آن حکم در پا و دیگر اعضاء است. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۴ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در صورتی که مجنی علیه از زنده ماندن خود مأیوس شده باشد؛ بفرمایید:  
آیا میتوان در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه یا مصالحه یا عفو جانی وصیت  
نمایند؟ آیا چنین وصیتی نافذ خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه وصیت به نتیجه کند و بگوید جانی دیه بدهد یا عفو شود، این وصیت غیر  
مشروع است و نافذ نیست.  
و اگر وصیت به فعل بکند، و بگوید ورثه با جانی مصالحه کنند، و یا او را عفو کنند  
یا

مصالحه کنند آن وصیت نافذ است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۳ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره تغلیظ دیه در اشهر حرم یا مکه معظمه; بفرمایید:

الف) آیا تغلیظ دیه مختص قتل عمد است یا شامل قتل شبه عمد و خطای محض نیز میشود؟

ب) آیا حکم مذکور مختص مسلمین است یا شامل اهل کتاب نیز میگردد؟

ج) آیا جهل قاتل به حکم یا موضوع، در تغلیظ دیه تأثیری دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) تغلیظ دیه مختص به قتل عمد نیست، و بعضی روایات در قتل خطاء وارد شده است، و بعضی اطلاق دارد.

ب) و به مقتضی اطلاق روایات، تغلیظ مختص به مسلمین نیست.

ج) کما این که فرقی بین جاهل و عالم نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۳ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

در مورد جراحی متلاحمه ای که به فلج عضو مانجامد و با درمان میتوان از فلج شدن پیشگیری کرد، بفرمایید:

الف) آیا بر شخص مجروح واجب است خود را درمان نماید؟  
ب) در صورت درمان، آیا میتوان هزینه های افزون بر مقدار دیه را از جانی گرفت؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در کلمات فقهاء ندیدم تصریح به وجوب درمان. ولی بعید نیست در مورد علم به این که مداوا موجب پیشگیری از فلج - و عدم آن موجب فلج میشود درمان لازم باشد.

نظیر اضرار بنفس که ما به قول مطلق حرام نمیدانیم - مگر در مورد ضرر موجب هلاکت - یا فلج عضوی از اعضاء رئیسه که معلوم است مبعوضیه شرعیه آن. و در مورد سؤال هم میتوان چنین گفت که درمان لازم باشد.

ب) اما هزینه درمان بعضی روایات ظهور دارد در وجوب آن بر جانی زایدا بر دیه. ولی فقهاء ادعاء اجماع بر عدم وجوب نموده اند. به واسطه اجماع روایت حمل میشود بر استحباب. (تاریخ جواب استفتاء: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۱۹)

سؤال:

با توجه به این که دیه زن در جایی که بیش از ثلث کل دیه باشد، به نصف تقلیل میابد؛ بفرمایید:

اگر مقدار ارش، بیش از ثلث کل دیه باشد، آیا به نصف تقلیل میابد؟  
(مثلا در جایی که کل دیه ۵ میلیون تومان است، ارش ۲ میلیون تومان بر آورد شده است).

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی تقلیل به نصف میابد - زیرا دیه اعم است از مقدر - و غیر مقدر که از آن تعبیر بارش میشود.

کما این که فقهاء به این معنی در فروع مختلفه تصریح نموده اند - بعلاوه در بعضی روایات دارد.

(جراحات النساء علی النصف من جراحات الرجال فی کل شیء)

(تاریخ جواب استفتاء: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

در باره ماهیت دیه بفرمایید:

الف - آیا جعل دیه از طرف شارع مقدس به عنوان مجازات بوده یا نوعی خسارت تلقی شده است؟

ب - آیا عمد، شبه عمد یا خطای محض بودن جنایت در پاسخ به سؤال فوق تأثیری دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اثر مترتب بر این سؤال را نفهمیدم به هر حال فرقی در احکام آن نیست. ولی ظاهراً مجازات نیست، چون در قتل خطاء کاری که موجب عقوبت و مجازات باشد سر نزده است والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۳ شعبان ۱۴۱۹)

سؤال:

در مواردی که شارع مقدس شیوه یا ابزار خاصی را در اجرای مجازات در نظر گرفته است - مانند رجم یا کشتن با شمشیر - بفرمایید:  
الف - آیا شیوه یا ابزار یاد شده موضوعیت دارد؟ (به عبارت دیگر در این گونه موارد آیا هدف شارع مقدس فقط ازهاق روح است ولو با استفاده از ابزار نوین؛ یا ازهاق روح به شیوه یا ابزار منصوص ضرورت دارد؟)  
ب - در صورت موضوعیت داشتن، چنانچه اجرای رجم یا مجازات هایی نظیر مجازات لواط با شیوه های منصوص در شرائطی خاص به مصلحت اسلام و نظام مقدس اسلامی نباشد - مثلا وهن اسلام و مسلمین باشد یا چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی را نشان دهد - آیا میتوان ضمن اجرای اصل حکم - قتل - شیوه اجرای آن را تغییر داد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) ظاهر ادله این است که جمیع قیودی که شارع مقدس در موضوع حکم اخذ نماید موضوعیت دارد و حمل بر طریقت خلاف اصل است.

ب) ولی چنانچه آن حکم مزاحم با اهم شود، مانند وهن اسلام و مسلمین، قهرا مانند جمیع موارد تراحم، اهم مقدم است و آن حکم مهم ساقط میشود. و لذا به نظر من در این زمان چنانچه با نظر مراجع تقلید، با استفاده از ولایت فقیه که

مراد مجتهد جامع الشرائط است، اعم از رهبر و غیره آن شیوه ای که موجب وهن میشود

تغییر داده شود والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۴ شعبان ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره محکوم به قصاصی که به درخواست اولیاء دم حلق آویز شده و هنوز جان نسپرده است، بفرمایید:

الف - اگر در این مرحله برخی از اولیاء دم قاتل را عفو کنند، آیا باید اجرای حکم را متوقف کرد یا متوقف کردن آن نیازمند به رضایت همه آنهاست؟  
ب - اگر در این مرحله، عفو به صورت مشروط و معلق - نه منجز - انجام گیرد، حکم چیست؟

ج - در صورت توقف اجرای حکم و بهبود قاتل؛ اگر اولیاء خواهان قصاص سهم الدیه عفو کنندگان را پردازند؛ آیا میتوان مجدداً وی را اعدام نمود؟

د - اگر این وضع چندین مرتبه تکرار شود، تکلیف چیست؟  
ه - ضمناً خسارت ها و آسیب هایی که در اثر اجرای اول حکم در مرحله قبل بر جانی وارد شده، با کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) چون در صورت تعدد هر کدام از آنها میتوانند قصاص کنند با ضمان حصه دیگران از دیه، در صورت عدم رضایت آنان به قصاص.  
در مورد سؤال باید به بقیه اولیاء ابلاغ شود عفو بعضی را - چنانچه حصه عفو کننده

ادامه جواب:  
را از ديه قبول کنند، متوان حکم را اجراء نمود و قصاص را انجام داد - و الا اجراء  
حکم  
متوقف میشود.  
ب) در این حکم فرقی بين عفو معلق و منجز نیست.  
ج) و در فرض توقف اجراء حکم، اگر اولياء خواهان قصاص سهم الديه عفو  
کنندگان را  
پیردازند متوان مجددا او را اعدام کرد.  
د) ولو چند مرتبه تکرار شود.  
ه) و خسارت ها و آسیب هائی که در اثر اجراء اول حکم در مرحله قبل بر جانی  
وارد  
شده چون بر حسب انجام وظیفه بوده است بر هیچ کس ضمان ندارد.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۵ جمادی الثانیة ۱۴۱۹)

سؤال:

آیا مجازات معاونت در قتل عمد، همچون قتل عمد، حق الناس است و قابل گذشت از سوی اولیاء دم؛ یا حق الله است و عفو آن منحصر در اختیار ولی امر میباشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

دلیل به خصوصی که دلالت کند بر این که مجازات معاونت در قتل قابل گذشت است من ندیدم،

و مقتضای اصل اولی آن است که قابل گذشت نیست

و رهبر هم در این مقام خصوصیتی ندارد،

ولی میتوان استدلال نمود بر این که قابل عفو است به اولویت و تنقیح مناط، به این طریق که مجازات چنین شخصی به واسطه کمک به قتل است، و اگر اصل قابل گذشت باشد (که هست) به طریق اولی فرع هم قابل گذشت است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۵ جمادی الثانیة ۱۴۱۹)

سؤال:

با توجه به این که طبق فتوای مشهور فقهاء دیه اهل کتاب - کافر ذمی - هشتصد درم است؛ آیا اقلیت زرتشتی نیز مشمول این حکم خواهند بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

روایات کثیره صریح است در این که مجوس در دیه مانند یهود و نصاری میباشند، فقط يك روایت دلالت دارد بر این که دیه آن ها کمتر است از دیه اهل کتاب، و آن روایت را کسی عمل نکرده است.

به هر حال اقلیت زرتشتی که همان مجوسند مشمول حکم مذکور میباشند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۳۰ جمادی الثانية ۱۴۱۹)



سؤال:

چنانچه دلیل اثبات جرم، منحصر به نظریه کارشناس - مانند کارشناس انگشت نگاری یا پزشکی قانونی - باشد، بفرمایید:

الف) آیا از نظر شرعی چنین دلیلی حجیت دارد؟

ب) در صورت حجیت، آیا دلیل مستقلی محسوب میشود یا حجیت آن منوط به داشتن شرایط بینه است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) چنانچه دلیل مذکور موجب علم شود حجیت دارد، و الا در غیر باب قصاص و دیات از باب رجوع به اهل خبره بناء عقلاء بر حجیت آن است.

و در خصوص باب قصاص، و حدود، و دیات شارع مقدس چون منحصر کرده است آن ها را به بینه و اقرار پس قهرا ردع از آن نموده است.

پس در غیر آن ابواب حجیت دارد. و در آن ابواب ندارد.

ب) در موارد حجیت شرائط بینه معتبر نیست، زیرا حجیت بینه در خبر حسی است نه

خبر حدسی و حجیت قول اهل خبره در خبر حدسی است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۳۰ جمادی الثانیة ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره لزوم تأخیر اجرای حد یا قصاص زن شیرده، بفرمایید:  
الف) آیا این حکم، مادر رضاعی را نیز شامل میشود؟  
ب) در فرض شمول، بین امکان و عدم امکان جایگزینی دایه ای دیگر - یا شیر خشک یا شیر حیوان - تفاوتی وجود دارد؟  
ج) در صورت امکان جایگزینی، یافتن دایه وظیفه حاکم شرع است یا ولی طفل؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) روایات داله بر تأخیر اجراء حد زن شیرده مختص است به مادر نسبی، دایه را نمگیرد.

ولی به واسطه عموم علت در روایات قصاص و رجم، متوان استدلال بر تأخیر در دایه نمود، همان گونه که فقهاء در اجرای حد غیر رجم در صورت خوف تلف تمسک به

عموم علت نموده اند بر تأخیر، تا یافتن دایه، و یا جایگزین دیگر.

ب) چون روایات مقید شده است به آن که جایگزین نباشد.

قهر در مورد سؤال نیز همین قید را منماییم.

ج) یافتن دایه یا جایگزین دیگر وظیفه ولی طفل است نه حاکم شرع.

(تاریخ جواب استفتاء: ۵ جمادلی الثانية ۱۴۱۹)

سؤال:

در صورت علم اجمالی به وجود قاتل در بین افراد محدود و معین، بفرمایید:  
الف) آیا قاضی میتواند برای تعیین قاتل و اجرای قصاص از قرعه استفاده  
نماید؟

ب) در صورت منفی بودن پاسخ و لزوم پرداخت دیه، چه کسی باید دیه را  
بپردازد و نحوه پرداخت آن چگونه خواهد بود؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) چنانچه مدعی بینه اقامه نماید بر قتل یکی از آن ها، عمل به آن میشود، و الا  
از آن ها مطالبه بینه میکنند بر عدم کونه قاتلا.

اگر همه اقامه بینه نمودند دعوی ساقط میشود، و الا بر مدعی قسامه ثابت میشود.  
و اگر رد کرد قسامه را بر هر کدام از آن ها قسامه ثابت میشود.

و اگر نکول کردند دیه ثابت میشود و توزیع منمایند بر افراد.

و نیز اگر مدعی قسامه آورد که یکی از آن ها قاتل است قصاص ساقط است

ولی دیه ثابت میشود به مقتضای روایات داله بر ثبوت دیه بر متهمین به قتل

ب) و آن دیه توزیع میشود بر همه اطراف، به مقتضای قاعده عدل و انصاف  
به هر تقدیر قرعه مورد ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۳۰ جمادی الثانیة ۱۴۱۹)

سؤال:

با عنایت به این که در صورت ثبوت جرم مستوجب رجم با اقرار، اگر هنگام اجرای مجازات رجم، مجرم از حفره فرار کند، نباید برگردانده شود؛ بفرمایید: الف - آیا در این حکم بین موردی که پس از آغاز رجم هنوز سنگی به وی اصابت نکرده با موردی که سنگ به وی اصابت کرده تفاوتی وجود دارد؟ ب - اگر مجرم پس از قرار داده شدن در حفره و قبل از پرتاب سنگ فرار کند؛ آیا مشمول حکم فوق خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

سه دسته روایات است در مقام ما در فقه الصادق نوشته ایم.

مقتضای جمع بین روایات این است که:

اگر جرم با بینه ثابت شود باید برگردانده شود مطلقاً.

و اگر با اقرار ثابت شود چنانچه قبل از پرتاب سنگ یا پس از آن و قبل از اصابت سنگ فرار کند باید برگردانده شود.

و چنانچه پس از اصابت ولو يك سنگ باشد برگردانده نمیشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۳ ذیقعدہ ۱۴۱۹)

سؤال:

با توجه به جریان قاعده قرعه در شبهات موضوعیه؛ بفرمایید:  
الف) آیا این قاعده به امور حقوقی اختصاص دارد یا شبهات موضوعیه در امور  
جزائی را نیز در بر میگیرد؟ (به عنوان مثال در موردی که علم اجمالی به وجود قاتل  
بین دو یا چند نفر باشد، آیا میتوان با تمسك به قرعه حسب مورد، حکم قصاص یا  
دیه را اجراء نمود؟)

ب) در فرض جریان این قاعده در امور جزائی، آیا در تمام ابواب حدود،  
قصاص، دیات و تعزیرات جاری است یا به باب خاصی از جزائیات اختصاص دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

قاعده قرعه در ۲ مورد میتوان اعمال نمود.  
یکی مورد تزام حقوق که وظیفه خاصی در آن مورد تعیین نشده باشد، و احتیاط  
هم ممکن نباشد.

دومی مورد تعارض بینتین بعد فرض عدم مرجحات منصوصه.  
اما مورد علم اجمالی به وجود قاتل بین دو نفر.

ادامه جواب:

چنانچه هر دو منکر قتل باشند و بینه هم بر قاتل بودن هیچ کدام نباشد، لوث هم نباشد که مورد قسامه شود، قصاص ساقط است، و دیه به نظر من بالمناصفة بین آن ها تقسیم میشود. و اگر بر قاتل بودن هر کدام بینه قائم شده باشد. در صورتی که یکی از دو بینه ارجح باشد از حیث عدالت یا زیادی شهود آن مقدم است.

و اگر مساوی باشند قاعده قرعه محکم است و با قرعه قاتل تعیین میشود. و اگر بر قاتل بودن یکی از آن ها بینه قائم شود، و دیگری اقرار به قتل بنماید، ولی دم میتواند مشهود علیه را بکشد، و مقر نصف دیه را به ورثه او بدهد، و می تواند مقر را بکشد.

و اگر هر کدام اقرار کند که او قاتل است، ولی مخیر است در تصدیق هر کدام که بخواهد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۴ شعبان ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره قاعده درء بفرمایید:

- الف) آیا این قاعده به باب حدود اختصاص دارد یا شامل ابواب قصاص، دیات و تعزیرات نیز میشود؟
- ب) معیار در عدم اجرای حد چیست؟ (شك در حلیت، توهم جواز عمل، صرف ظن به اباحه - ولو غیر معتبر - یا عدم علم به حرمت؟)
- ج) محل عروض شبهه در قاعده درء کیست؟ قاضی، مرتکب عمل یا هر دو؟
- د) آیا شبهات موضوعیه، حکمیه، شبهه عمد و غیر عمد، اکراه، اجبار، نسیان و ... مشمول این قاعده میشود؟
- ه) در فرض شمول شبهات حکمیه، آیا بین جاهل قاصر و مقصر تفاوتی وجود دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) قاعده درء شامل باب قصاص نیز میشود، ولی شامل باب دیه و تعزیر نمیشود.

ب) و میزان در شبهه عدم علم به حرمت است.

ج) و محل عروض مرتکب عمل است.

د) و فرقی نیست بین شبهه موضوعیه و شبهه حکمیه.

ه) و در شبهه حکمیه بین قاصر و مقصر تفاوتی وجود ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۴ شعبان ۱۴۱۹)

سؤال:

در صورتی که پس از اجرای مجازات رجم، به زعم این که مجرم به قتل رسیده، جسد وی به سردخانه منتقل شود ولی بر حسب اتفاق علائم حیاتی در او مشاهده شود و پس از معالجه سلامت خود را باز یابد؛ بفرمایید:

الف) آیا صرف صدق عنوان رجم ولو به قتل محکوم نیانجامد کفایت میکند (تا در نتیجه نیازی به اجرای مجدد حکم نباشد) یا چون قتل از طریق رجم موضوعیت دارد، باید مجدداً حکم رجم را در مورد وی به مرحله اجراء گذاشت؟  
ب) در فرض دوم، آیا مجرم میتواند دیه جراحات وارده در اثر اجرای حکم در مرتبه اول را مطالبه نماید؟

ج) در صورت مثبت بودن پاسخ، پرداخت دیه به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در زنا اهل کتاب به مسلمه - و در زنا به محارم - و در لواط تصریح به قتل شده است.

و در زنا محصن و محصنه تصریح به قتل نشده است، ولی متفاهم عرفی از رجم



ادامه جواب:  
همان رجم است تا حد موت،  
بعلاوه روایتی در غسل میت است صریح در این که مرجوم و مرجومه تا حد موت  
باید  
رجم بشوند.  
به هر حال صدق رجم کافی نیست و لذا با بینه اگر جرم ثابت شود پس از صدق  
رجم  
اگر فرار کند مجرم، دستور داده شده است که برگردانده شود برای رجم.  
بنابر این در مورد سؤال باید مجدداً حکم رجم در مورد وی به مرحله اجراء گذاشته  
شود.  
ب) دیه هم لازم نیست چون کسی عملی انجام نداده که موجب ضمان بشود.  
در خصوص مورد قصاص که ولی دم متصدی باشد روایتی هست که اگر گمان به  
مردن کرد و او را رها نمود و کان به رمق - پس از معالجه سلامت خود را باز  
یافت.  
دلالت دارد بر این که ولی نمیتواند بکشد او را مگر آن که قصاص آن عمل قبل  
بشود.  
ولی آن به مسأله ما مربوط نیست. قیاس هم صحیح نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۳ ذیقعدہ ۱۴۱۹)

سؤال:

پسر بچه پانزده ساله ای که شب هنگام پس از بیدار شدن از خواب فرد اجنبی را به صورت برهنه با مادرش در اتاق خواب مسیند، با این اعتقاد که فرد خائن و متجاوز به ناموس باید کشته شود، فرد مزبور را که مبادرت به فرار نموده به قتل مرساند.

لازم به ذکر است زن مدعی است که اولاً: با تهدید فرد مقتول مبنی بر آبروریزی او در صورت تن ندادن به رابطه، مجبور به باز کردن درب منزل به روی او شده است.

ثانیاً: رابطه نامشروع در حد کمتر از زنا بوده است.

با توجه به فرض فوق بفرمایید:

الف) قتل ارتكابی توسط نامبرده با اعتقاد به لزوم کشتن این گونه افراد، مشمول کدام يك از عناوین قتل عمد یا شبه عمد میشود؟

ب) با توجه به ادعای زن مبنی بر این که از روی تهدید مجبور به برقراری رابطه با اجنبی شده است، آیا عمل ارتكابی از سوی فرزند تازه بالغ وی میتواند مشمول

عنوان دفاع از ناموس و در نتیجه عدم شمول ادله قتل عمد در مورد وی باشد؟

ج) با توجه به این که اطلاعات فقهی نوجوان در احکام شرعی کم بوده، آیا جهل وی به مسأله میتواند رافع مسؤولیت باشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه مرد ببیند که اجنبی با زن او جماع میکند، میتواند او را بکشد و چیزی بر او نیست.

و نیز اگر کسی ببیند اجنبی اراده جماع یا مادون آن را با یکی از بستگان او را دارد، باید دفاع کند، چنانچه در ضمن دفاع او را بکشد یعنی دفاع متوقف بر قتل باشد قتل او

جائز و دم او هدر است، در غیر این دو مورد قتل جائز نیست.

الف) چون عمل این نوجوان مشمول یکی از این دو مورد نیست.

پس کشتن او جائز نبوده است.

ب) و چون این نوجوان اعتقاد به جواز قتل داشته است (که البته باید اعتقاد خود را اثبات کند و الا در ظاهر قتل عمد است) قتل او موجب قصاص نمیشود، بلکه حکم قتل

شبه عمد دارد و باید دیه پردازد.

ج) وجهل او به مسأله رافع قصاص است نه دیه.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۳ ذیقعدہ ۱۴۱۹)

سؤال:

در باره قصاص نفس یا طرف، بفرمایید:

الف) آیا ولی امر میتواند بر خلاف درخواست ولی دم یا مجنی علیه بنا به مصالحی قصاص را به دیه تبدیل نماید؟

ب) چنانچه پاسخ مثبت بشود، با توجه به این که طبق فتوای مشهور، قصاص تنها در صورت رضایت جانی به دیه تبدیل میشود، آیا میتوان علیرغم درخواست جانی قصاص را به دیه تبدیل نمود؟

ج) در صورت مثبت بودن پاسخ، مسؤول پرداخت دیه کیست؟ جانی یا بیت المال؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

هیچ مقامی نمیتواند قصاص را به دیه تبدیل کند، غیر از ولی دم. یا مجنی علیه - و جانی.

به عبارت دیگر با تراضی طرفین قصاص مبدل میشود به دیه، به ولی امر مربوط نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۳ ذیقعدہ ۱۴۱۹)

سؤال:

در موارد ذیل که جرح و قتل به طور عمد یا غیر عمد توسط يك نفر صورت میپذیرد، آیا حسب مورد قصاص طرف در قصاص نفس و دیه عضو در دیه نفس تداخل میکند؟

الف) جرح و قتل با ضربه واحد انجام شود.

ب) جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر انجام شود. (در این فرض ممکن است ضربات متعدد در زمان های متفرق یا متوالی انجام شود).

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) چنانچه دو جنایت جرح و قتل با ضربه واحد باشد، قصاص طرف در قصاص نفس، و دیه عضو در دیه نفس تداخل میکند.

ب) و چنانچه جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر انجام شود.

در صورتی که موت مستند به هر دو باشد تداخل میکنند.

و در صورتی که فاصله بین ضربات زمانا زیاد باشد تداخل نمکنند.

و اما در صورتی که ضربات متوالی انجام شود و موت مستند به هر دو نباشد - در دیه

تداخل مشود - ولی در قصاص تداخل نمی شود.

بلکه اول قصاص طرف مشود بعد قصاص نفس.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۴ ذیقعدہ ۱۴۱۹)

سؤال:

در خصوص استیفای قصاص عضو یا نفس بفرمایید:  
الف) آیا اجرای این حق، فوریت دارد یا میتوان بدون عذر آن را به تأخیر انداخت؟

ب) با عنایت به فرض فوق، اگر چند نفر با مشارکت مساوی مرتکب جنایت شوند، آیا ولی دم یا مجنی علیه میتواند در مورد بعضی فورا تصمیم به قصاص، عفو یا مصالحه بگیرد اما در مورد بعض دیگر اتخاذ تصمیم را به آینده موکول نماید؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) قطع نظر از این که فوریت خلاف اصل است، روایاتی دال است بر استحباب عفو و مدارا با جانی و اولیاء او. از مجموع آن ها به ضمیمه آن که قصاص حقی است که صاحب آن میتواند از آن بگذرد، استفاده میشود که بدون عذر هم میشود تأخیر انداخت.

ب) بنابر این ولی دم یا مجنی علیه میتواند در مورد بعضی تصمیم به قصاص یا عفو بگیرد، و در مورد بعضی دیگر اتخاذ تصمیم را به آینده موکول کند.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۵ محرم ۱۴۲۰)

سؤال:

اگر دندان طبیعی یا مصنوعی فردی، در اثر ایراد صدمه عمدی یا غیر عمدی شکسته شود، چنان چه شکسته شدن دندان در زیبایی چهره مصدوم یا لحن سخن گفتن وی تأثیر منفی داشته باشد، بفرمایید:

آیا مجنی علیه میتواند حسب مورد علاوه بر قصاص، دیه یا خسارت؛ برای از بین رفتن زیبایی چهره یا تأثیر منفی در لحن گفتار، ارش بگیرد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

از چنین امور در کتاب قصاص تعبیر به دیات المنافع شده است.

در جمله ای از موارد تعیین شده است مقدار دیه.

در بقیه منوط به نظر حاکم است با ملاحظه خصوصیات.

مسأله مورد سؤال از آن موارد است بنابر این ارش ثابت است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۵ محرم ۱۴۲۰)

سؤال:

در مواردی که محکوم باید اعدام شود، بفرمایید:

الف) آیا قاضی (حاکم شرع) میتواند صرف نظر از نوع جرم ارتكابی، در هر موردی بنا به صلاح دید خود برای عبرت گرفتن مردم و باز داشتن آنان از ارتكاب جرم، حکم کند که جنازه محکوم مدتی در ملا عام قرار داده شود؟  
ب) در صورت منفی بودن پاسخ، آیا نوع جرم ارتكابی میتواند مجوزی برای عمل فوق باشد؟

(به عنوان مثال مرتکب قتل فجیعی شده و یا چند نفر را به قتل رسانده است).  
ج) آیا طبق نظر قاضی (حاکم شرع) میتوان قبل از اجرای حکم اعدام، محکوم را مدتی در معرض دید عموم قرار داد؟  
د) آیا در موارد فوق، بین حد، قصاص و تعزیر (بنا بر جواز قتل از باب تعزیر) تفاوتی وجود دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) کسی که محکوم به اعدام شده است، جنازه او را در ملا عام قرار دادن هتک حرمت و اهانت نیست، بعلاوه موجب عبرت دیگران میشود و مصالح دیگری هم دارد.

و در باب حدود روایاتی است دال بر استحباب اعلام الناس به حضور محل اجراء حد.

از مجموع این ها استفاده میشود جواز این عمل.

ج) بنابر این محکوم را قبل از اعدام در معرض دید عموم قرار دادن مانعی ندارد.

د) و در این حکم بین حد و قصاص تفاوتی نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۵ محرم ۱۴۲۰)



سؤال:

در خصوص حد قتل در لواط بفرمایید:

الف) آیا احصان از شرایط لازم برای این مجازات میباشد؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا در این حکم بین فاعل و مفعول تفاوتی وجود دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در مفعول احصان شرط نیست قطعاً.

در فاعل تا حال مطمئن بودم بعدم اشتراط،

ولی فعلاً مختصر تردیدی پیدا شده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۵ محرم ۱۴۲۰)

سؤال:

در صورتی که شخصی مالی را به صورت نسیه یا اقساط بفروشد و قبل از تحویل به خریدار آن را مجدداً از او به مبلغ کمتری به صورت نقد خریداری نماید، بفرمایید:

الف) آیا معامله فوق ربوی است؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا محکوم به بطلان است؟

ج) هر گاه مورد معامله به صورت کلی یا کلی در معین باشد، آیا تعیین یا عدم

تعیین مصداق کالای فروخته شده تأثیری در صحت یا بطلان معامله دارد؟

د) قصد اولی فروشنده بر خرید مجدد مبیع به مبلغ کمتر، به صورت نقد چه

اثری در صحت یا بطلان معامله میتواند داشته باشد؟

ه) آیا فرقی بین تصریح و عدم تصریح قصد وجود دارد؟

و) در صورت مثبت بودن پاسخ، هر گاه خریدار بدون تصریح فروشنده از قرائن،

علم به قصد مذکور پیدا کند، چه اثری بر حکم معامله دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) معامله فوق ربوی نیست.

ب) چنانچه شرط نکند در بیع اول بیع بیایع را معامله صحیح است، چه مبیع مکیل و یا موزون باشد، چه نباشد.

بلی در صورتی که مکیل یا موزون باشد معامله مکروه است.

د) قصد مجرد تأثیری ندارد.

ه) چنانچه شرط کند بیع بیایع را قبل حلول اجل معامله باطل است.

و) چنانچه قرائن موجب علم به قصد از قبیل شرط ضمنی باشد، معامله باطل است،

و الا صحیح.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۵ محرم ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به عدم جواز قصاص مسلمان در برابر کافر، بفرمایید:  
الف) آیا اسلام آوردن قاتل پس از ارتکاب قتل، مانع از اجرای قصاص میشود؟  
ب) بر فرض مثبت بودن، پاسخ؛ آیا بین اسلام آوردن ظاهری (به انگیزه فرار از قصاص) با اسلام واقعی (قلبی) تفاوتی وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) ظاهر روایات داله بر این که مسلم لایقتل بالكافر، این است که میزان اسلام حال

قصاص است نه حال قتل.

و در فرض سؤال چون قاتل در حال قصاص مسلمان است قصاص نمیشود.

ب) و مقتضای اطلاق روایاتی که اشاره شد، مانند حدیث جب این است، که بین اسلام ظاهری - و قلبی - تفاوتی نیست.

ولی مقتضای عموم علتی که در روایتی که در مسأله ذمی که زنا به مسلمه نموده است موقع اجراء حد مسلمان شد، امام (ع) فرمود این اسلام فایده ندارد، و تعلیل به آن

فرمود.

این است که در مقام بگوئیم اسلام ظاهری برای فرار از قصاص فایده ندارد.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

در مواردی نظیر قتل خطای محض که بنا بر قول مشهور، دیه ظرف ۳ سال و هر سال ثلث آن باید پرداخت شود؛ با عنایت به این که بر اساس فتوای تعداد زیادی از فقهای عظام ملاك محاسبه قیمت یوم الاداء میباشد؛ بفرمایید: در محاسبه ثلث در صورت تعذر از اعیان شش گانه، چگونه باید عمل کرد؟ (آیا از ابتداء قیمت کل دیه بر اساس نرخ روز محاسبه میشود و جانی در هر سال ملزم به پرداخت ثلث همان قیمت است؛ یا این که در پرداخت هر ثلث، قیمت یوم الاداء همان ثلث ملاك است، یعنی در هر سال باید با توجه به قیمت سوقیه همان سال، ثلث دیه را محاسبه و پرداخت نماید؟)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون در باب ضمان و ما شابهه نفس عین در عهده مدیون است. بنابراین در هر سال ثلث اعیان شش گانه در عهده است. پس باید قیمت یوم الاداء محاسبه شود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به قاعده البينة على المدعى واليمين على من انكر و با عنایت به حدیث شریف لا یمین فی حد بفرمایید:

الف) در صورت فقدان بینه و اقرار در دعاوی کیفری آیا شاکی میتواند از متهم تقاضای قسم نماید؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، در صورت نكول متهم ورد قسم به شاکی آیا با قسم شاکی میتوان نامبرده را به مجازات مقرر محكوم نمود؟

ج) چنان چه متهم عمل ارتكابی را انكار نماید و بگوید اگر شاکی قسم یاد کند مسؤولیت آن را میپذیرم، آیا به استناد حلف شاکی میتوان متهم را به مجازات جرم ارتكابی محكوم نمود؟

د) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا در جرائمی مانند سرقت که دارای جنبه حق الهی و حق الناسی میباشد، از جهت اثبات جنبه مالی و کیفری تفاوتی وجود دارد؟

ه) در فرض فوق، آیا بین حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تفاوتی هست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در دعاوی کیفری قسم مورد ندارد چه قسم مدعی علیه - و چه قسم شاکی و مدعی.

ب) بنابر این همان گونه که شاکی نمیتواند از متهم تقاضای قسم کند - رد قسم هم به شاکی اثر ندارد.

ج) و گفتن متهم که در صورت قسم شاکی مسؤولیت را میپذیرم ملزم نیست.

د) بلی چنانچه مدعی به دو اثر داشته باشد - حق الله تعالی - و حق الناس - مثل سرقت که دو اثر دارد رد مال - که حق آدمی است و قطع ید که حق الله است.

که نسبت به اثر اول چنانچه متهم قسم بخورد با نبودن بینه ثابت نمیشود و اگر نکول نمود و شاکی قسم بخورد ثابت میشود.

ولی قسم نسبت به حق الله تعالی اثر ندارد، وتفکیک بین دو اثر مانعی ندارد.

ه) و در این حکم بین قصاص و حدود و دیات تفاوتی نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

در مورد قسامه بفرمایید:

آیا کسانی که در زمان وقوع قتل، عاقل نبوده یا غیر بالغ بوده اند (کودک یا  
مراهق) اما هنگام اجرای قسامه، عاقل و بالغ شده اند میتوانند جهت ادای سوگند  
در این مراسم شرکت کنند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

به مقتضای قاعده می تواند، و خبیری یا قولی که دلالت کند بر این که نمیتواند  
نیافتم بلکه از روایاتی که در شهادت به قتل است میتوان حکم مقام را استفاده کرد.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲ ربیع الثانی ۱۴۲۰)



سؤال:

هر گاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید ناشزه بوده و مستحق نفقه نخواهد بود، لیکن در صورتی که شوهر از انجام وظایف زوجیت سر باز زند به گونه ای که زوجه اش را معلقه قرار دهد بفرمایید:

الف) آیا میتوان حکم به نشوز زوج کرد؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ چه آثاری بر آن مترتب است؟

ج) آیا زوجه میتواند در این صورت از دادگاه تقاضای طلاق نموده و دادگاه نیز بر این اساس حکم به طلاق زوجه دهد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در فرض سؤال مرد ناشز است، و حکم نشوز مرد عبارت از الزام حاکم شرع است او را

به انجام وظائف، و در خصوص مورد امتناع از انفاق و عدم امکان انفاق حاکم از اموال او،

حاکم شرع میتواند طلاق دهد - بعد از مراجعه زن و درخواست طلاق.

و اما در مورد معلقه قرار دادن زوجه بعدم انجام وظیفه زناشوئی حتی بعد از چهار ماه، یا در مورد اشتها زن، و عدم تمکن از صبر در صورت مراجعه به حاکم و ثبوت نزد او -

حاکم او را میتواند تعزیر کند، و او را مجبور کند به طلاق اگر امتناع از انجام عمل زناشوئی نماید.

به عبارت دیگر او را مخیر میکند بین انجام وظیفه یا طلاق.

و این طلاق اجباری صحیح است.

و در صورت نبودن حاکم شرع عدول مؤمنین این عمل را انجام مدهند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۳ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

چنان چه از شخصی فیلم، عکس و مجلات مبتذل کشف و برای محکمه ثابت شود که نگهداری و استفاده از آن ها منحصرأ به منظور رفع ضعف قوه جنسی وی در

ارتباط با همسرش بوده و هیچ گونه اشاعه فحشاء و سوء استفاده دیگران را در بر نداشته است، بفرمایید:

آیا نگهداری و استفاده فوق الذکر، جرم موجب تعزیر است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

با خصوصیاتى که مرقوم شده است جرم نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۳ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

هر گاه در ازدواج موقت یکی از اسباب طلاق حاکم محقق گردد (مثلا زوج مفقود الاثر شده و یا زوجه مواجه با عسر و حرج گردد و شوهر نیز حاضر به بخشیدن

مدت نباشد) آیا زن میتواند از دادگاه تقاضای فسخ متعه را با بخشیدن مدت باقیمانده بنماید؟ (خصوصا در صیغه های درازا مدت - مانند ۹۹ ساله -)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

روایات مربوطه به واسطه تضمن لفظ طلاق مختص است به ازدواج دائم. ولی به ضمیمه تنقیح مناط و اولویت قطعیه همین حکم در متعه جاری است. (تاریخ جواب استفتاء: ۳ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

در صورتی که خرید منزل مسکونی مطابق شأن، از جوهری باشد که به انحاء مختلف - کلاه برداری، قرض و غیره - از مردم گرفته شده و یا این که آن جوهر به صورت ودیعه نزد او بوده؛ بفرمایید:

الف) آیا منزل مسکونی مطابق با شأن، مطلقاً از جمله مستثنیات دین محسوب میشود؟

ب) در صورتی که خرید خانه به قصد فرار از دین یا به قصد عدم رد جوهر متعلق به دیگران باشد؛ اصل معامله چه حکمی دارد؟

ج) در صورت صحت معامله مذکور، آیا میتوان آن را به نفع طلب کاران به فروش رساند؟

د) آیا بین صورتی که، شخص از ابتدا به قصد خرید واحد مسکونی اقدام به اخذ جوهر تحت عنوان مختلف نموده با صورتی که بعد از اخذ جوهر و به قصد فرار از دین اقدام کرده، تفاوتی وجود دارد؟

ه) هر گاه طلب مزبور مهریه زوجه باشد آیا مشار الیهها میتواند منزل مسکونی را جهت استیفای حق خود توقیف کند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) از جمله مستثنیات دین منزل مسکونی مورد احتیاج است، که بدون آن شخص در اعاشه به عسر و حرج و مشقت مبتلا مشود - نه خانه مطابق شأن و شرف.

ب) بنا بر این خرید خانه اگر برای رفع احتیاجات نباشد و برای فرار از دین و غیره باشد جائز نیست.

و اگر خرید بعد از حجر حاکم باشد - چنانچه به عین مال خود بخرد صحیح نیست.

و چنانچه بدمه بخرد یا قرض کند و خانه بخرد معامله صحیح است.

ولی قرض دهنده و فروشنده با بقیه طلب کارها شریک نمیشوند در اموال موجوده او.

ج) در فرض صحت معامله نمیتوان آن را به نفع طلب کاران به فروش رسانید.

د) و بین موارد تفاوتی وجود ندارد.

ه) منزل مسکونی مورد حاجت را زوجه نمیتواند جهت استیفاء مهریه خود توقیف کند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۳ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

به نظر حضرت عالی دختران در چه سنی به بلوغ میرسند؟ و آیا ۹ سال تمام موضوعیت دارد یا مثل مرحوم صاحب جواهر (درج ۲۶ ص ۴) آن را اماره برای بلوغ

طبیعی میدانید چنانچه از نظر مرحوم شیخ طوسی و قاضی ابن براح، محقق حلی، علامه حلی، و شهید اول نیز این مسأله استفاده میشود.

خلاصه این که آیا بلوغ يك مسأله تعبدی و فقهی است یا این که يك موضوع خارجی است و علائم و امارات بیان شده از طرف شارع مقدس از قبیل سن، احتلام و حیض و... موضوعیت ندارند.

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بر حسب روایات معمول بها بین الاصحاب، دختر با تمام شدن ۹ سال قمری بالغه میشود. و میزان در احکام بلوغ به حسب سن ۹ سال است.

حال خود سن موضوعیت دارد یا طریق به امر واقعی است اثر عملی ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به آیات و روایات باب آیا روایات ۹ سال در بلوغ موضوعیت دارد یا خیر؟  
ثانیا آیا ۹ سالگی را در بلوغ اماره تعبدی بدانید یا خیر؟  
ثالثا با توجه به تعارض روایات ۹ سالگی با روایت ۱۰ سالگی و ۱۳ سال خصوصا  
با موثقه عمار ساباطی (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۳۳ باب ۴ ج ۱۲) و با توجه به عدم  
تطابق آن ها با واقعیات خارجی (حیض نشدن دختر در ۹ سالگی) نظر مبارك را در  
صورت مصلحت صریحا در باب بلوغ دختران بیان فرمایید.

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

مستفاد از روایات موضوعیت نه سالگی است و تعبدی است.  
و روایات ۱۵ مختص به پسران است به واسطه تعبیر بصبی و صبیان - چون دختر را  
صبیه مگویند و جمعش صبایا است.  
و اما روایات ۱۳ سال آنچه ممکن است به آن استدلال نمود خصوصا موثقه عمار  
است و آن خبر اولا معارض با روایات کثیره دیگر است که آن ها اکثر واشهر است  
قهرا  
مقدم میشوند.

و ثانیا خود خبر معرض عنه اصحاب است و از حجیت ساقط.  
بعلاوه روایات عمار غالبا از حیث متن مخدوش است، به هر حال در مقابل روایات  
معتبره کثیره معمول بها به این جمله از خبر عمار نمیشود عمل نمود.  
و بلوغ ملازم با حیض نیست تا روایات ۹ سال که مطابق با آن نباشد، طرح شود.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

تعیین سن برای انجام فرایض دینی با احکام امضائی و معاملاتی با هم فرق دارد؟

آیا بین سن انجام فرائض دینی از قبیل نماز و روزه با احکام امضائی و معاملاتی فرقی قائل هستید یا هر دو را در ۹ سالگی بدانید؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی فرق دارد، چون در معاملات زائد بر بلوغ، رشد معتبر است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۲۰)



سؤال:

آیا بین بلوغ عقلی و بلوغ دینی و بلوغ جنسی فرقی قائلید یا نه؟ یا به تعبیر دیگر به نظر جناب عالی برای همه تکالیف سن واحدی (۹ سالگی در دختران) جعل و تشریح شده یا این که هر تکلیفی سنی را اقتضا میکند؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

غیر از سن، رشد معتبر است، عسر و حرج هم مانع بعضی تکالیف است، و هم چنین ضرر بنا بر این هر تکلیفی را باید تمام این قیود را ملاحظه نمود سپس حکم کرد.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به این که در قرآن و سنت فقط بر نشانه های بلوغ تأکید شده و تفسیری از آن ارائه نشده، حیض وقاعدگی و موی زهار از نشانه های خارجی بلوغ شمرده شده اند و فقهاء بزرگ (رض) بدان فتوا داده اند، و موی زهار در دختران نشانه بلوغ شمرده نشده و ادله اختصاص به پسران دارد و با توجه به این که روایات ۹ سالگی معارض با روایات ۱۵ و ۱۳ سالگی است نظر مبارك حضرت عالی در سن بلوغ دختران چیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

موی زهار در پسرها هم نشانه بلوغ نیست، بلکه موی خشن علامت است. و چون موی خشن در دخترها معمولاً خیلی دیرتر از ۹ سالگی میروید، و لذا ذکر نشده است.

ولی چنانچه در مورد خاصی تحقیق پیدا کرد اجماع علما است بر این که علامت بلوغ است.

و اما حیض چند روایت دال است بر این که علامت بلوغ است و اشکالی هم در آن ها هست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۲۰)

سؤال:

چنانچه در اثر ضربه مستوجب ديه چند نقطه از يك استخوان (مانند استخوان ساق پا) دچار شكستگی شود؛ بفرمایید:

الف) آیا هر شكستگی ديه جداگانه دارد یا پرداخت يك ديه برای همه آن ها کافی است؟

ب) در این فرض، آیا ایجاد چند شكستگی در اثر يك یا چند ضربه با هم تفاوت دارد؟

ج) اگر در اثر ضربه مستوجب ديه، علاوه بر شكستگی استخوان تکه ای از همان استخوان نیز جدا شود، آیا برای جدا شدن استخوان، ديه شكستگی استخوان باید پرداخته شود یا حکم دیگری دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) مقتضای ادله این است که هر شكستگی يك ديه دارد و تداخل خلاف اصل است.

ب) بلی در موردی که جنایت طولی باشد و یکی از آن ها مسبب از دیگری باشد و مترتب بر آن، یکی از آن ها اشد از دیگری باشد همان اشد میزان است. و فرقی بین آن که به يك ضربه باشد یا متعدد نمکند، روایاتی در نظائر مسأله هست.

ج) و چنانچه تکه ای از استخوان جدا شود در آن ارش ثابت است زاید بر ديه شكستگی. والله العالم

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۳ شعبان ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر وقوع قتلی محرز و قاتل نیز معین باشد، لکن اولیای دم مدعی عمدی بودن قتل باشند، ولی قاتل آن را خطایی یا شبه عمد بدانند، و دلیلی قاطع برای ادعای هیچ يك وجود نداشته باشد، بفرمایید:

الف) آیا مورد از باب لوث است یا تداعی؟

ب) اگر از باب تداعی باشد، چگونه باید فصل خصومت نمود و تکلیف دیه چیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) لفظ لوث در روایات نیست، و آن چه از روایات فهمیده میشود، آن است که امارات اصل قتل شخص باشد که موجب ظن به استناد قتل به او بشود، و حجیت نداشته است.

ولوث در خصوصیات که مورد قسامه باشد نداریم.

ب) فصل خصومت یا با بینه باید باشد یا با اقرار، نهایت چنانچه قاتل اقرار به قتل خطایی بنماید دیه بر خودش ثابت میشود نه عاقله. والله العالم  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قاضی مکلف است طبق قانون عمل کند نه بر مبنای اجتهاد شخصی و از طرفی قضات مأذون فعلی در واقع قاضی شرع مذکور در فقه نبوده و تقریباً کار قضایی حالت کارشناسی داشته و از

باب تطبیق موضوع بر قوانین مقررہ میباشد و با پیشرفت روز افزون حضور زنان در مسایل و علوم مختلف، از جمله حقوق به عنوان ابزار اساسی در مسایل قضایی کنونی، بفرمایید:

الف) آیا در نظام قضایی موجود، ذکوریت شرط لازم برای تصدی امر قضا میباشد؟

ب) آیا زنان میتوانند به عنوان قاضی تحکیم عهده دار فصل خصومت شوند؟  
ج) با توجه به این که امروزه غالباً رسیدگی به دعاوی دو مرحله ای است (مرحله بدوی و تجدید نظر) و در مرحله بدوی، قاضی اصدار حکم میکند به خلاف مرحله تجدید نظر که در بسیاری موارد صرفاً کار آن ها رسیدگی شکلی است، یعنی بررسی

حکم صادره از لحاظ مطابقت و یا عدم مطابقت با قانون موضوعه، در این صورت آیا

زنان میتوانند به عنوان قاضی تجدید نظر انجام وظیفه نمایند؟  
د) با توجه به این که در احکام قابل تجدید نظر، رأی قاضی در دادگاه بدوی قطعی نیست و در صورت اعتراض هر یک از طرفین، دادگاه تجدید نظر نیز باید رأی صادره را از لحاظ شکلی و در مواردی از لحاظ ماهوی رسیدگی کند، آیا در این گونه

موارد میتوان از زنان در دادگاه بدوی به عنوان قاضی استفاده کرد؟  
ه) اگر ذکوریت در قضا شرط باشد، با توجه به این که در مسایل اختصاصی زنان، شهادت آنان معتبر بوده و قاضی نیز بر این اساس حکم میدهد، آیا میتوان

گفت زنان در این موارد حق قضا دارند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در قضاوت شرعی معتبر است قاضی مجتهد باشد.

و اگر مسأله مختلف فیها مورد شکایت باشد، قاضی نمیتواند فتوای خودش را مورد قضاوت قرار دهد، بلکه ملاک حکم فتوای مرجع طرف های دعوی باید باشد.

الف) بنابر این در نظام قضائی موجود قاضی باید همان قاضی شرع باشد و ذکوریت شرط لازم بر تصدی امر قضا میباشد. زن نمیتواند قاضی باشد.

ب) قاضی تحکیم مختص به زمان حضور است، در زمان غیبت مورد ندارد.

ج) قاضی تجدید نظر باید بعد از بررسی حکم یا آن را امضا کند یا حکم دیگر بکند به هر حال باید واجد شرائط باشد که یکی از آن ها ذکوریت است.

د) در حکم قاضی فرقی نیست بین آن که قطعی باشد یا نباشد. قاضی باید واجد شرائط باشد.

ه) در مسائل اختصاصی زنان شهادت باید زنان بدهند این ربطی به قضاوت ندارد. خلاصه آن که خانم ها نمیشود در حکومت اسلامی قاضی بشوند. خداوند همه را از شر تجدد زده گان حفظ کند که گویا تمام ترقیات مملکت را در مخالفت با احکام اسلام

مدانند، مگر نمیبینید این خانم هایی که بعضی مناصب عالیه مملکت را تصاحب کرده اند چه بر سر اسلام و مملکت مآورند، و همه سکوت نموده اند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۱۹)

سؤال:

در موارد لوث اگر مدعی از اجرای قسامه خودداری کند، بفرمایید:  
الف) آیا در این صورت، اقامه قسامه قهرا به متهم (مدعی علیه) مرسد، یا این امر منوط بر مطالبه مدعی است؟

ب) در صورت لزوم مطالبه، اگر مدعی از چنین درخواستی سرباز زند یا به قسامه متهم راضی نباشد، وظیفه دادگاه برای فصل خصومت چیست؟

ج) در فرض فوق تکلیف دیه مقتول چیست؟

د) هر گاه متهم بر براءت خود سوگند یاد کند، حکم دیه چه میشود؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) اقامه قسامه منکر (مدعی علیه) بعد از آن که مدعی از اقامه قسامه خودداری نمود، متوقف بر مطالبه مدعی نیست.

ب) بنابر این مدعی حق ندارد که به قسامه مدعی علیه راضی نباشد.

ج) چنانچه مدعی علیه اقامه قسامه نماید دعوی ساقط میشود، و دیه از بیت المال گرفته میشود.

و اگر اقامه ننماید ملزم به دعوی میشود.

قتل عمد اگر باشد قصاص، و الا دیه از او گرفته میشود.

د) سوگند متهم و مدعی در این مورد اثر ندارد. والله العالم

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

هنگامی که قصاص قاتل مشروط به رد فاضل دیه از سوی اولیای دم باشد، بفرمایید:

الف) فاضل دیه حق چه کسی است؟ (قاتل یا ورثه وی)  
ب) در صورتی که حق قاتل باشد آیا میتواند از حق خویش گذشت کند؟  
ج) آیا انگیزه قاتل در حکم فوق تأثیری دارد؟ (مثل محروم کردن ورثه از دیه یا خروج از بلا تکلیفی و نجات از زندان، یا هنگامی که اولیای دم به دلیل اعسار قادر به

پرداخت فاضل دیه نیستند و از طرف دیگر نه حاضر به دریافت دیه هستند و نه قاتل را عفو میکنند.)

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در روایات فاضل دیه دستور داده شده است، که به اهل قاتل داده شود، نه خود او ظاهر این است که آن هم مانند اصل دیه مال وراثت است.  
ب) بنابر این گذشت او مانند گذشت از اصل دیه است که در زمان حیات چون ملك

او نیست نمیتواند گذشت کند.

بلی میتواند که وصیت کند که گذشت بشود، بعد از موت که چنانچه کمتر از ثلث مال او باشد نافذ، و الا موقوف بر اجازه ورثه است.

ج) در این حکم انگیزه قاتل هر چه باشد تأثیر ندارد. والله العالم  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۰)



سؤال:

چنان چه مجنی علیه به دلیل تخصصی بودن استیفای قصاص عفو، قادر به اجرای آن نبوده و متخصصین فن نیز حاضر به انجام آن نباشند، بفرمایید: الف) آیا در این صورت - علی رغم درخواست قصاص از سوی مجنی علیه - میتوان آن را به دیه تبدیل نمود؟ ب) در فرض منفی بودن پاسخ و عدم رضایت مجنی علیه برای تبدیل به دیه، تکلیف چیست؟

ج) با توجه به لزوم اجرای احکام الهی، آیا از باب مقدمه واجب بر حکومت اسلامی لازم است متخصصینی را برای اجرای این گونه امور تربیت کند؟ (خصوصاً جهت جلوگیری از حبس های طویل المدت و بلا تکلیفی این گونه پرونده ها) جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

مراد از تخصصی بودن استیفاء قصاص عضو اگر این است که ممکن است، قصاص عضو موجب هلاکت نفس شود - یا زیادتراً از مقدار جنایت قطع عضو شود - یا آن که

سرایت کند به بقیه اعضاء و امثال این امور. در این گونه موارد: الف) قصاص مبدل میشود به دیه

ب) راه دیگر هم این است که به مقدار کمتر از جنایت قصاص شود، به نحوی که محاذیر فوق الذکر لازم نیاید، و برای زیادی ارزش بگیرد.

ج) تربیت متخصصین برای اجرای احکام الهی در این موارد و غیر آن از وظایف حکومت اسلامی است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

در موارد پرداخت فاضل ديه؛ چنانچه اوليای دم علی رغم اصرار بر قصاص، قدرت پرداخت فاضل ديه را نداشته باشند و از طرفی به طور عادی نیز امیدی به تمکن آنان در آینده نباشد، بفرمایید:

الف) آیا در این گونه موارد قصاص به طور قهری به ديه تبدیل میشود؟

ب) چنانچه پاسخ منفی است، در شرایطی که عدم قصاص یا تأخیر آن به مصلحت نباشد و چه بسا عوارض سیاسی و اجتماعی شدیدی در برداشته باشد، آیا میتوان فاضل ديه را از بیت المال پرداخت و حکم قصاص را اجرا نمود؟

ج) در فرض مسأله آیا میتوان بدون رد فاضل ديه قصاص را اجرا نمود و فاضل ديه به عنوان دین، بر ذمه ولی دم باقی بماند؟

د) اگر (آن گونه که برخی از فقها منفرمایند) در این گونه موارد، وظیفه، صبر کردن تا زمان ایسار ولی دم است، در مواردی که ممکن است انتظار قصاص سال ها به طول بکشد و این امر برای قاتل و خانواده وی موجب عسر و حرج گردد، تکلیف چیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در موارد پرداخت فاضل ديه مانند آن که مردی زنی را بکشند، اولیاء دم مخیرند بین قصاص، و پرداخت فاضل ديه، و بین قبول ديه کامله زن که نصف ديه مرد است.

ادامه جواب:

و چون در مطلق موارد تخییر بین دو امر اگر یکی متعذر شد دیگری متعین میشود. الف) در مورد سؤال میتوان گفت که قهرا دیه متعین است و به نظر ما خبر اسحاق ابن عمار که امام باقر (ع) مفرماید حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در يك مورد که

مردی زنی را کشته بود الزام به دیه نمودند ناظر به همین مورد است.

ب) بنابر این وجهی برای پرداخت دیه از بیت المال نمیدانم.

ج) و یا قصاص بدون رد فاضل دیه اجراء شود، در حالی که باید او لافاضل دیه را پرداخت نمود بعد اجراء قصاص کرد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

محققان علم پزشکی برای کشف داروها و روش های جدید درمان و یا کاهش هزینه درمان بیماری های مختلف، اقدام به انجام آزمایش هایی بر روی بیماران به دور روش منمایند: ۱ - دارو درمانی ۲ - روش دارو نما (در این روش مریض تصور میکند موارد مصرفی که پزشك به او مدهد موجب بهبودی او میشود و حال آن که در واقع دارویی در کار نبوده و صرفا جهت بررسی تأثیر تلقین به کار گرفته میشود.) این آزمایش ها که بیشتر در مورد بیماری های مهلك و صعب العلاج مانند سرطان، ایدز و... انجام میشود در برخی موارد موجب آسیب دیدن یا تأخیر در بهبودی بیماران مورد آزمایش میگردد.

با عنایت به مطلب مذکور بفرمایید:

انجام چنین آزمایش هایی که برای پیشرفت علم پزشکی انجام میگردد از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون مصلحت مهم تری، از مفسده تأخیر در بهبودی بیماران مورد آزمایش، مترتب بر این امر است، چنین آزمایش هایی شرعا جائز، و مانعی ندارد. و روی همین جهت فتوی داده ایم به جواز قطع عضو انسان چه زنده و چه مرده (با آن که آن عمل في نفسه حرام است) به خاطر مصلحت مهم تری مانند، بینا ساختن، و یا

زنده نگاه داشتن انسانی دیگر.

البته به شرط اجازه او اگر زنده است، و یا وصیت او، یا اجازه ولی او اگر مرده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

دختری بعد از عقد رسمی و آشنایی با روحیات شوهر، حاضر به عروسی و رفتن به خانه همسر نشده و از دادگاه تقاضای طلاق میکند. در این خلال وی از خیابان به عنف ربوده و به محلی مخفی برده میشود.

بعد از تفحص مشخص می شود رباینده همسر او بوده و برای اجبار وی به تمکین و تشکیل زندگی مشترك دست به چنین اقدامی زده است.

با توجه به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی که مقرر میدارد: هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد... بفرمایید:

الف) آیا در ایام عقد بستگی، نشوز زن صدق میکند؟

ب) آیا این کار شوهر جرم و مستحق تعزیر شرعی است؟

ج) بر فرض لزوم تعزیر، آیا گذشت دختر و خانواده اش بعد از مرافعه، مسقط تعزیر خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) چنانچه تخلف شرطی از شروط ضمن عقد لازم که تخلف آن موجب جواز

ادامه جواب:

نرفتن زن به خانه شوهر و عروسی کردن او می باشد نشده باشد و رفتن زن به خانه شوهر

و عروسی کردن موجب عسر و حرج شدید نباشد.

در فرض سؤال زن ناشزه است، و الا نشوز صدق نمکند.

ب) در فرض صدق نشوز کار شوهر جرم نیست و مستحق تعزیر نمباشد.

و در فرض عدم صدق نشوز جرم است و مستحق تعزیر

ج) بر فرض لزوم تعزیر، گذشت دختر و خانواده اش بعد از مرافعه مسقط تعزیر

نخواهد بود چون تعزیر حق الله است نه حق الناس.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

پس از ثبوت جرم و صدور حکم توسط قاضی مأذون، در خصوص استیذان از ولی امر یا شخص منصوب از طرف ایشان جهت اجرای حکم صادره، بفرمایید: الف) آیا استیذان به قصاص نفس اختصاص دارد یا قصاص اطراف را نیز شامل میشود؟

ب) آیا در حدود و قتل تعزیری (بنا بر جواز قتل از باب تعزیر) هم استیذان لازم است؟

ج) در صورت لزوم، آیا بین حد قتل و حدود مادون قتل تفاوتی وجود دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) قصاص اطراف، مانند قصاص نفس است در احکام و شرائط، و از حقوق الناس است استیذان از من له الحق لازم است.

ب) حد از حقوق الله است، و استیذان لازم نیست بلکه با منع او اجراء باید بشود.

ج) و فرقی هم بین حد قتل، و حدود مادون قتل هم نیست؟

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

هر گاه زوج هنگام عقد شرط بکارت زوجه را کند. در این صورت بفرمایید:  
الف) اگر بعد از وقوع عقد معلوم گردد زوجه دارای پرده بکارت بوده و لیکن ثابت شود قبلا با او نزدیکی صورت گرفته است (به لحاظ این که گاه پرده بکارت با نزدیکی

زایل نمیشود) آیا در صورت مذکور، زوج امکان فسخ نکاح را دارد؟

ب) مراد از بکارت داشتن پرده بکارت است یا عدم نزدیکی (چه بسا پرده بکارت در مواردی همانند پریدن و.. زایل میگردد) یا هر دو؟

ج) آیا مراد از ثیب، زنی است که به صورت مشروع ازاله بکارت شده یا این که مراد از آن اعم است ولو این که از راه نامشروع یا عنف و یا پریدن و... ازاله بکارت

شده باشد؟

د) زنی که بعد از نزدیکی باکره ممانند حکم باکره را دارد یا ثیب؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

به نظر ما اثر شرط بکارت زوجه هنگام عقد، امکان فسخ زوج نکاح را در صورت ثبوت

زائل شدن پرده بکارت قبل از عقد نیست.

بلکه اثرش کم شدن مقدار مهر است.

الف) ولی بنابر این که خیار فسخ داشته باشد، در فرض دارا بودن پرده بکارت ولو ثابت شود قبلا با او نزدیکی صورت گرفته است خیار فسخ قطعا ندارد.



ادامه جواب:

چون تخلف شرط نشده است.

ولو این که قصد اصلی از آن شرط عدم نزدیکی بوده باشد.

زیرا در باب عقود قصد بدون انشاء اثر ندارد.

ب) مراد از بکارت همان است که لفظ دال بر آن است، و آن داشتن پرده بکارت است.

ولی روایتی که استدلال شده است به آن بر ثبوت خیار صریح است، در آن که فرض

زوال بکارت بدون نزدیکی، موجب خیار فسخ نیست.

ج) بنا بر این مراد از ثیب در مقام زنی است که زوال بکارت از او شده است با نزدیکی.

اعم از آن که به طریق مشروع باشد یا غیر مشروع.

و شامل زنی که زوال بکارت از او شده است بدون نزدیکی نیست.

کما این که شامل

د) زنی که بعد از نزدیکی باکره مانده است نمیشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به وجوب پرداخت نفقه اولاد توسط پدر بفرمایید:  
الف) آیا در این حکم بین فرزند صغیر و کبیر تفاوتی هست؟ (اعم از متمکن و غیر متمکن)

ب) آیا مراد از تمکن، قدرت فعلی است یا توانایی بالقوه تحصیل مال را نیز شامل میشود؟

ج) در صورت تخلف فرزند واجب النفقه از دستورات شرعی پدر، آیا وجوب پرداخت نفقه وی ساقط میشود؟

(مثلاً نوجوان فقیری که پدر را اذیت نموده و از ورود وی به خانه شخصی اش جلوگیری میکند، واجب النفقه است؟)  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) در صورت وجود شرط وجوب انفاق (فقر منفق علیه - و غنی بودن منفق) بین فرزند صغیر - و کبیر تفاوتی نیست.

ولی بین متمکن - و غیر متمکن تفاوت است

ب) و مراد از متمکن اعم از قدرت فعلی و توانایی بالقوه به واسطه اکتساب لایق شان

او است.

ج) و در این حکم بین فرزند مطیع پدر، و غیر او تفاوتی نیست. لاطلاق الادله.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

الف) هر گاه جدایی فرزند از مادر یا خواهر و برادرش به سلامت روانی طرفین بالاخص کودک لطمه وارد کند (یعنی مشقت غیر قابل تحمل برای طرفین ایجاد گردد) آیا میتوان حضانت طفل را تا رسیدن به سن بلوغ یا رشد به یکی از والدین واگذار کرد؟

ب) آیا دادگاه میتواند با توجه به شرایط خاص والدین و حفظ مصالح طفل، بدون در نظر گرفتن سن طفل (۲ و ۷ سال) او را به پدر و یا مادر واگذار کند؟  
ج) پس از رسیدن اطفال به سن بلوغ یا رشد، آیا پدر و مادر در رابطه با حضانت او تکلیف دارند؟

د) هر گاه بستگان محجور از قبول قیمومت محجور امتناع کنند، آیا میتوان آنان را ملزم به قبول این مسئولیت کرد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

حضانت به معنی ولایت سلطنته بر تربیت طفل، و ما يتعلق بها من مصلحة حفظه و نحو ذلك، ولو بالاستنباه در برهه از زمان بر پدر یا مادر ثابت است، و در غیر آن زمان از واجبات کفائیه است.

الف) بنابر این در صورتی که در زمان ولایت پدر جدا شدن از مادر موجب حرج است.

ادامه جواب:

چنانچه پدر حاضر به استنابه هست، او مادر را نایب قرار مدهد.  
و الا حاکم شرع به واسطه حرج رافع تکلیف، سلب ولایت از او منماید، و  
حضانت را  
به مادر واگذار میکند.

ب) ولی مجرد حفظ مصالح طفل موجب تخلف از مقررات شرعیه نمیشود.  
ج) بعد از رسیدن به سن بلوغ هیچ کدام از پدر و مادر در رابطه با حضانت تکلیف  
خاصی ندارند.

د) کما این که هیچ يك از بستگان محجور تکلیف خاصی نسبت به قیمومت غیر از  
حضانت بر او ندارد، و کسی را نمیشود ملزم نمود. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

با توجه به این که طلاق باید به صیغه طلاق در حضور لا اقل دو مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد بفرمایید:

الف) آیا استماع صیغه طلاق لازم است و یا سماع آن هم کفایت میکند؟  
ب) در صورت لزوم استماع، آیا لازم است شهود به قصد استماع صیغه طلاق در مجلس حاضر شده باشند یا قصد حضور برای استماع لازم نیست؟

ج) آیا شنیدن باید بالمشافهه و بلا واسطه و با حضور در مجلس اجرای صیغه باشد یا به صورت با واسطه مانند شنیدن از طریق بلندگو یا تلفن و یا دیدن و شنیدن از طریق پنخس فیلم به صورت زنده و هم زمان که یقین به اجرای صیغه طلاق حاصل شود کفایت میکند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) صریح دسته از روایات کفایت سماع است.

ب) و بر فرض لزوم استماع، قصد حضور برای استماع لازم نیست.

ج) ظاهر آیه کریمه و روایات آمره باشهاد این است، که شاهد باید حاضر مجلس طلاق باشند.

و با طلاق خبر صفوان مشهود استدلال نمود بر این که مجرد سماع کافی است.

و آن قرینه شود بر صرف آن آیه و روایات از ظاهرشان.

ولی مقتضای احتیاط اعتبار حضور شاهدین است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

چنان چه در معامله ای فضولی - که مشتری جاهل به مالکیت غیر است - با گذشت چند سال و افزایش چندین برابر قیمت ها (بدون این که مشتری هزینه ای در مورد معامله کرده باشد) مثنی توسط مالک کشف ورد شود، بفرمایید: الف) فضول، در رد ثمن ضامن چه مبلغی میباشد، مبلغ حین معامله یا حین الرد؟

ب) در این صورت آیا فرقی بین علم و جهل مشتری وجود دارد؟  
ج) در صورتی که فضول، ضامن ثمن حین معامله باشد در هنگام کاهش معتنا به ارزش پول و تفاوت فاحش ثمن حین معامله و حین الرد، آیا میتوان فضول را ضامن ما به التفاوت این دو مبلغ و سایر خسارات دانست؟  
د) آیا مشتری میتواند از قبول ثمن معامله خودداری و بایع را ملزم به تحویل مورد دیگری با همان کمیت و کیفیت بنماید؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) با فرض فضولی بدون معامله ورد مالک، وظیفه فضول رد مبلغی است که از مشتری گرفته است، و آن همان مبلغ حین معامله است.  
ب) و فرقی بین علم و جهل مشتری نیست.  
ج) و در صورت تفاوت فاحش ثمن حین معامله و حین الرد

ادامه جواب:  
دو فرض ممکن است.  
یکی آن که ارزش پول که يك امر اعتباری است، و معیار در آن پشتوانه آن است مانند طلا و غیره، کم شده باشد، مانند دینار عراقی در زمان فعلی. و دیگری آن که ثمن به خصوص ترقی قمیت پیدا نموده است. در مورد دوم مسلماً فضول ضامن ما به التفاوت نیست. ولی در مورد اول بعید نمیدانم که ضامن باشد. ولی احتیاط به مصالحه نباید ترك شود.  
د) به هر حال مشتری نمیتواند بایع را ملزم به تحویل مورد دیگری با همان کمیت و کیفیت بنماید.  
مگر آن که بیع کلی باشد، و در مقام اداء تطبیق بر مال غیر نموده باشد، که در این صورت میتواند تقاضای تحویل فرد دیگری از آن کلی را بنماید.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

در موارد لزوم پرداخت فاضل ديه، چنانچه اوليای دم خواهان قصاص باشند و با وجود تمکن مالی، از پرداخت فاضل ديه خودداری کنند و باعث تأخير اجرای حکم قصاص شوند، بفرمایید:

الف) آیا حاکم شرع میتواند ولی دم را به پرداخت فاضل ديه اجبار کند؟

ب) در این فرض تبدیل قصاص به ديه چه حکمی دارد؟

ج) اگر تبدیل قصاص به ديه جایز باشد، آیا رضایت یا عدم رضایت جانی در این امر تأثیری دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) قصاص حق اولیاء دم است، همان گونه که میتوانند عفو کنند، میتوانند تأخير بیندازند.

ولی چنانچه بخواهند قصاص نمایند اول باید فاضل ديه را پردازند بعد قصاص نمایند.

بنابر این وجهی بر لزوم پرداخت فاضل ديه نیست مگر در صورت بناء بر قصاص. ب) کما این که وجهی بر الزام اولیاء دم به قبول ديه نیست.

ج) و چنانچه اولیاء دم بخواهند ديه بگیرند رضایت جانی و عدم رضایت او تأثیر ندارد.

زیرا در این موارد اولیاء دم مخیرند بین قصاص و پرداخت فاضل ديه، و بین اخذ ديه. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)



سؤال:

در مواردی که قاتل معین است اما مقتول (مستحق دیه) بین دو نفر مردد  
مباشد، بفرمایید:

نحوه پرداخت دیه به اولیای دم چگونه است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه هیچ کس ادعاء ندارد، وینه مثبت یکی از آن ها نیز نباشد، به مقتضای  
قاعده عدل انصاف، دیه تقسیم میشود بین اولیاء دم آن دو نفر. واللہ العالم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

در خصوص نفی بلد بفرمایید:

الف) منظور از نفی بلد چیست؟ (از بین بردن، تبعید، آواره نمودن دائمی یا...؟)

ب) اگر نفی به معنای تبعید باشد آیا مراد تحت نظر قرار دادن در محل تبعید

است یا زندانی کردن وی در آن محل؟

ج) اگر منظور تحت نظر قرار دادن باشد؛ در موارد خاصی که تبعید به مفسد

دیگری منجر میشود - مانند زنان، قاچاقچیان و افراد شرور - آیا میتوان مدت تبعید

را به حبس تبدیل نمود؟

د) اگر محارب از محل تبعید فرار کند، آیا حاکم شرع میتواند پس از دستگیری

وی، تبعید را به یکی دیگر از مجازات های چهارگانه، جزای نقدی، حبس یا تعزیر

تبدیل نماید؟

ه) آیا حکم عدم جواز نفی بلد زن در باب زنا را میتوان به تبعید زن در باب

محاربه تسری داد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) نفی بلدی که حد محارب است، مراد آواره نمودن دائمی است.

ونفی بلد حد زانی، تبعید است.

ادامه جواب:

ب) مراد از تبعید تحت نظر قرار دادن است، چنانچه تحت نظر قرار دادن متوقف باشد بر زندانی کردن در آن محل زندانی کنند.

ج) تبعید بر زنان نیست به واسطه همان مفاسدی که اشاره شده است. و در تبعیدی که در حد زنا ذکر شده است، اجماع علما بر این است که زن تبعید نمیشود.

و اما قاقاچچیان و افراد شرور، چنانچه بدون حبس نمیتوان تحت نظر قرارشان داد حبس نمایند در آن محل نه در محل خودشان.

د) محارب حدش تبعید به جای معینی نیست، بلکه آواره نمودن و از شهری به شهر دیگر، و منع از معاشرت مردم با آن است، و لذا در يك شهر نگاه داشته نمیشود.

ه) چون در باب زنا ولو يك روایت صریح است در ثبوت تبعید بر زن، ولی فقهاء به واسطه مفاسدی که به آن ها اشاره شده است، عمل به روایت ننموده اند. بنابراین بلی میتوان تسری دارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

اگر نفی بلد به معنای تبعید باشد بفرمایید:

الف) آیا میتوان مدت محکومیت به تبعید را طی چند مرحله و به طور متناوب اجرا نمود؟

ب) مدت نفی بلد در مورد محارب زانی بکر چقدر است؟ (يك سال، تا زمان توبه، تا زمان مرگ یا به طور کلی تعیین مدت با حاکم است؟)

ج) در دو فرض معسر یا مؤسر بودن محکوم علیه، هزینه های ضروری وی در تبعیدگاه به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) ظاهر روایات تبعید يك سال استدامه است، و اجراء متناوب خلاف ظاهر روایت

است.

ب) نفی بلد در زانی بکر (مراد از بکر کسی است که ازدواج نموده ولی دخول نکرده

است) يك سال است.

و اما در محارب تا زمان مرگ اگر توبه نکند و الا تا زمان توبه.

ج) چنانچه مؤسر است و یا قدرت بر کسب دارد هزینه با خودش است، و الا از بیت المال هزینه های ضروری او تأمین میشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

چنان چه دختری پس از وضع حمل مدعی باشد که فلان شخص با وی زنا نموده است؛ اما متهم، منکر اتهام انتسابی باشد، بفرمایید:  
الف) اگر پزشکی قانونی در نتیجه آزمایش های دقیق علمی طفل را به نامبرده منتسب کند، آیا شرعا این نظر حجیت دارد؟

ب) در صورت حجیت، آیا میتوان حد زنا را بر متهم جاری نمود؟

ج) در فرض عدم اثبات اتهام انتسابی و تقاضای حد قذف از سوی مقذوف، آیا حد قذف بر مدعی زنا جاری میگردد؟

د) در صورت عدم تحقق شرایط قذف، آیا میتوان مدعی را تعزیر کرد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) ولو آزمایش ها موجب علم به انتساب با نامبرده شود.

بچه به او ملحق نمیشود، زیرا ولد الزنا ملحق به زانی نیست.

ب) و نمی شود حد زانی را بر متهم اجراء نمود زیرا حد بدن بینه و اقرار چهار مرتبه اجراء نمیشود.

بلی چنانچه موجب علم قاضی بود، و قاضی بتواند به علم خود حد جاری کند، اجراء حد میشود.

ج) چنانچه زن ادعاء کند که فلان شخص، بدون شبهه عالما عامدا با او زنا کرده است، بلی حد قذف جاری میشود در صورت تحقق شرایط قذف.

د) و اما در صورت عدم تحقق شرایط قذف، ولو نمیتوان مدعی را حد زد، ولی میتوان تعزیر نمود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:  
آیا حکم تأخیر حد جلد، یا اجرای آن به صورت ضغث که در باب زنا مطرح  
است، به تعزیرات و سایر حدود نیز قابل تسری است؟  
جواب:  
(باسمه جلت اسمائه)  
از عموم علت مذکور در بعضی روایات مشهود استفاده عموم نمود.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۰)

سؤال:

چنان چه به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حد، اعم از جلد، قطع ید و... یا قصاص عضو بر فرد بیمار یا شخص سالمی که دچار ضعف شدید جسمانی است باعث مرگ یا ابتلای وی به بیماری یا تشدید آن مگردد، تکلیف چیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در قصاص عضو ظاهرا در فرض سؤال قصاص منتقل میشود به دیه.  
و اما حد باید تأخیر بیافتد تا حصول برء.  
و در صورت یأس از خوب شدن به صورت ضغث اجرای حد بشود.  
و اما در قطع ید سارق چنانچه احتمال عقلائی داده شود که باعث مرگ یا ابتلای وی به بیماری یا تشدید آن بگردد وجوب قطع ساقط است، بعید نیست قول به حبس.

ولی اظهر این است که ولو حد ساقط است ولی تعزیر به نحوی که حاکم شرع تعیین

کند اجراء شود. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)

سؤال:

در موارد قتل که نوبت به ولایت حاکم می‌رسد، بفرمایید:  
آیا ولی امر همانند اولیای دم علاوه بر درخواست قصاص یا اخذ دیه، حق عفو  
نیز دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

حاکم حق عفو ندارد، و روایات متعددی بر این معنی دلالت دارد، و اصحاب هم به  
همین امر فتوی داده اند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)



سؤال:

در صورت وقوع قتل در هر يك از موارد ذیل، تکلیف چیست؟  
الف) هنگامی که اولیای دم همگی صغیر باشند.  
ب) مقتول، مسلمان اما ولی دم وی کافر باشد.  
ج) به هنگام دستگیری قاتل، ارتباط با اولیای دم ممکن نیست، ولی در آینده امکان دسترسی به آنان وجود دارد.

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) صغیر تا بالغ نشده نمیتواند قصاص کند یا دیه بگیرد و یا عفو کند.  
ولی چنانچه مصلحت صغیر اقتضاء کند میتواند اخذ دیه کند، یا مصالحه با قاتل در گرفتن چیزی ولو کمتر از مقدار دیه نماید.  
ب) در صورتی که ولی کافر ذمی باشد اسلام به او پیشنهاد میشود اگر اسلام آورد، او ولی مقتول است، و مانند بقیه اولیاء، حق قصاص، اخذ دیه، عفو قاتل، دارا است. و اگر اسلام نیاورد ولی او حاکم شرع است، میتواند قصاص کند یا دیه بگیرد، و در بیت المال قرار دهد، ولی حق عفو ندارد.  
ج) و چنانچه دست به اولیای دم در وقت دستگیری قاتل نباشد، چنانچه احتمال فرار قاتل نرود باید صبر کند تا به اولیاء دسترسی پیدا شود.  
و در صورت احتمال فرار او را حبس میکنند تا موقع دسترسی به قاتل.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)

سؤال:

در خصوص ارش البکاره با دو فرض بلوغ و عدم بلوغ زانیه، بفرمایید:

۱ - آیا زانیه در موارد ذیل مستحق ارش البکاره میباشد؟

(الف) زنا با رضایت و میل وی انجام شود.

(ب) زنا در اثر اکراه یا عنف واقع شود.

(ج) زنا با فریب وی مبنی بر وعده قطعی ازدواج و... واقع شود.

۲ - اگر ازاله بکارت دختر با انگشت یا شیئی صورت گیرد، حکم ارش البکاره

چیست؟ آیا رضایت یا عدم رضایت وی در حکم تأثیری دارد؟

۳ - در موارد ثبوت ارش البکاره، آیا علاوه بر ارش، پرداخت مهر المثل نیز لازم

است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

(الف) در صورت رضایت استحقاق هیچ چیز ندارد.

(ب) در صورت اکراه استحقاق مهر المثل دارد.

(ج) حکم صورت فریب حکم صورت رضایت است.

۲ - اگر ازاله بکارت با انگشت یا چیز دیگر با رضایت باشد ارش البکاره بر ازاله

کننده

نیست، و اگر بدون رضایت باشد ارش البکاره به عهده ازاله کننده است.

۳ - در مورد ثبوت مهر المثل ارش البکاره معنی ندارد، زیرا مراد از مهر المثل مهر

باکره است که با دخول بکارت زائل شده است، و قهرا زیادتر از مهر المثل ثبیه

است، پس

ارش البکاره در همان مهر المثل ملاحظه میشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)

سؤال:

در موارد ارش بفرمایید:

الف) آیا پرداخت ارش همانند پرداخت دیه مؤجل است یا فوری؟  
ب) در صورت تأجیل مهلت پرداخت، در موارد عمد، شبه عمد و خطای محض چگونه است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون بر ارش هم در اصطلاح اطلاق دیه میشود بنابر این:  
الف) ظاهراً پرداخت آن نیز مؤجل است (لاطلاق الروایات).  
ب) واجل هم همان است که در دیه نفس قرار داده شده است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)

سؤال:  
در صورتی که سرقت جامع شرایط حد، با اقرار سارق نزد حاکم ثابت شود، آن گاه سارق توبه نماید، آیا عفو وی توسط ولی جایز است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اظهر در نظر ما آن است که در صورت ثبوت سرقت به اقرار چنانچه سارق توبه کند حاکم مخیر است بین اقامه حد و عفو.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)

سؤال:

اگر شخصی نزد حاکم به سرقت اقرار نماید، بفرمایید:

الف) آیا در صورت وجود سایر شرایط اجرای حد، صرف اقرار، برای قطع ید

کفایت میکند، یا نیاز مرافعه مال باخته نیز دارد؟

ب) در صورت نیاز به شکایت، آیا برای اجرای حد، صرف مرافعه کافی است، یا

مطالبه قطع ید از سوی مال باخته نیز لازم است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

الف) بدون مرافعه مال باخته حاکم حق اجرای حد ندارد.

ب) بلکه مقتضای بعضی روایات صحیحه این است که بدون مطالبه قطع ید حاکم

نمیتواند اجرای حد بنماید.

(تاریخ جواب استفتاء: ۱ جمادی الاولی ۱۴۲۰)

استفتائات:  
مؤسسه حقوقی  
وکلاي بين الملل - ايران

استفتائات:

مؤسسه حقوقی و کلاهی بین المللی

استفتائات:

مؤسسه حقوقی و کلاهی بین المللی

حضور محترم مرجع عالی قدر حضرت

آیت الله العظمی روحانی مد ظله العالی

سلام علیکم!

با آرزوی موفقیت روز افزون و سلامتی آن مرجع بزرگوار معروض مدارد:  
از آنجایی که بعضی از مسائل حقوقی در باب ضمانات منتزع از متون فقهی  
ماست و برداشت از آن متون و حجیة آن نیاز به فتوای مرجع اعلم دارد لذا  
مستدعی است مسائل مطروحه را توسط آقای دکتر اعلاء مینایی تحویل  
حجت الاسلام والمسلمین آقای سنجری خواهد شد. تا بعد از ارائه جواب به آقای  
دکتر مینایی عودت داده شود تا مورد استفاده و کلاهی مؤسسه حقوقی بین المللی قرار  
گیرد.

لازم به توضیح است که چون مطالب باید در مراکز دیگری هم مورد استفاده  
قرار گیرد تا آنجایی که ممکن است عنایت فرموده جوابها را با ذکر منابع و مأخذ و  
به

صورت استدلالی بیان شود.

خداوند سایه آن وجود ذی وجود را مستدام بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دفتر مؤسسه حقوقی و کلاهی بین المللی - ایران - تهران

سؤال:

کسی که به هر دلیل اقدام به آدم ربایی نموده و کار او باعث شود پدر، مادر، زن یا یکی از فرزندان او به بیماری جسمی یا روحی که موجب ديه یا ارش است دچار شود، آیا رباینده ضامن ديه خسارت است که پیشامد کرده؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی رباینده ضامن است.

چون یکی از اسباب ضمان تسیب است یعنی استناد فعل به سبب.

و دلیل آن قطع نظر از عموم ادله ضمان که شامل آن است.

روایات خاصه ای است که در موارد مخصوصه وارد شده است، و از آن ها استفاده کبری کلیه منمایند.

و مورد یکی از مصادیق آن است.

چون سبب وجود موجب ديه یا ارش آدم ربایی است.

بنابر این رباینده ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر کسی با هر قصد و انگیزه ای دیگری را با تهدید یا حيله بربايد و هيچ خسارت جانی به وی نرساند مگر اين که در مدت اسارت، او را از درآمدهای روزانه و

کسب حلال جلوگیری کند، آیا ضامن درآمدهای روزانه او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

کسی را که به ناحق اسير گرفته اند،

چنانچه اجير بوده برای عملی مانند بنائی و غيره، و به واسطه گرفتاری نتوانسته

عمل کند، کسی که او را به اسارت گرفته ضامن است.

و چنانچه معامله روی اعمال او نشده است ضامن نیست.

زیرا عمل حر اگر چه مالیت دارد، ولی در صورت عدم وقوع معامله مملوك کسی نیست.

بنابر این ادله ضمان - که قاعده اتلاف و قاعده ید، و قاعده استيفاء است، شامل آن نمیشود.

وقاعده لا ضرر، وقاعده احترام، هم مثبت ضمان نیست.

پس ضمان وجهی ندارد، و مقتضای اصالة البرائة عدم ضمان است. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
آموزگاری که هنگام تصحیح اوراق امتحانی دانش آموزان توجه کافی نکند و بر اثر همین سهل انگاری چه بسا دانش آموزی يك سال عقب بماند، آیا آموزگار ضامن خسارت مالی یا معنوی دانش آموز است؟

جواب:  
(باسمه جلت اسمائه)  
خیر ضامن نیست، زیرا ادله ضمان همان گونه که در سؤال ۲ اشاره شد شامل این مورد نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر زائر خانه خدا هنگام مراسم حج بر اثر فشار جمعیت فوت کند، با توجه به این که سرپرستی حجاج به عهده مدیران کاروان وزیر نظر سازمان حج میباشد، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در نظائر مورد سؤال روایاتی دال است بر این که ضمان به عهده بیت المال است، لئلا یذهب دم المرء هدرا.

در این مورد نیز ملتزم مشویم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسانی که در غیر کشور خود بر اثر زلزله مسمیرند و کشور متبوع آنان ادعای فرسودگی یا غیر استاندارد بودن ساختمان مورد اجاره را نموده و از این بابت مدعی دیه متوفی شوند، آیا ضمانی از این بابت به عهده صاحب هتل میباشد یا نه؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون سبب فوت زلزله بوده است، وجهی بر ضمان صاحب هتل نیست.  
به عبارت دیگر تلف است نه اتلاف.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فردی در کشور بیگانه مفقود الاثر شود و کسی هم به قتل وی متهم نگردد، اولیای وی هم از آن کشور درخواست غرامت کرده باشند، آیا ضمان آن به عهده کشور بیگانه است یا بر بیت المال؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

روایاتی در مورد پیدا شدن کسی که کشته شده است، در قریه دال است بر این که دیه بر اهالی آن قریه است.

و با الغاء خصوصیت میتوان تعدی نمود به، مورد سؤال و فتوی داد به این که دیه به عهده آن کشور بیگانه است.

بعلاوه بر حسب تعهدات بین المللی کسانی که رسمی به کشور بیگانه میروند، نه قاچاق آن دولت موظف به حفظ نفس آنها میباشد. بنابراین آن کشور بیگانه ضامن دیه آن ها میباشد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در داد و ستدی که به وسیله تلفن، تلکس و مانند آن بین دو تاجر در دو کشور صورت مگیرد، فروشنده برابر قرارداد شفاهی تلفنی مضمن را ارسال نموده و خریدار از این فرصت استفاده کرده بهای جنس را نفرستاده و متواری شده، آیا ضمان پیدا کردن خریدار، با کشور محل سکونت او است یا ضمانی به عهده کسی نیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

و جهی بر ضمان کسی نیست.  
و ادله ضمان هیچ کدام شامل مقام نیست.  
و در تعهدات بین المللی نیز چنین تعهدی نشده است.  
بنابر این کسی ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بیماری به دلیل نبودن پزشك متخصص برای معالجه به کشور دیگر برود و بر اثر سهل انگاری پزشك هنگام عمل بمیرد و اولیای او نتوانند در آن کشور علیه پزشك معالج اقامه دعوا کنند، آیا کشور محل سکونت و متبوع متوفی ضامن اقامه دلیل علیه پزشك معالج و احیای حقوق اولیای دم میباشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه با اجازه کشور محل سکونت به کشور دیگر رفته است، به مقتضای قوانین بین المللی، چنین شرایط ضمنیه، که در حکم شرایط تصریح شده به آن میباشد در آن قراردادها هست.

بنابر این بلی، باید اقامه دعوا کند، یا خودش غرامت پردازد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

راننده شرکت واحد یا هر کس دیگری که موظف به جمع آوری بلیط های مسافرین شده، موظف به معدوم کردن بلیط هاست، حال اگر برخی بلیط ها را معدوم نکند و به دیگران بفروشد، آیا ضامن وجوهی است که از این بابت کسب میکند؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون دولت، و شرکت را حقیر، مالک میدانم.  
بنابر این این خیانت و اختلاس است قهرا ضامن است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر در هر يك از کشورهای اسلامی کسی را به عنوان سرپرست صغیر یا مجنون و یا محجور تعیین کنند و او برای شرعی بودن تصرفات خود به فقیه جامع الشرایط مراجعه نکند، آیا تصرفات او در اموال آنان ضمان آور است یا نه؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه اداره آن مملکت تحت اشراف فقیه جامع الشرائط، یا با اجازه او باشد ضمان آور نیست.

و الا تصرفات جائز نیست، و در صورت اتلاف ضمان آور است.  
مگر آن که در آن مملکت دسترسی به فقیه جامع الشرائط نباشد، که در این مورد با اجازه عادل شخص امین میتواند سرپرست شرعی باشد، و ضمان هم نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کسی منزل یا مغازه ای را اجاره کند و هنگام قرارداد، مالک اجاره واگذاری ملک را به شخص ثالث بدهد، آیا اگر اجاره کننده ملک مزبور را طبق نظریه کارشناس رسمی به قیمتی بیش از مال الاجاره، اجاره دهد نسبت به مازاد ضامن است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در خصوص، خانه، و مغازه، و کشتی - مادامی که در مورد اجاره چیزی اضافه نشده

باشد، حتی مثل رنگ کردن اطاق ها مثلا - جائر نیست به زیادتیر اجاره دهد. و در غیر آن موارد مانند زمین و آسیاب جائر است. ولی مکروه است، و ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

بسیاری از مستخدمین ادارات دولتی در خارج از وقت اداری به شغل دوم اشتغال دارند، حال اگر شغل دوم موجب وارد آمدن خسارت - هر چند نامرئی - به شغل اول باشد، آیا با وجود این که حقوق شغل اول کفاف هزینه وی را ندهد، هنوز هم در قبال کارفرمای اول ضامن هستند یا خیر؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه نسبت به شغل اول کوتاهی شود، و به مقدار معمول کار نکند ضامن است. عدم کفاف هزینه مجوز کم کاری نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کارخانجات، شرکت ها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی که افراد متخصص را به خاطر تخصص آنان استخدام میکنند و حقوق و مزایای آن ها را بر مبنای تخصص آن ها تعیین میکنند اگر زمانی به علت نداشتن کار تخصصی حق تخصص آن ها را ندهند، آیا کارفرما یا مسئول شرکت و اداره ضامن خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه در وقت استخدام، تعیین کنند که فلان مبلغ در مقابل کار تخصصی است، ضامن نیست.

ولی چنانچه زیادی پول برای این است که هر وقت کار تخصصی لازم باشد او نباید امتناع کند، ضامن است.

خیال میکنم استخدام معمول از قبیل دوم است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر وسیله نقلیه ای را برای حمل وسایل خود اجاره کند و بر اثر حمل بار بیش از ظرفیت، موجب شود خسارتی به وسیله نقلیه وارد شد، حالا اگر برای ترمیم خسارت از قطعه یدکی غیر اصلی (نامرغوب) استفاده کند، آیا اگر قطعه یدکی پیشین اصلی بوده، مستأجر ضامن ما به التفاوت مرغوب و نامرغوب است یا ضامن بهای قطعه مرغوب است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه حمل بار زیادی، بدون اذن مالك باشد، ضامن خسارت میباشد. و ضامن هم به همان قطعه یدکی پیشین میباشد. (هامش تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فردی را مأمور جمع آوری و تصحیح کتاب کنند و مأمور نیز تا اولین مرحله چاپ آن را دنبال کند ولی آمر هنگام چاپ از ادامه کار پشیمان شده صاحب کار را نیز منصرف کند، آیا آمر ضامن خسارتی است که به عامل وارد شده یا صاحب کار؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه آمر با امر خود آن فرد را اجیر کند، و او هم قبول کند قهرا آمر ضامن است. و الا کسی ضامن نیست.

به هر تقدیر وجهی بر ضمان صاحب کار نیست.

(هامش) تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فردی را برای جمع آوری و تنظیم کتاب با این شرط که اجرت، پس از چاپ به عنوان حق التألیف پرداخت میشود، مأمور کنند و هنگام چاپ از سوی مقامات جلوگیری شود، ضمان خسارتی که به عامل رسیده به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در فرض مورد سؤال اجیر کار خودش را انجام داده، و مال الاجاره را ظالمی مانع تحویل آن شده است.

بنابر این قیمت آن را چنانچه معلوم باشد به عهده موجر است.

و الا اجرة المثل را ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کارگری که به طور شیفتی شب و روز کار میکند، اگر هنگام رفتن در شب به وسیله سرویس به کارخانه برود و آخر شیفت که طبق معمول شخصا مراجعه مکرده، به منزل مراجعت نکند و بمیرد، آیا راننده که او را در شب سوار کرده ضامن

دیه او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه مردن به واسطه اهمال راننده نباشد، یا معلوم نباشد که به چه نحو بوده راننده ضامن نیست.

و اگر او سبب بوده ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

زنی که برای شیر دادن اجیر شده اگر هنگام شیر دادن درازکش کرده و کودک را شیر دهد و خوابش ببرد به طوری که کودک زیر سینه او خفه شود، آیا ضامن خون بهای کودک است؟ اگر ضامن است و مالی ندارد ضمان به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بر حسب قاعدة قتل خطائی است، و ضامن ديه در قتل خطای عاقله است یعنی اقوام پدری، و پدر و مادری او است.  
ولی در خصوص زن شیرده، روایتی وارد شده است، تفصیل قائل شده است، بین زنی که از روی فقر شیر مدهد، در این صورت ديه بر عاقله است، و الا ديه را خودش باید بدهد.

و نظر حقیر هم همین است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در ماده یکم از قانون مجازات اخلال گران در صنایع ملی آمده است: هر کس عمدا و به قصد سوء، هر يك از واحدهای عمده شرکت ملی ذوب آهن، شرکت ماشین سازی اراک، تبریز، شرکت آلومینیوم ایران، مس سرچشمه و... یا واحدهای تابع آن را از قبیل کارخانه ها، کوره ها، معادن یا خطوط لوله یا ابنیه ادارات و... را آتش بزند و یا به هر وسیله دیگر منهدم نماید به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد ولی در این قانون متعرض جبران خسارت های وارده به ملت نشده، آیا عامل نسبت به آن نیز ضامن است؟ اگر بلی، آیا حاکم میتواند ضمن حکم زندان او را به پرداخت خسارت نیز محکوم نماید؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ظاهرا این ماده جنبه نفی ندارد.

مقتضای قاعده این است که باید خسارت پرداخت شود به خود شرکت.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در ذیل همان ماده یکم از قانون مجازات اخلال گران در صنایع آمده است: ...  
در صورتی که هر یک از جرائم مذکور منتهی به قتل نفس شود، مرتکب به اعدام  
محکوم میگردد در این قسمت از ماده که از مصوبات سال ۵۳ (قبل از پیروزی  
انقلاب) میباشد متعرض دیه جانباخته نگردیده، آیا در این مورد ضمان دیه نیز به  
عهده جانی است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

حکم اعدام نباید اجراء شود، چون قتل، یا قتل غیر عمدی است، یا قتل خطائی.  
بنابر این دیه ثابت است، یا بر خودش چنانچه غیر عمدی باشد، یا بر عاقله چنانچه  
خطائی باشد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کشور اسلامی از باب من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین... سربازهای خود را با علم به این که استکبار جهانی جلوگیری میکند، به یاری مسلمانان کشورهای دیگر بفرستد و تعدادی از آن ها کشته شوند، چه کسی ضامن خون بهای آن ها خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه از مواردی باشد که کمک کردن، و جهاد نمودن واجب باشد، مانند کمک به مسلمانان فلسطینی.

هیچ کسی ضامن نیست، عمل پیغمبر اکرم علیه صلوات الله بهترین دلیل است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فرمانده، يك يا چند تن از افراد تحت امر خود را مأمور به عمل انتحاری کند و این مأموریت موفقیت آمیز باشد و معلوم شود فرمانده در تشخیص خود اشتباه نکرده، آیا چه کسی خون بهای کشته شدگان در آن عملیات انتحاری را ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

موضوع ضمان، اضرار به مسلمین است. و چون عمل فوق الذکر نافع به حال مسلمین است، پس مشمول دلیل ضمان نیست. بنا بر این بر این فرمانده ضامن نیست. بعلاوه این فرمانده محسن است، و ما علی المحسنین من سبیل. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در حمله های پشتیبانی هوایی که به عهده نیروی هوایی است، اگر خلبان به اشتباه نیروهای اسلام (خودی) را هدف قرار دهد، ضمان خسارت های جانی به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه رعایت موازین حرب را نموده باشد، و حمله به حسب موازین لازم بوده است، کسی ضمان ندارد.

حتی در صورتی که فتح و قتال با کفار متوقف باشد به کشتن عمدی مسلمانان. مانند آن که کفار مسلمانانی را سپر خود قرار دهند، کشتن آن ها جائز و ضمانی نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

سربازی که در سربازخانه تحت امر مسئول آموزش تعلیم میبند، اگر بر اثر افراط کاری تعلیم دهنده، مانند پریدن از ارتفاع زیاد، عبور از آب سرد و... خسارت های متوجه او شود، ضمان آن به عهده دولت است یا مسئول آموزش؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

با فرض افراط کاری تعلیم دهنده، ضمان به عهده خود او است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بر اثر آزمایش هایی که ارتش در مورد کاربرد جنگ افزارهای خود در اراضی موات و غیره انجام میدهد خسارت هایی از قبیل ریزش و مسدود شدن قنوات و یا ایجاد ارتعاشاتی که موجب زلزله و تخریب منازل و تلف شدن اموال و نفوس میشود پیش آید، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که ارتش رعایت موازین را نموده، و چنین پیش آمدی بشود، ضمان به عهده بیت المال است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر گزارشی علیه فرد یا افراد به آگاهی یا هر ارگان و اداره دیگر داده شود و آن ها هنگام تحقیق، متهم را تحت فشار بگذارند تا این که او متوجه شود آن ها علیه فلان فرد اعتراف میخواهند و بر اثر ترس اعتراف کند و از این بابت خسارتی به شخص ثالث وارد شود، آیا ضمان به عهده اعتراف کننده است یا اعتراف گیرنده؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه بین اعتراف، و وارد شدن خسارت، فعل فاعل مختاری فاصله باشد که به حسب طبیعی چنین است.

ضمان بر اعتراف کننده نیست، اگر چه خلاف گفته است.

بلکه ضمان بر اعتراف گیرنده است والله العالم.

(هامش تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

بنابر این که تجسس در امور داخلی مردم حرام باشد، اگر بر اثر تجسس حرام به جرمی مانند: زنا، لواط شرب خمر و... بر خورد کنند و هنگام اجرای حد، خسارت جانی به متهم برسد، تجسس کننده ضامن است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اجراء حد با شهادت فرد فاسقی، مانند کسی که تجسس حرام میکند، جائز نیست. و چنانچه اجراء حد بر طبق موازین شرعی نباشد، و خسارت جانی ببیند مجری حد ضامن است به واسطه تفریط.

و اگر بر طبق موازین شرع باشد بر کسی ضمان نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مأمورین اداره آگاهی در ارتباط با مثلاً سرقت هایی که در شهر میشود، به فرد یا افراد ظنین شوند و هنگام بازرسی منازل آنان بر اثر ترس، بعضی از کسان متهم دچار سکتته شوند و خسارت های جانی پیش آید، ضمان آن به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ضمان دیه بر مأمورین است، نهایت چنانچه شخص آن ها تفریط کرده باشند و خشونت بی مورد اعمال کرده باشند، اقوام شان ضامنند زیرا قتل خطائی است، و دیه بر عاقله است.

و الا ضمان بر آن ها به عنوان مأمورین دولت است، که لازمه آن ضمان دیه بر بیت المال است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

صاحبان صنایع و حرف که مواد اولیه را (مانند چاپخانه که نوشته جات مؤلفین را برای چاپ، خیاط که پارچه را برای دوختن، زرگر که طلا را برای ساختن و...) از

صاحبان آنان دریافت میکنند، اگر به سرقت برود یا در آتش سوزی نابود شود، آیا صاحبان صنایع ضامن هستند یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در چنین موارد چند دسته روایات وارد شده است که ما در کتاب فقه الصادق چنین جمع بین روایات کرده ایم.

که در صورت اتلاف صاحبان صنایع ضامنند.

و در صورت تلف چنانچه امینند ضامن نیستند.

و نیز اگر متهم باشند چنانچه با بینه یا قسم اثبات کنند که تلف شده است و اتلاف در کار نیست ضامن نیستند.

و اگر اثبات نتوانند بکنند ضامنند بر خلاف سایر موارد امانات.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در موارد متعددی مشاهده شده، منزل با تمام وسائل آن برای مدتی به همسایه ای که مورد اعتماد بوده سپرده شده، و در همان مدت وسایل آن به سرقت رفته، یا به فرد امینی سپرده شده که شب ها در آن بخوابد و از آن محافظت کند که بر اثر بی توجهی هنگام کشیدن سیگار به خواب رفته و آتش سوزی شده، آیا ضمان اجناس تلف شده بر عهده او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

امین ضامن نیست.

و چنان چه احتمال داده شود که آن شخص کوتاهی در حفظ اموال نموده و خودش ادعاء کند که هیچ کوتاهی نکرده ام، قول او مسموع است و ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
آیا کسانی که به عنوان نهی از منکر خسارت های گوناگون به مردم وارد میکنند;  
مثلا به صورت زنان بی حجاب اسید میپاشند، کراوات مردان را پاره میکنند و...  
ضامن خسارت های وارده میباشند؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)  
تمام این کارها خلاف شرع است، و حرام.  
و ضامن تمام خسارت ها میباشند.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

امر و نهی کنندگانی که در غیر ایران برای جلوگیری از منکرات اقدام میکنند و در نابود نمودن ریشه فساد (مانند قتل انور السادات) دستگیر و اعدام میشوند، ضمان دیه آن ها به عهده کیست، و آیا لازم است این گونه اعمال با نظر فقیه جامع الشرایط صورت پذیرد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلا اشکال اعدام باید با نظر فقیه باشد.

و الا نه تنها دیه، بلکه قصاص هم ثابت است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کارکنان ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی که حق استفاده خصوصی از اتومبیل، موتور سیکلت و یا هر وسیله دیگر را ندارند، اگر بر خلاف مقررات استفاده کنند، آیا صرفاً گناهکارند یا ضامن مواد مصرفی و استهلاك وسایل موتوری نیز هستند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون دولت و مؤسسه را مالک بدانیم. بنا بر این تصرف در اموال آن‌ها، مانند تصرف در اموال خصوصی افراد است. و ضمان ثابت است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

نگهداری و حمل اشیایی از قبیل: مشروبات الکلی، عکس های سکسی، انواع مواد مخدر، انواع اسلحه های سرد و گرم و... که از نظر شرع یا قانون ممنوع بوده

و

دارندگان، علاوه بر ضبط آن به حبس یا پرداخت جزای نقدی محکوم میشوند، آیا سازندگان این اشیاء و دلال ها و واسطه گرانی که از این راه سرمایه کسب میکنند، ضامن وجوه حاصله خواهند بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

خیر ضامن نیستند، چون آن ها سبب خسارت نیستند.

و وجهی بر ضمان، از قبیل، قاعده اتلاف، قاعده ید، قاعده استیفا، نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

صاحبان واحدهای صنفی که بدون رعایت مسروقه بودن، مبادرت به خرید اجناس مستعمل و طلا و جواهرات میکنند و صاحبان آن را نمشناسند چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه اطمینان به مسروقه بودن دارند، خرید آن ها جائز نیست. و مالك نمیشوند، و باید اموال را به صاحبانش برگردانند. ولی اگر اطمینان ندارند، و احتمال بدهند مسروقه است، و احتمال بدهند که مال خودش است به مقتضای قاعده ید متوانند بخرند. و معامله مال خود آن ها با آن اموال بنمایند والله العالم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فردی اتومبیلی را سرقت کند و پیش از آن که مسروقه بودن آن معلوم شود، اتومبیل را به مغازه صافکاری برده آن را به حساب مالك، قبول کند که اجرت صافکاری و رنگ را از مالك اتومبیل بگیرد، آیا مالك اتومبیل ضامن اجرت صافکاری و رنگ است یا سارق؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه مالك راضي بوده است، یا بعد راضي شود و اجازه دهد، میتواند اجرت را بگیرد، و الا نمیتواند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کسی چند قطعه اسکناس را به نحوی ناقص کند که از استفاده و اعتبار ساقط شود و در عین حال آن را در دسته های بزرگ اسکناس قرار دهد و خرج کند و

این کار مستلزم ایراد خسارت به دیگران شود، آیا ضمان آن به عهده او است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی ضمان به عهده او است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کسی سکه مخدوش یا اسکناس تقلبی را به عنوان صدقه به نابینایان فقیر دهد، آیا اگر هنگامی که نابینا آن را مصرف میکند فروشنده متوجه مخدوش بودن آن نشود، ضمان آن به عهده شخص اول است یا ضمان آور نیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

وجهی بر ضمان نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

آیا استفاده از سکه های تقلبی در تلفن های عمومی و استفاده از کارت های بهادار تقلبی که مخصوص دستگاه های مخابراتی همگانی تهیه شده، ضمان آور است

یا نه؟ اگر ضمان آور است، آیا به طور کلی در حق بیت المال یا در حق شرکت مخابرات؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ضمان آور است در حق شرکت مخابرات، چون خود او مالک است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

نحوه استفاده قانونی چك های مسافرتی این است که شخص خریدار، چك را در بانك شهر دلخواه خود امضا نموده و اسکناس رایج تحویل مگیرد، حال اگر این چك به نحوی رایج شود که مردم با آن معامله اسکناس کنند و صاحب امضای آن مغفول عنه واقع شود و کسی او را نشناسد، چنانچه مخدوش در آید، ضمان آن به عهده چه کسی است، و آیا میتوان بانك را ضامن دانست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ضمان به عهده بانك است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر ولی صغیر از اموال صغیر هبه کند، با توجه به این که نه کسی از صغیر توقع بخشش دارد و نه هبه به مصلحت صغیر است، آیا هبه کننده ضامن آن مقدار از اموالی است که هبه نموده؟ اگر ضامن است، آیا ضامن منافع نیز هست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

هبه ولی در مثل مورد سؤال صحیح نیست.  
چنانچه عین مال موجود است باید برگردانده شود.  
و اگر تلف شده است چنانچه هبه شونده مدانسته است که هبه صحیح نیست او ضامن است.

و اگر نمدانسته هبه کننده ضامن است.

و این تفصیل در منافع هم جاری است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر اداره بیمه هنگام عقد قرارداد حاضر به پرداخت کلیه خسارات طبق نظر کارشناسی شود، ولی نظریه کارشناسی با واقعیت و نرخ بازار تفاوت فاحش داشته باشد، آیا ضمان ما به التفاوت، به عهده اداره بیمه یا کارشناس و یا فردی که موجب خسارت شده میباشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه اداره بیمه هنگام قرارداد، پرداخت خسارت را طبق نظر کارشناس قرار گذاشته.

تفاوت بازار به عهده اداره بیمه نیست.  
کارشناس اگر واقعا نظرش همان باشد که گفته او هم ضامن نیست.  
اگر خلاف گفته ما به التفاوت را او ضامن است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فرض شود وجوهی که اداره بیمه به اولیای دم داده مطابق معمول شرعی بوده، ولی در تقسیم قانون (سهم مرد دو برابر زن است) رعایت نشده و اولیای دم نیز حاضر به ریختن سهام خود روی هم و تقسیم بر مبنای آیه شریفه نباشند که در نتیجه بعضی ورثه به حق خود نرسند، آیا ضمان کسر سهمیه آنان به عهده اداره بیمه است یا افراد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اداره بیمه مانند سایر مدیونین میباشد. وظیفه او در اختیار ورثه گذاشتن مقدار معین از مال است. تقسیم بین وراث وظیفه او نیست. بنابر این ضمان کسر، چنانچه خود اداره بیمه متصدی تقسیم باشد به عهده او است، و الا به عهده افراد است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در پارک بازی، یکی از اولیای اطفال از مسئول قسمت اسب سواری بخواهد  
فرزند او را سوار کند، وی نیز با مراقبت کامل اقدام نماید، ولی اسب رم کرده و  
راکب

بر اثر افتادن از اسب فوت نماید، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه اسب با تنفیر مالک رم کند، فوت قهرا مستند به او است، و قتل غیر عمد  
است، و ضمان به عهده او است.

و اگر بدون تنفیر او باشد، و مستند به او نباشد، ضمان به عهده او نیست.

فقهاء در کتاب دیات چنین فرموده اند:

(ولو القت الدابة الراكب ضمن المالك ان كان بتنفیره و الا فلا)

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در پارک های بازی متعلق به شهرداری یا بخش خصوصی حادثه ای چون فرو ریختن سقف، فرو رفتن زمین های اطراف، چاه های فاضلاب و... رخ دهد و خسارت های جانی یا مالی متوجه مردم شود، ضمان خسارت آن به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ضمان خسارت در این گونه موارد، به عهده هیچ کس نیست، چون خسارت منتسب به کسی نیست.

نظیر این مسأله را فقهاء متعرضند، و روایاتی هم که دال بر این مطلب است متعرضند.

و آن مسأله این که باد شدیدی، وزیدن گرفت از بالا شخصی را به روی کسی انداخت، یکی از این دو نفر بمیرند یا هر دو.

فرموده اند ضمان بر عهده هیچ کس نیست، چون موت منتسب به کسی نیست. و روایاتی هم دال بر این مطلب است.

از همین وجه و روایات حکم مقام هم استفاده میشود به همان گونه که بیان شد. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در پارک های بازی حادثه ای از قبیل پرتاب از چرخ فلک، منجنیق، قطار و... پیش آید و موجب خسارت جانی یا مالی شود، با توجه به این که هر یک از وسایل بازی مسئول مخصوصی دارد، آیا ضمان خسارت به عهده مسئول وسیله یا به عهده مسئول پارک است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اگر خسارت منتسب به مسئول است، او ضامن است، و الا هیچ کس.

و جهی برای ضمان مسئول پارک نیست. (۱)

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

ناخدای قایق های کوچکی که برای تفریح، مردم را سوار کرده و در دریا یا دریاچه های پارک ها دور میزنند و از هر جهت به مسائل قایق رانی آگاهی دارند، آیا ضمان خسارت وارده به سرنشینان قایق به عهده آن هاست یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در ضمان باید خسارت مستند به شخص شود.

و در فرض سؤال مستند به ناخدا نیست.

پس وجهی بر ضمان او نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فرزند بر اثر بی مهری ها، تبعیض ها و نگرانی هایی که پدر برای او فراهم  
مکند دست به خودکشی بزند و فوت کند، آیا ضمانی از این بابت به عهده پدر  
ثابت

است یا صرفاً گناهگار است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

هیچ وجهی بر ضمان ولی نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

پزشکی بر اثر سوابق طولانی که در طب داشته به خود مغرور شده و با يك نگاه سطحی چرك لوزه را به دیفتری اشتباه گرفته که در نتیجه موجب ایجاد روماتیسم قلبی و عمل قلبی و خسارات عمده ای شده است، آیا ضمان همه آن مخارج به عهده

او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

پزشك در مقام معالجه، اگر از مریض برائت ذمه بگیرد، کما این که الان متدوال است ضامن نیست.

و الا اگر مباشرة دوا مخوراند به مریض، یا عملی انجام مدهد ضامن است.

و اگر فقط نسخه منویسد مباشرة عملی انجام نمدهد، به مقتضای قواعد باب ضمان باید بگوئیم ضامن نیست.

ولی يك روایت (در وسائل باب ۲۴ از ابواب موجبات الضمان کتاب دیات) دلالت بر

ضمان میکند، و لذا بر خلاف جمعی از فقهاء حقیر فتوی به ضمان داده‌ام والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر بیماری به پزشك مورد شناخت خود مراجعه کند و او پس از معاینات لازم بیمار را به پزشك متخصص دیگری معرفی کند و بیمار بر اثر اعتمادی که به پزشك اول داشته، بدون تحقیق به گفته پزشك دوم عمل کند، که بر اثر معالجات وی خسارت های مالی یا جانی متوجه بیمار شود، کدام يك از دو پزشك ضامنند؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

پزشك اول که هیچ وجهی بر ضمان او نیست.  
و پزشك دوم همان تفصیل مسأله صفحه قبل در آن جاری است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر پزشك جراح پس از عمل جراحی بعضی از لوازم خود را در شكم مریض جا گذاشته و در اثر سهل انگاری ضایعات و خسارتی از قبیل عمل مجدد متوجه بیمار شود، آیا پزشك ضامن آن خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

جنایتی است غیر عمدی، خسارات وارده به عهده او است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

بیماری که برای معالجه درد شکم يك بار به عنوان آپاندیس و بار دیگر به عنوان اثنا عشر و بار سوم به عنوان سرطان روده تحت عمل قرار گرفته و معلوم شده بیماری وی سرطان روده بوده، آیا دو پزشك قبلی که بر اثر اشتباه در تشخیص مخارج مهمی را متوجه بیمار کرده اند، ضامن همه مخارج هستند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورت تبری نجستن آن دو پزشك ضامنند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

پزشکی قانونی که برای تشخیص بیماری های ناشی از تجاوزات مانند ضرب و جرح و تصادفات و نوع بیماری و درصد صدمات وارده، برای دادگاه ها تأسیس شده،

اگر در تشخیص خود کوتاهی و یا اشتباه کند و از این بابت ضرر مالی متوجه مصدوم

شود، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه پزشك کوتاهی کند ضمان به عهده او است.

و اگر اشتباه کند ضامن نیست.

چون طبیب به مقتضای استخدام از طرف شارع مأمور است به این که آن چه مفهمد بگوید نه آنچه در واقع هست.

بنابر این او به وظیفه خود عمل کرده است، وجهی بر ضمان نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مأمورین دام پزشکی حیواناتی را واکسینه کنند و مسائل قابل توجه پس از واکسینه را به صاحبان دام نگویند و بر اثر عدم رعایت آن، همه حیوانات واکسینه شده بمیرند، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

به عهده دام پزشك است، چون او سبب مردن حیوانات شده است. (۱)

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در کلیه مواردی که بر اثر خطا، سهل انگاری، بی توجهی و یا عمد مأمورین پست، ضرر وزین قابل توجهی به گیرنده یا فرستنده وارد شود و شخص خطاکار شناخته نشود، آیا اداره پست که يك شخصیت حقوقی است ضامن است یا دولت؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

هیچ کدام ضامن نیستند.

و اگر مأمور پیدا شود او ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

تمبرهای باطل نشده که يك بار روی محموله های پستی زده شده و باطل نشده به دست گیرنده رسیده، آیا اگر گیرنده یا شخص دیگری همان تمبر را روی محموله دیگری بزند، ضامن بهای حمل و نقل آن در حق اداره پست میباشد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی ضامن بهای حمل و نقل است، چون تمبر بنفسه مالیت ندارد، و علامت است. و برای يك دفعه.

برای دفعه دوم نمیشود از آن استفاده نمود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فرستنده با علم و آگاهی به خلاف بودن گذاشتن اسکناس در داخل پاکت های عادی، مبادرت به چنین کار کند و نامه رسان هم دلیل خلاف بودن آن، اسکناس را برای خود بردارد و نامه را نرساند، آیا ضامن است و اگر جاهل به آن باشد چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

برداشتن اسکناس خلاف است.

ولی نرساندن آن خلاف نیست.

بنابر این ضامن همان مقدار اسکناس است.

و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر سیم جرثقیلی هنگام جابجایی محموله های سنگین، پاره شود و بر اثر سقوط محموله آن فرد یا افرادی مصدوم یا معدوم شوند، آیا ضمان آن به عهده راننده است یا مالك و یا صاحب کار، و اگر جرثقیل از نوع استاندارد نباشد، به عهده

کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه استاندارد نباشد، به عهده صاحب کار است چون او سبب است. و اگر استاندارد باشد، و راننده دقت کافی نکرده است او ضامن است، چون تلف مستند به او است.

و الا به عهده خود مالك است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در اماکن عمومی غیر دولتی مانند: مساجد، تکایا، حرم امامان و امام زادگان، حوادثی مانند آتش سوزی، فرو ریختن سقف و مواردی از این قبیل پیش آید و تعدادی مصدوم و معدوم شوند، ضمان دیه آن ها به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

هیچ کس ضامن نیست.

بلی در اجتماعات اگر به واسطه فشار جمعیت، یا آن که شخصی بکشد دیگری را، و در آن ازدحام ناپدید شود.

ضمان به عهده بیت المال است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در اماکن عمومی دولتی مانند ۶ کلاس های درس، سالن های اجتماع، ترمینالها، سینماهای دولتی و فروشگاه های وابسته به دولت، سوانحی از قبیل آتش سوزی، فرو ریختن سقف، فرو ریختن زمین و... رخ دهد و تعدادی تلف شوند،

ضمان خسارت آن به عهده دولت است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

خیر، به عهده دولت نیست. چون ضمان وجهی باید داشته باشد.

از قواعد باب ضمان، اتلاف، ید، استیفاء

و هیچ کدام آن قواعد در این موارد بر دولت منطبق نیست.

پس به عهده دولت نمیشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
شاگرد قصاب هنگام چرخ کردن گوشت، شاگرد نجار هنگام رنده کردن چوب و..  
بر اثر سهل انگاری خود موجب قطع انگشت یا عضو دیگر خود میشود، ضمان آن  
به

عهده صاحب مغازه است یا کسی ضامن نیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

کسی ضامن نیست.

مگر آن که در وقت استخدام، شرط ضمان صاحب مغازه در این گونه موارد شده  
باشد.

که در چنین صورتی ضمان ثابت است، به همان گونه که قرارداد شده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر یکی از ادارات، ارگان‌ها، و یا شرکت‌های وابسته به دولت اسلامی وسیله یا ابزار کاری را به کسی بفروشد که تحت شرایط خاصی از آن استفاده کند، آیا اگر خریدار پس از تحویل، جنس را با قیمت بیشتری در اختیار دیگران قرار دهد، سود حاصله را در حق دولت ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در فرض سؤال بیعی واقع شده است، مشروط و مشتری تخلف شرط کرده است. بایع خیار فسخ دارد.

چنانچه فسخ کند معامله اول را متواند، معامله دوم را اجازه دهد.

در آن صورت سود حاصله مال دولت است.

و اگر فسخ نکرد معامله او را سود حاصله مال خریدار است، به دولت مربوط نیست.

بلی خریدار خلاف کرده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

یکی از شعب بانک ها مبلغی به عنوان مضاربه جهت اتمام طبقه دوم شخصی داده، حال اگر بر اثر حادثه غیر مترقبه ای مانند زلزله طبقه اول هم خراب شود، آیا گیرنده وجه (عامل) ضامن است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

وجهی بر ضمان نیست.

بلی آن عملی که مضاربه بر آن بوده، فعلا ممکن نیست، قهرا مضاربه فسخ میشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بانک ضمن فروش مقداری ارز خارجی با مشتری خود شرطی را قرار دهد و خریدار شرط را پذیرفته و پس از دریافت ارز بر خلاف تعهد عمل نموده و از این راه سودی حاصل کرده باشد، آیا ضامن کلیه وجوه به دست آمده و در حق بانک میباشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

مورد از موارد تخلف شرط است، در این موارد بایع خیار فسخ دارد.

اگر فسخ نکند مشتری ضامن نیست.

اگر فسخ کند کلیه وجوه به دست آمده مال بانک است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر دولت مردان جمهوری اسلامی با دولت مردان کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی قراردادی امضا کنند که باعث خسارت به اسلام و مسلمین شود و از طرفی دولت اسلامی قدرت فسخ قرار داد را به طور يك جانبه نداشته باشد، ضمان خسارت وارده به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

دولت مردان حق قراردادی که موجب خسارت به اسلام و مسلمین بشود ندارند. بنابر این آن قرارداد باطل است، و خسارات وارده مستند به آن ها و طرف شان میباشد مشترکاً ضامنند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

کسی که هنگام گرفتن پروانه ساختمانی متعهد به انجام اموری مانند عقب نشینی، شناژبندی و... شده، اگر پس از گرفتن پروانه بر خلاف تعهد عمل کند

به نحوی که عدم توجه به تعهد موجب خسارت به همسایگان شود، آیا عمل او ضمان آور است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

با فرض استناد خسارت به عدم توجه به تعهد.

به مقتضای عمومات ضمان به عهده گیرنده پروانه است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسی که به ناچار برای انجام مأموریت در شب از شهر خارج شده و مورد تهاجم حیوان وحشی قرار گرفته و جان خود را از دست داده، آیا شخص مأموریت دهنده ضامن دیه او است یا اداره مربوطه یا بیت المال؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون مأمور، مجبور به خروج از شهر، به نحوی که اختیار از او سلب شود نبوده، و به

اختیار خود خارج شده است.

چنانچه يك غرض عقلائی داشته مانند آن که اگر شب خارج نشود از کار بر کنار می شود.

در این مورد فقهاء فرموده اند مأموریت دهنده، ضامن است، لبناء العقلاء.

ولی به نظر من تمام نیست، و وجهی بر ضمان قبول ندارم.

و اگر غرض عقلائی آن چنانی نبوده بلا اشکال کسی ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
اگر باز شکاری شخصی، کبوتر تعلیم دیده شخص دیگری را شکار کند، آیا صاحب باز ضامن کبوتر است یا نه، و اگر ضامن است آیا ضامن بهای نفس کبوتر است یا ضامن بهای کبوتر تعلیم دیده؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)  
چون مالك باز شکاری موظف به حفظ آن باز هست.  
چنان چه تفریط کرده باشد در حفظ،  
ضامن بهای کبوتر تعلیم دیده هست.  
و الا ضامن نیست.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در میدانی که دو خروس را به جنگ هم انداخته اند فردی از باب دلسوزی خروسی را که در معرض هلاک بوده گرفته و فراری داده، آیا ضمانتی از این بابت متوجه او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه دسترسی به آن خروس پیدا نشود ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۶ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

گاو یا شتری که در معابر عمومی برای پیدا کردن علوفه و خوارک پرسه مزند، به فردی حمله نموده و او را کشته است، اگر اولیای مقتول حیوان را کشته باشند، ضمانی به عهده صاحب حیوان یا اولیای مقتول مستقر شده یا نه؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه به حسب متعارف حیوان نحوی باشد که رها میکنند. آن را و به کسی آسیب نمرساند.

تصادفا این پیش آمد شده است کسی ضامن نیست.  
و چنانچه به حسب متعارف باید حیوان را محافظت نمایند و رها نکنند.  
در این صورت مالک حیوان ضامن خسارت وارده است.  
و روایاتی دال بر این معنی است، البته روایات السنة مختلفه دارد.  
ما به این نحو جمع بین روایات کرده ایم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در اطراف بندرعباس، زاهدان و ایرانشهر رسم بر این است که مردم شترهای خود را بدون ساربان راهی بیابان میکنند، اگر بر اثر مستی، یکدیگر را بکشند، یا بر اثر توقف در جاده های آسفالته عمومی خصوصا در سر پیچ ها و در شب موجب بر خورد با وسایط نقلیه شوند و از این راه خساراتی را متوجه رانندگان کنند و خود نیز بمیرند، آیا ضمانتی به عهده رانندگان از جهت مردن شتر و به عهده صاحبان شتر از جهت خسارت به راننده مستقر میشود یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

از آن چه در مسأله قبل گفته شد، حکم این مسأله معلوم میشود.  
یعنی ضمان بر مالک شترها نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اجناس مغشوشی که به بازار عرضه مشود، آیا غش کننده ضامن ما به التفاوت است یا عرضه کننده، و اگر معامله در کالای مغشوش باطل باشد، آیا ضمانی به عهده

خریداری که خود را صاحب جنس میداند و از مغشوش بودن آن اطلاعی ندارد آمده، و یا ضمان این مورد نیز به عهده غش کننده است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

غش فی نفسه از محرمات است، و روایات زیادی دال بر آن است.

و اما حکم معامله واقعه بر جنس مغشوش.

چنانچه خریدار بداند مغشوش است معامله از جهت غش باطل نیست.

و اگر نداند و بایع بداند غش را.

چنانچه معامله بر کلی واقع شود در مقام اداء جنس مغشوش داده شود. بیع صحیح است.

ولی باید جنس مغشوش را عوض کند.

و چنانچه معامله شخصی باشد و معامله متعلق به همان جنس خارجی باشد.

در صورتی که وصفی که مورد معامله است به اصطلاح از صور نوعیه است، مثل این

که موجود خارجی را بفروشد به عنوان طلا معلوم شود مس مذهب است، معامله

باطل

است.

و در صورتی که از صفات کمالیه باشد معامله صحیح است، ولی مشتری خیار فسخ

دارد مسأله احتیاج به تفصیل بیشتر دارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اغذیه فروشان و آب میوه و بستنی و فالوده فروشانی که اجناس آماده مصرف در اختیار مشتریان خود قرار مدهند، اگر جنس آنان مسموم شده و مشتری را مسموم نماید به نحوی که خسارت های مالی یا جانی بیار آورد، ضمان آن به عهده فروشنده است یا تهیه کننده؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه بایع بداند مسموم است، ضمان دارد، و به عهده فروشنده است. و اگر نمدانسته و تهیه کننده مدانسته او ضامن است. و اگر او هم نمدانسته دیه بر عاقله است چون قتلی که واقع شده است قتل خطائی است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر شرکت مسافری از راه فروش بلیط، اتوکاری را تا مقصد معینی اجاره داده و در بین راه، اتوکار شرکت به نحوی خراب شده که قدرت رساندن به مقصد را ندارد،

آیا ضمان رساندن مسافرین گرچه با اجاره نمودن تو کار دیگر به عهده شرکت و راننده است یا ما به التفاوت بهای بلیط؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اگر تمکن از رساندن به مقصد را دارد، با اتوکار دیگر که مانند همین اتوکار است، لازم است این کار را بکند.

و الا اجاره فسخ میشود بقاء و اجاره دهنده باید ما به التفاوت را پردازد. و چنانچه اجاره متعلق به رساندن به مقصد باشد، و متعلق بسیر نباشد، اجاره از اصل باطل است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

تاکسیرانی که بیش از قیمت های تعیین شده از مسافرین درخواست میکند، اگر مسافر فقط قیمت تعیین شده را پردازد، نسبت به مازاد ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون دولت تسهیلاتی را برای تاکسیران فراهم میکند، و در ضمن آن ها شرط میکند بیش از قیمت تعیین شده مطالبه نکند.

پس نسبت به مازاد ضامن نیست.

خصوصا اگر بعد از رسیدن به مقصد مطالبه کند، چون ظاهر حال این است که با همان قیمت تعیین شده معامله میشود.

بنابر این حق مطالبه زیادی را ندارد.

(هامش تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر دیوانه ای به کسی حمله کند و او از ترس جان خود برای دفع حمله دیوانه، وی را مضروب کند که احیاناً به مرگ دیوانه منجر شود، آیا ضارب ضامن دیه او است،

یا عاقله وی و یا بیت المال؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در این مسأله چند روایت وارد است، و به نظر ما جمع بین آن ها به این است که (همان گونه که در روایت معتبر امام باقر (ع) مفرماید).

چنانچه دیوانه حمله کند به شخصی و آن شخص از خود دفاع کند، دیوانه کشته شود دیه را از بیت المال مدهند.

و چنانچه ابتداء دیوانه را بکشد قصاص ندارد.

ولی دیه بر او در مال خودش واجب و ثابت است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

راننده ای که اجیر شده باری را حمل کند و وسیله نقلیه وی بیمه است، آیا هنگام بروز خسارت، راننده ضامن است یا اداره بیمه، و اگر اداره بیمه ضامن باشد و وجوه پرداختی وی جبران خسارت نکند، ضمان بقیه خسارت به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه خسارت مستند به راننده نباشد راننده ضامن نیست.

و چنانچه مستند به او بشود او ضامن است.

اداره بیمه بر حسب قرارداد چیزی میدهد.

و اگر در قرارداد ذکر شده است تمام خسارت را بدهد.

در فرض سؤال تمام خسارت به عهده اداره بیمه است.

و اگر قید شده است مقداری از آن مثلا ۸۰ در ۱۰۰، ۲۰ درصد را بدهد باقی به عهده

راننده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر راننده ای پس از تصادف مدعی شود صاحب اتومبیل او را از نواقص اتومبیل مطلع نکرده، حال با توجه به این که هر راننده ای باید هنگام استفاده از هر اتومبیلی به نواقص اولیه آن که موجب تصادف میشود پی ببرد، آیا ادعای او مسموع است یا ضامن خسارات وارده میباشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون راننده موظف است هنگام استفاده، به نواقص اولیه پی ببرد، و در فرض سؤال چنین نکرده.

پس تفریط کرده است و ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مواردی که مسافر زیاد است و اتوبوس های مسافربری کفاف نقل و انتقال همه مسافرین را نمکند و رسانه های جمعی نیز به رانندگان اتومبیل های شخصی توصیه جابجایی مسافرین را بکنند، اگر راننده ای بدون اسقاط ضمان مسافرین را سوار کند و دچار پیشامد شود آیا ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورت استناد پیشامد به راننده ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در موارد بسیاری دیده شده شاگردی یا کمک راننده کامیون در حال حرکت وسیله نقلیه، روی صندلی سمت شاگرد درازکش کرده و پاهای خود را از شیشه سمت راست خارج میکند، با توجه به این که راننده شاهد این امر خلاف بوده و وی را نهی نکرده، ضامن خسارت وارده به وی میباشد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که شاگرد مذکور متوجه بوده که ممکن است تصادف کند، راننده ضامن نیست.

چون ضمان باید به واسطه یکی از قواعد ضمان از قبیل، ید، اتلاف، و استیفاء باشد. و هیچ کدام در فرض مورد ندارد. پس وجهی بر ضمان او نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اتومبیل های شخصی که از جهت کلاچ و ترمز دوبله نیستند و از نظر مقررات نباید در جهت تعلیم رانندگی قرار گیرد، اگر بر خلاف مقررات مورد تعلیم قرار گرفته

و خسارتی پیشامد کند، ضمان آن به عهده معلم است یا نوآموز؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون سبب در فرض سؤال اقوی از مباشر است، قهرا ضمان به عهده او است، یعنی ضمان بر معلم است.

بلی چنانچه خسارت مستند به نواقص اتومبیل نباشد، و معلم کوتاهی نکرده است ضمان به عهده نوآموز است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اتوبوس های خط واحدی که اختیار باز و بسته نمودن درب های آن به دست راننده است و می داند نباید قبل از توقف کامل، درب را باز کند یا هنگام حرکت درب را باز بگذارد، اگر راننده بر خلاف مقررات درب را باز بگذارد و مسافری سقوط کند و

خسارت جانی یا ملی وارد شود، آیا ضمان آن به عهده راننده است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی به عهده راننده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر رانندگان اتومبیل‌ها آژیردار، مانند آمبولانس و آتش‌نشانی در حال مأموریت‌های اضطراری و فوری که مجاز به استفاده از سرعت بیشتر و هم‌زمان مجاز به استفاده از آژیر بوده و آژیر نیز معنای اعلام عمومی و زنگ خطری برای همه افراد اعم از راننده و عابر پیاده است، تصادفی کند و خسارتی پیش آید، ضمان آن در این فرض به عهده راننده است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون چنین قوانینی برای مصلحة عامة مسلمین است، و راننده هم به وظیفه عمل میکند، در چنین موارد ضمان بر او نیست. و چنانچه کسی تلف شود، و خود او مقصر نباشد، دیه او بر عهده بیت المال است والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر سران دولت اسلامی که با بسیاری از دول دنیا در اموری از قبیل حقوق هوایی، دریایی، فرهنگی، بازرگانی و... هم عهد شده اند، از باب بی توجهی یا ندانم کاری و یا قلدری به یکی از کنوانسیون های امضا شده در کنفرانس های بین المللی (قبل از نسخ) بی اعتنائی کنند و از این رهگذر به بعضی اشخاص حقیقی یا حقوقی خساراتی وارد کنند، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

عهدهایی که حکومت اسلامی، با دول دیگر میندد، باید به همه آن ها عمل کند، همان گونه که خود پیغمبر صلی الله علیه وآله، چنین مکردند.

پس کسی که توجه به آن ها نکند مقصر است، قهرا ضامن خسارات هم میباشد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

خساراتی که بر اثر تیرگی روابط بین المللی در کشورهای دو طرف پیش می‌آید، مثلاً بر اثر حمله عراق ساکنین غیر نظامی ایران و بر اثر حمله ایران، ساکنین غیر نظامی عراق متحمل خسارت میشوند، ضمان آن به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که حمله ایران به عراق، مثلاً بر طبق موازین اسلامی باشد، ضمان خسارت به عهده آنان نیست.

و لذا در روایات است که اگر کفار مسلمانان محل را سپر قرار دهند، لشکر اسلام میتواند با آن‌ها بجنگد، ولو مسلمانان کشته شوند، و دیه هم ندارد.  
در يك روايت از امام صادق عليه اسلام سؤال میکنند که اگر در شهری از شهرهای کفار حربی مسلمانان و اساری و بچه‌ها و... باشند آیا میشود با وسائل حرب حمله به آن شهر نمود.

مفرماید بلی دیه هم ندارند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بر اثر تیرگی روابط بین دو کشور به افرادی که اعراض و دماء و اموال شان محترم است، خسارتی وارد شود، مثلاً هر کشور تبعه کشور دیگر را از کشور خود خارج کند و از این رهگذر همه یا بسیاری از اموال آنان تلف شود، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه ماندن آن افراد، در آن مملکت صلاح نباشد، و خروج آن ها هم بدون تلف اموال ممکن نیست.

ضمان به عهده هیچ کس نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال: افرادی که در کشورهای بیگانه بدون در نظر گرفتن ضوابط و مقررات آن کشور، اقدام به برگزاری میتینگ نمایند و مورد تهاجم پلیس آن کشور واقع شوند، ضمان خسارت های وارده به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در فرض سؤال ضمان خسارت ها به عهده هیچ کس نیست. اداره هر مملکتی به عهده سران آن مملکت است. و تهاجم پلیس هم چنانچه روی میزان باشد، و زیاده روی نکنند کار خلافی نیست، و راهی بر ثبوت ضمان به عهده کسی نیست. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

شخصی گفت در جمعه خونین مکه وقتی مشاهده کردم بر اثر تشنگی، جان مردم در معرض تلف است دستور دادم کیوسک نوشابه فروشی که بسته بود را باز کرده و نوشابه های آن را بین مردم تقسیم کردم، آیا این کار با توجه به این که حال صاحب کیوسک معلوم نیست، ضمان آور بوده، اگر بلی، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

کاری که کرده است جائز بوده.  
ولی به هر حال مال مردم را تلف کرده است.  
قهرا به حکم قاعده اتلاف ضامن است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بر خلاف قوانین و مقررات جاری کشور در روزنامه ای علیه فرد یا افراد، مقاله توهین آمیز درج کنند و به او اجازه جواب گویی ندهند و از این طریق مردم را به

فحاشی و ناسزاگویی علیه وی برانگیزند، ضمانتی به عهده آن روزنامه نگار خواهد آمد

یا صرفاً گناهکار است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

گرچه این گونه اعمال از بدترین اعمال حکومت است. ولی نفهمیدم ضمان چه چیزی احتمال داده شود به عهده کسی باشد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

در مواردی که روزنامه نگاران بر اثر درج مقالات توهین آمیز علیه اشخاص موجب تحريك مردم شوند، و از این راه خسارات جانی یا مالی متوجه آن شخص شود، آیا ضمان آن به عهده روزنامه نگاران است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ضمان خسارت به عهده همان اشخاص حمله کننده است، نه روزنامه نگاران. ولو آن روزنامه نگاران بسیار کار کثیفی نموده اند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بر اثر جوسازی، فردی را دستگیر و بازداشت کنند و روزنامه نگاران پیش از ثبوت جرم، دست به نشر اتهامات واهی بزنند و از این طریق وی را مفتضح کنند، آیا ضمان خسارات مادی و معنوی به عهده آن هاست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

روزنامه نگاران خلاف شرع نموده اند.

ولی ضمان ندارند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

مردی که زن دوم اختیار کرده و به علت بی عدالتی نسبت به همسر اول خود در امور همخوابگی بی اعتنا بوده و موجب شده همسر وی با دیگران ارتباط نامشروع برقرار کند، آیا اگر از این بابت خسارت مالی یا جانی متوجه زن شود شوهر ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

نخیر شوهر ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

زنی که برای رسیدن به طلاق از شوهر خود متوسل به هر حيله و نيرنگ شده، اگر با راهنمایی دیگری دارویی به شوهر خورانیده و وی را به حالت عنین در آورده تا

در دادگاه موفق به گرفتن مجوز طلاق شود، آیا اولاً طلاق وی صحیح است مهریه، نفقه ایام عده، مخارج ازدواج مجددی که شوهرش کرده، به عهده او است یا به عهده

راهنما؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

زنی که با خوراندن دارو شوهرش را به حالت عنین در آورده است. اولاً ديه عنین نمودن بر او ثابت است، و آن يك ديه کامل است که ظاهر بعضی روایات است، یا دو ثلث ديه که فقهاء فرموده اند. و ثانياً آنچه از روایات استفاده میشود، این است که عنین شدن، اگر مستند به زوجه باشد، موجب خیار فسخ نمیشود. و ثالثاً عنین شدن اگر دائمی نباشد، و برای مدت خاصی باشد موجب خیار فسخ نمیشود.

و بر فرض صحت طلاق در فرض عدم دخول نصف مهر. و در فرض دخول (که خلف فرض صحه طلاق و فسخ است) تمام مهر. و اما مخارج ازدواج مجددی که شوهرش کرده است، بر عهده او نیست. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

زن متعه ای که در صورت تضييع حق شوهر، حق بيرون رفتن از منزل را ندارد، با حق نفقه نداشتن او منافات دارد. حال اگر مردی در ضمن عقد متعه با زن شرط خارج نشدن از منزل کند، و از پرداخت نفقه نیز امتناع نماید، اگر زن به قدر نفقه از مال شوهر بردارد ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اگر شرط کنند که نفقه بدهد و به شرط عمل نکند، میتواند از مال شوهر بردارد، و ضامن نیست.

ولی اگر شرط نکنند حق برداشتن، از مال شوهر ندارد. و اگر بردارد ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

زنی که مدانسته باکره نیست و به عنوان باکره شوهر کرده و شوهر نیز هنگام عقد شرط بکارت کرده و پس از عقد و مزاجت، شوهر ادعای خسارت نموده، آیا زن

ضامن خسارات وارده به شوهر است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

زنی که شرط شده است، باکره باشد معلوم شود، باکره نبوده، شوهرش فقط میتواند از مهر به مقدار نسبت بین مهر، باکره، و غیر باکره، نصف یا ثلث یا... از مهر

مسمی پس

بگیرد.

خسارات دیگر را زن ضامن نیست.

(هامش): تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹

سؤال:

اگر زن شوهرداری بر اثر ارتباط نامشروع با دیگران باعث دل سردی شوهر خود شود و شوهر به طلاق وی اقدام کند و از این راه متحمل خسارت مالی شود، ضمان خسارات وارده به عهده کدام يك از زن یا مرد اجنبی است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در این مورد به خصوص روایتی یا فتوای فقیهی نیست.  
اگر ضمان باشد، باید در تحت یکی از ادله عامه ضمان باشد قاعده ید - قاعده اتلاف - استیفاء.

و یا شرطی در ضمن عقد باشد به پرداخت خسارت مذکور.  
و چون هیچ کدام از این قواعد منطبق بر مقام نیست.  
ضمان خسارت وارده به عهده هیچ کدام، از زن، یا مرد اجنبی نیست.  
ولو معصیت کبیره مرتکب شده اند.  
بلی حاکم شرع میتواند آن ها را تعزیر کند.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

شوهری که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر دارد بوده و اگر قبل از عقد آن را ابزار  
مکورد، کسی حاضر به ازدواج با وی نمی شد، اگر کسالت خود را کتمان کند و  
پس از

مجامعت همسر خود را دچار بیماری غیر قابل علاج کند، ضامن خسارات مالی  
مباشد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون سبب بیماری همسر، شوهرش بوده است.

ضامن خسارات میباشد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

کسانی که اجناس مغازه خود را برای جلب توجه مشتریان بیرون مغازه گذاشته و سد معبر میکنند، اگر عابر هنگام عبور، ناخود آگاه به آن ها بر خورد کند و بر اثر ریختن یا شکستن، خسارتی وارد شود، عابر ضامن است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

يك دسته روایات دلالت دارد، بر این که هر چیزی که مضر به راه و عبور مسلمین باشد، صاحب او ضامن است.

بنابر این عابر ضامن نیست.

بلکه ضمان به عهده خود مغازه دار است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر عوامل شهرداری، سازمان آب، گاز، مخابرات و یا هر اداره و ارگان دیگر، در معبر عمومی اقدام به حفاری کنند و هنگام تعطیلی (موقع ظهر یا شب) اطراف آن را مانع گذاری نکنند که از این بابت به عابرین سواره یا پیاده خسارات مالی یا جانی وارد شود، آیا عاملین ضامن خواهند بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه حفاری وسیعی باشد، و به حسب متعارف، به واسطه وسعت، و روشنی آن، مرسوم نباشد مانع گذاری.

عاملین ضامن نیستند چون حفاری که برای مصلحت مسلمین باشد، و کار خلاف متعارف هم نکنند، صاحب آن ضامن نیست.

ولی اگر کم باشد و به حسب متعارف، در این گونه موارد هنگام تعطیلی مانع گذاری میکنند، و در این مورد نکردند ضامنند.

این تفصیل را حقیر از روایات خاصه وارده از حضرات ائمه اطهار علیهم السلام استفاده کرده ام.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

درخت هایی که دو طرف خیابان هاست و متعلق به شهرداری است، اگر هرس نکردن شاخه های آن ها موجب ضررهای مالی یا جانی به عابرین شود، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه ضررها به واسطه يك پيش آمد غير مترقبه مانند طوفان شديد باشد، به عهده شهرداری نيست.

و چنانچه به واسطه امور عادی جاری باشد.

اگر شهرداری تعهد ولو عملی ندارد، که هرس کند شاخه ها را باز ضامن نيست. ولی اگر تعهد دارد ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کسی در خیابان ها و جاده های اصلی یا فرعی که محل عبور و مرور عامه مردم است، مصالح ساختمان یا چیزهای دیگر بریزد و موجب سد معبر و تصادفات شود و از این بابت موجب خسارت های جانی و مالی شده باشد، آیا ضمان آن به عهده سد کننده معبر است، یا صاحبان وسائل نقلیه که تصادف کرده اند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه صاحبان وسائل نقلیه جاهل به بودن مصالح در آن محل باشند، ضمان به عهده سد کننده معبر است.

و اگر عالم باشند به عهده صاحبان وسائل نقلیه است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر داخل زمینی که دارای دیوارکشی است و جزو معابر عمومی نیست، چاهی حفر کنند و شب یا روز کسی در آن بیفتد و بمیرد، ضمان دیه او به عهده کیست و آیا

زمین بدون دیواری که معبر نیست نیز همین حکم را دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه زمین ملك خودش است ضامن نیست.

و اگر ملك غیر است یا راه عبور مسلمانان است ضامن دیه و خسارات میباشد اگر عابر جاهل به حال باشد.

و اگر عالم باشد کسی ضامن نیست.

این فتوی مضمون چند روایت است که در (وسائل باب ۳ من ابواب موجبات الضمان کتاب دیات) ذکر شده است فقهاء هم بر طبق آن ها فتوی داده اند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بدون پرداخت سرقفلی مغازه ای را اجاره کنند و پس از مدتی که محل معمور شده از مستأجر بخواهد مغازه را تخلیه کند و او به دلیل عمران منطقه درخواست مبلغی کند، مالک نیز به این دلیل که اگر امتناع کند مستأجر تخلیه نمکند یا از راه شکایت مبلغ بیشتری می گیرد، مبلغی به مستأجر مدهد، آیا مستأجر ضامن وجه دریافتی است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که مستأجر سرقفلی به مالک نداده باشد. اگر در اثناء مدتی که در اجاره او است مطالبه مبلغی بکند برای تخلیه، و به هر طریق آن مبلغ را بگیرد حلال است و ضامن نیست. و اگر بعد از تمام شدن مدت اجاره باشد. چنانچه شخص ثالثی از او تقاضا کند که محل را تخلیه کند، تا او اجاره کند - مستأجر، از او مبلغی بگیرد حلال و ضامن نیست. و چنانچه مالک از او بخواهد که تخلیه کند - مستأجر حق مطالبه مبلغی را ندارد. و اگر با شکایت آن مبلغ را بگیرد، بدون رضایت مالک ضامن است. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر توسط یکی از شرکاء به شرکتی که بیمه شده خسارتی وارد شود و مبلغی که اداره بیمه در جهت جبران خسارت پرداخت میکند همه خسارت را جبران نکند، آیا ضمان بقیه خسارت به عهده شريك مقصر است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی ضمان بقیه به عهده خسارت وارد کننده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر شریکی به مسئولیت خود بر خلاف مقررات شرکت معاملات سودآوری انجام دهد و شرکای دیگر به همین جهت خلاف وی را امضا کنند، آن شریک پس از آن معامله دیگری انجام دهد و زیان کند، آیا ضامن زیان وارده بوده یا امضای گذشته حاکی از رضایت آینده نیز هست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

امضا گذشته در صورتی که، فقط امضا آن معامله باشد، چطور ممکن است حاکی از رضایت آینده بشود.

خیر ضمان زیان وارده به عهده خود او است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر دولت اسلامی استفاده و شکار حیوانات و پرندگان وحشی از قبیل آهو، بز کوهی، کبک و غیره را پس از دریافت و پروانه شکار در فصول مخصوصی از سال مجاز کرده باشد، و افرادی بدون توجه به ضوابط با پروانه یا بدون پروانه اقدام به شکار کنند، ضامن بهای چیزی که شکار کرده اند در حق بیت المال هستند یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه حکومت به خصوص حکومت اسلامی، مقرراتی را برای این گونه موارد به رعایت مصالح امت قرار دهد، بلا اشکال نباید مخالفت کرد. ولی ضمان در مورد سؤال وجهی ندارد، مگر آن که دولت مقرر کند که چنانچه شکار

حیوانات مخصوصی نمود، باید فلان مبلغ به دولت پردازد. در آن صورت هم هر گونه قرار داد شده است باید عمل شود. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کسی از پرندگان حلال گوشت وحشی که همه ساله مهاجرت میکنند و تحت مراقبت سازمان حمایت از حیوانات وحشی قرار دارند و صید آن ها خلاف مقررات بین المللی است صید کند، آیا به این لحاظ که جمهوری اسلامی نیز از آن ها

حمایت کرده، ضمان آور است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

با خصوصیتی که در سؤال ذکر شده است معلوم میشود: عقلاء بنا دارند در تمام ممالک به این که حیوانات مذکور با تحت حمایت دولت ها قرار گرفتن ملك دولت ها میشود.

و چون شارع مقدس ردع نفرموده، میتوان فتوی داد که آن حیوانات در ایران ملك جمهوری اسلامی است.

بنابر این صید آن ها بر خلاف مقررات، و ضمان آور است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

طبق قوانین جاری کشور جمهوری اسلامی که از مصوبات زمان طاغوت است و فعلا به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده و مشابه آن نیز در سال ۱۳۵۸ به تصویب جمهوری اسلامی رسیده، وجوه حاصله از طریق صید و شکارهای غیر قانونی را جزو

درآمدهای دولت محسوب دانسته و باید به خزانه داری کل (بیت المال مسلمین) واریز نمایند، آیا اگر برخی از مأمورین سازمان نسبت به موارد کوتاهی یا گذشت های

بی مورد کنند، نسبت به آن ضامن خواهند بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

با خصوصیتی که ذکر شده است در سؤال ضمان ثابت است. به عبارت دیگر چون فرض این است که بناء عقلاء در تمام ممالک بر این است که اموال بلا مالک با حیازت دولت های ملک آن ها میشود. و در جمهوری اسلامی نیز چنین است، و شارع هم امضا نموده. بنابراین گذشت بی مورد مأمورین جلوی ضمان را نمگیرد. ولی خود افرادی که صید یا شکار میکنند ضامنند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کسی ضامن بدهی دیگری شده و طلبکار طلب خود را از او نگرفته، چنانچه ضامن به خیال این که طلبکار طلب خود را به وی بخشیده، مبلغ مورد ضمانت را از بدهکار گرفته و برای خود برداشته باشد، آیا ضمانت کننده در صورت بخشیدن طلبکار ضامن مبلغ دریافتی است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه طلبکار ابراء کند ذمه ضامن را ضامن، مبلغ دریافتی را باید پس بدهد. ولی اگر ابراء نکرده است بلکه بخشیده و هبه نموده است، که ظاهر سؤال این است ضامن مبلغ دریافتی نیست والله العالم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مسئولین بانک در مورد توان و عدم توان باز پرداخت ضامن تحقیق لازم را نکنند و صرفاً به داشتن پروانه کسب یا دسته چک بانکی اکتفا کنند و پس از انقضای مدت، ضامن قدرت پرداخت نداشته باشد، مسئولین بانک ضامن و جوهی هستند که قرض داده اند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون مسئولین بانک اختیار تام در دادن قرض به افراد را ندارند. حتی به کسانی که تمکن از اداء آن را ندارند.

بنابر این در فرض سؤال تقصیر نموده.

قهر مسئولین بانک ضامن و جوهی که قرض داده اند میباشند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر ظرف طلا و نقره ای را برای استفاده کاری که استفاده آن در ظرف طلا و نقره حرام است با شرط اسقاط ضمان عاریه کنند و ظرف در دست عاریه کننده تلف

شود، آیا ضامن است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در فرض سؤال عاریه باطل است، و به تبع آن شرط هم کان لم یکن است. ولی چون قاعده (مالایضمن بصحیحه لایضمن بفاسده)، قاعده ای است تمام و مستدل.

و عاریه مفروضه اگر صحیح بود ضمان نداشت، حال که فاسد است، نیز ضمان ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در عاریه مضمونه چیزی که قطعات یدکی آن اصلی و مشابه دارد، عاریه کننده برای تعمیر چیزی که عاریه کرده در عین این که قطعات آن اصلی بوده، از قطعات مشابه استفاده کند، آیا نسبت به آن ضامن است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه استفاده از قطعات مشابه خلاف شرط باشد، و خسارتی را موجب شود - ضامن آن خسارت میباشد -.

و الا با فرض عدم خسارت و عدم تلف وجهی بر ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر عاریه گیرنده از غصبی بودن مال مطلع نبود و عاریه نیز غیر مضمونه بوده و در دست عاریه گیرنده تلف شده باشد، آیا ضمان آن به عهده عاریه دهنده (غاصب) است یا عاریه گیرنده؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

همان گونه که در مسأله قبل گفته شد عاریه گیرنده ضامن نیست.

برای این که، مالایضمن بصحیحه لایضمن بفاسده.

و عاریه دهنده چون غاصب است، و دادن عاریه هم مورد نداشته، و مال غیر را به غیر

رضای او در معرض تلف، بدون ضمان قرار داده است ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۷ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر کسی در دوران طاغوت که امر و نهی او مطاع نبوده، از طریق حفاری غیر مجاز عتیقه ای به دست آورده باشد و از راه فروش آن مالی کسب کند، آیا مالک

آن شده یا باید آن را تحویل سازمان میراث فرهنگی دهد یا داده باشد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه عتیقه را در زمین مباح - یا مملوك امام (ع)، یا مملوك همه مسلمانان مانند (اراضی مفتوحه عنوه) یا (اراضی خراجیه).

یا مملوك خودش که با احياء مالک شده باشد - یا با خریدن و علم به آن که آن عتیقه مال مالک سابق نیست، به دست آورده باشد.  
مال خودش میباشد.

و وجوه حاصله را نباید تحویل سازمان میراث فرهنگی بدهد والله العالم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر از نظر قوانین جاری کشور جمهوری اسلامی حفاری جهت به دست آوردن اشیای عتیقه، گنج و... خلاف قانون باشد، آیا کسانی که در خلاف مقررات اقدام به

حفاری نموده و اشیای عتیقه ای به دست ماآورند و از این راه صاحب سرمایه شوند، آیا نسبت به کل مبلغ حاصله ضامن هستند یا نسبت به بعضی؟ و نسبت به حکومت های غاصب چه حکمی دارد؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

نمیدانم این قانون موافق شرع است یا نه. و یا این که قانونا اگر کسی بدون رعایت مقررات استخراج کرد، مالک میشود یا نه، ضمان فرع عدم مالکیت است. و فرقی بین حکومت غاصب و غیر غاصب نیست. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر قاضی به مجرد این که نگهداری اشیاء عتیقه خلاف قانون است، بدون توجه به این که دارنده آن چیز، از راه مشروع؛ مثل ارث و خرید مالک شده یا از راه غیر مشروع، قصد خارج کردن از کشور را داشته یا نه، بدون آن که دستور پرداخت بهای آن را به مالک بدهد، حکم به مصادره آن دهد، آیا قاضی ضامن است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

با فرضی که شده است قاضی ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسانی که خود را برای عبور دادن افراد از مرزهای بین المللی آماده کرده و به طور قاچاق افراد را عبور می دهند آیا ضامن و جوهی هستند که از این بابت مسگیرند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

مخالفت حکومت خصوصا حکومت اسلامی، در صورتی که منع از چیزی به عنوان، رعایت مصالح مملکتی، و عامه مردم بنماید جائز نیست. بنا بر این اگر منع از عبور قاچاق از این حیث باشد قهرا حرام است. و پول گرفتن در مقابل عمل محرم غیر جائز است، و موجب مالکیت گیرنده نمیشود.

پس قهرا افراد عبور دهنده ضامن آن وجوه میباشند. مگر آن که پول دهنده ها راضی به تصرف آن ها باشند که خیال میکنم غالبا چنین است.

در آن صورت ضامن نیستند.

و چنان چه منع حکومت به رعایت حال خود افراد باشد، که به اصطلاح علمی نهی ارشادی باشد عمل حرام نیست، و پول گرفتن در مقابل آن جائز است. در این صورت هیچ وجهی بر ضامن عبور دهنده ها نیست. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
اگر بر اثر به نمایش گذاشتن برخی فیلم های ژاپنی و غیره، حال و هوای دیگری  
در جوانان کشور پیدا شود و اقدام به خروج غیر قانونی از کشور نمایند و خساراتی  
را  
از این بابت متحمل شوند، آیا ضمانتی به عهده دست اندرکاران صدا و سیما خواهد  
بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

و جهی بر ضمان آنان نیست چون صدا و سیما سلب اختیار نمکند.  
پس عمل مستند به مباشر است نه سبب.  
بنابر این ضامن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چون دولت اسلامی در مقابل هر خروج قانونی از کشور، مبلغی به عنوان مالیات دریافت میکند، آیا عبور دهندگان غیر مجاز در برابر عبور هر نفر همان مالیات را ضامن هستند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

عبور دهندگان غیر مجاز ضامن نیستند.

چون دولت اسلامی مانند سایر دول مالیات را به ازاء کارهایی که به نفع عبور کننده ها انجام میدهد دریافت میکند.

بنابر این وجهی بر ضمان عبور دهنده غیر مجاز نیست والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کتاب یا نوشتجات کسی را غصب کنند و مدتی نزد خود نگه دارند تا ارزش خود را از دست بدهد و یا مطالبی را از نوشتجات او منتشر کنند که موجب خسارت

مالی به مؤلف شود، آیا ضمان هر گونه خسارت به عهده غاصب است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

کسی که چیزی تألیف میکند آن چیز، محصول زحمت و نتیجه کار او است، و تنها او مالک آن کار است.

بنابر این کسی که آن را نزد خود نگه دارد تا ارزش خود را از دست بدهد، اتلاف مال

غیر نموده، و ضامن است.

و نیز کسی که منتشر کند آن را بدون رضایت او تصرف غیر مجاز است، و اگر موجب

خسارت شود قهرا ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر بدهکاری را که قادر به پرداخت بدهی خود نیست مجبور کنند تا از راه فروش مستثنات دین، بدهی خود را بپردازد و از این بابت خسارت مادی به او برسد، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

حکم به ضمان محتاج به دلیل است، و الا اصل اولی براءت است. وادله ضمان ۲ قسم است دلیل عام و روایت وارد مورد خاص. قسم اول - عبارت است از قاعده اتلاف - قاعده ید - قاعده استیفاء و بعضی گفته اند قاعده لا ضرر وقاعده احترام - که این دو اخیر را قبول ندارم. و هیچ کدام از قواعد باب ضمان شامل مورد نیست.

و دلیل خاصی هم نداریم.

بنابر این حکم به ضمان نمکنم. (۱)

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

طلبکاری که برای وصول طلب خود ناچار به قبول مقداری زمین در محدوده شهری شده، اگر پس از آن که قرارداد غیر رسمی زمین در حضور معتمدین محلی تنظیم شد، شهرداری شهر زمین مذکور را از اراضی شهری اعلام کرده و از تصرف خریدار جلوگیری کند، و از این راه خسارت عمده ای به وی وارد آورد، ضمان خسارت وارده به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در موقع قرارداد زمین مالیت داشته، و مانعی هم نداشته، بعدا که شهرداری تصاحب میکند در حکم تلف است.

چنانچه زمین را طلبکار تحویل گرفته بوده است ضرر متوجه او است.

اگر تحویل نگرفته بوده است به مقتضای (کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بايعه) ضرر متوجه بايع است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر قاضی تحت تأثیر یکی از رؤسای قوه قضائیه یا رؤسای ما فوق خود قرار گرفته و حکم غیر عادلانه ای علیه متهم صادر کند و متهم را متضرر نماید، آیا ضمان آن به عهده قاضی است یا کسی که وی را مقهور نموده؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که قاضی، مکره، و مقهور، و یا معتقد به حکمی که نموده نباشد. ضامن است چون ضرر منتسب به او است.

و اگر مکره باشد - ضامن نیست - لحدیث الرفع.

کما این که اگر معتقد به آن حکم باشد ضامن نیست - برای آن که ضمان خطای قاضی به عهده بیت المال است والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چون مسدود کردن حساب بانکی اشخاص، موقوف به تشکیل پرونده و بررسی مقدمات و تشخیص جرم است و این کار توسط کسانی صورت میگیرد که حکم قضایی دارند و دیگران هر چند از رؤسای عالی رتبه قوه قضائیه باشند قانوناً حق چنین امری را ندارند، حال اگر یکی از رؤسای عالی رتبه قوه قضائیه، بدون تشکیل پرونده و ثبوت جرم، دستور مسدود شدن حسابی را صادر کند و از این طریق ضرر مالی را متوجه صاحب حساب کند، آیا ضمان آن به عهده او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورت توجه ضرر مالی به مسدود شدن حساب، ضمان به عهده آن کسی است که حساب را مسدود نموده.

ولی معلوم باشد که عدم النفع، غیر از ضرر است، مجرد عدم فائده موجب ضمان نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسانی که مغازه مجاز کبوتر فروشی دایر میکنند و از راه خرید و فروش کبوتر ارتزاق میکنند، اگر همه مشتریان یا فروشندگان به آن ها، جوانان به ظاهر کبوتر پرانی هستند که اکثرا کبوترهای صید شده خود را به آن ها مفروشند، آیا کار آن ها ضمان آور و دارای اشکال است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که بداند که کبوتر خاصی که صید شده ملك غير است. یا آن که علم اجمالی داشته باشد، که یکی از چند کبوتر چنین است. معامله اشکال دارد، ضمان آور است.

و اگر نداند حمل فعل مسلم بر صحت نموده اشکال ندارد و ضمان آور هم نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر با پاشیدن گندم مسموم موجب هلاکت کبوترهای کبوتر پرانی که برای همسایگان ایجاد مزاحمت میکند و از نصیحت دیگران نیز پند نمگیرد شوند، آیا ضمان بهای کبوترهای او خواهد بود؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

بلی چون کبوترها مالیت دارند، و به واسطه سم تلف شده اند، به مقتضای قاعده اتلاف ضمان ثابت است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

چون ممکن است وجود يك كبوتر در محدوده فرودگاه فاجعه جبران ناپذیری به بار آورد، از این رو قانونا كبوتر پرانی در شعاع چهل کیلومتری فرودگاه ممنوع اعلام

شده، حال اگر یکی از مأمورین حفاظت فرودگاه با دیدن كبوتری اقدام به نابودی آن کند، آیا نسبت به قیمت آن ضامن خواهد بود؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

عمل مأمور حفاظت تکلیفا جائز است.

ولی ضامن قیمت آن میباشد.

بلی ممکن است گفته شود، چون نابود کردن آن ها به صلاح مسلمین است،  
میتواند از بیت المال آن وجه را بگیرد.

به هر حال به صاحب كبوتر باید عوض نابود شده پرداخت شود.

مگر آن که دولت اسلامی قانونی بگذراند بر خلاف آن چه گفته شد در صورتی که  
صلاح امت اسلامی بدانند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اطفالی که از مقررات عبور از خیابان آگاهی ندارند اگر بدون توجه اولیای خود از منزل خارج شده و موجب تصادف و گاهی فوت خود شوند، ضمان دیه آن ها به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که فعل فاعل مختاری، موجب تصاف نباشد، ضمان بر کسی نیست. به عبارت دیگر چنانچه قتل منتسب باشد به خود صبی، نه به راننده اتومبیل، مثلاً ضمان بر کسی نیست.

و اگر عرفاً قتل منتسب شود به راننده، چون قتل خطائی است ضمان بر عاقله (اقوام پدری) است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

نوجوان غیر بالغی هنگام هوا کردن بادبادك موجب شده دو سیم از شبکه برق رسانی به هم گرفته و بر اثر اتصال پاره شده و دیگری را دچار برق گرفتگی نموده

و فوت کرده است، ضمان خسارت و دیه متوفی به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

عمل نوجوان باعث فوت شده است، ولی این قتل خطائی است. به علاوه اگر عمدی هم فوت منتسب به او بشود، به مقتضای روایت شریفه (عمد الصبی خطاء تحمله العاقله) حکم قتل خطائی را داشت.

بنابر این دیه متوفی به عهده اقوام پدری آن نوجوان، غیر بالغ است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

کسانی که استحقاق مالی ندارند، ولی از راه نشان دادن افراد وابسته به خود در گذرگاه‌ها و جوهی را کسب کنند، مالک میشوند یا ضامن هستند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

کاری است خلاف، بعضی از فقهاء حرام میدانند، و مالک نمیشوند. چون مردم به عنوان فقیر به آن‌ها پول میدهند، و در صورت عدم فقر نمیتوانند پول را بگیرند، و مالک نمیشوند، قهراً ضامنند. بلی چنانچه کسی که پول میدهد، بداند، یا احتمال دهد که گیرنده فقیر نیست مع ذلك به او پول بدهد مالک میشود و گرفتن او هم حرام نیست. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسانی که استحقاق مالی ندارند ولی از طریق استخدام افرادی چون پیر زنان و پیر مردان و افراد بی سرپرست و معلول و از راه تکدی آنان وجوهی حاصل نموده مخارج مستخدمین خود را تأمین و بقیه را برای خود بر مدارند، آیا از بابت بهره ای که خود میبرد ضامن است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه کاری برای آن افراد میکنند،

مثلاً محلی که ملک آنهاست در اختیار آن افراد قرار مدهند.

و مستخدمین راضی به آن گونه تأمین مخارج، و برداشت بقیه باشند.

ضامن نیستند. والله العالم

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مسئولین ادارات که به علل هوا پرستی و تمایلات نفسانی، بر برخی کارمندان زیر دست حساسیت پیدا کرده و در مورد آنان کارشکنی میکنند که یا ناچار

به استعفا شده و یا پس از عدم پذیرفتن استعفا از طریق غیبت کردن اخراج میشوند و از این بابت متحمل خسارات مالی زیادی شوند، آیا ضمان این گونه خسارت به عهده مسئولین ذی ربط است یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه کارمند استخدام رسمی شده باشد. و مسئول اداره کارشکنی بنماید و او را عزل کند، بر خلاف قوانین اداره مربوطه، خسارت وارده (قطع مقرری اداره) به عهده مسئول است. ولی اگر مسئول سبب شود که خود او استعفاء دهد. یا از طریق غیبت اختیاری اخراج شود. ضمان ندارد، ولو این که کار خلافی انجام داده است. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
اگر بر اثر باند بازی، فرد کاردانی را از سمت اصلی خود بر کنار کنند و پست پایین تری را به وی دهند که در نتیجه ماهانه مبلغی نازل تر از حقوق استحقاقی دریافت کند، آیا ضمانی از این بابت به عهده مسببین آمده یا نه؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)  
ضمان یا باید به واسطه انطباق یکی از قواعد کلیه  
ید - اتلاف - استیفاء - بر موردی  
و یا دلیل مخصوصی دلالت کند بر ضمان.  
و چون هیچ کدام در مورد سؤال نیست.  
بنابر این وجهی بر ضمان نیست، و اصل مقتضی عدم ضمان است.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مثلاً رئیس اداره راهنمایی و رانندگی با مأمورین خود قرار بگذارد در قبال هر برگ قبض جریمه که از مردم مسگیرند فلان درصد، و رئیس دارائی شهر به مأمورین خود گوید در قبال اخذ فلان مبلغ مالیان فلان درصد به خود شما داده میشود، و مأمورین برای کسب در آمد بیشتر به جان مردم افتاده و درآمدهای زیادی را برای اداره مربوطه بدون حق کسب کنند، آیا ضمان تعدیات آنان به عهده آمرین است یا مأمورین؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ضمان تعدیات به عهده مأمورین است.

آنان به اختیار خود آن تعدیات را منمایند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

استفاده از منابع ملی به صورت چرانیدن دام بدون پروانه از نظر قانون دوران طاغوت ممنوع بوده و مجازات آن طبق همان قانون، ضبط کلیه دام ها به نفع وزارت منابع طبیعی بوده است، این قانون پس از پیروزی انقلاب مورد تأیید مقامات قانونگذاری قرار گرفته و در حال حاضر نیز معمول است، حال اگر دامداری با علم به

این قانون، مبادرت به چرای غیر قانونی کند و جنگل داری گوسفندهای او را بگیرد، آیا دامدار ضامن بهای گوسفندهایی است که به عنوان امانت از دیگران مسچرانیده است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که قانون گذاران حکومت اسلامی، رعایت قانون شرع را نموده، و به نفع

امت اسلامی چنین قانونی را امضا کرده اند، جنگل دار ضامن نیست. و دامدار بهای گوسفندهایی که به عنوان امانت گرفته از دیگران و مسچرانیده است، ضامن است.

بلکه اگر قانون شرع هم رعایت نشده باشد، دامدار ضامن است.

ولی در این صورت به نحو تعاقب ایادی است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر فروش پروانه استفاده از منابع طبیعی ممنوع باشد و دارندگان پروانه، بدون توجه به قانون اقدام به فروش پروانه خود کنند، آیا از بابت وجوهی که از خریدار گرفته اند ضامن هستند یا نه و خریدار از نظر استفاده غیر مجاز چه حکمی دارد؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه خریدار بداند فروش پروانه ممنوع است، مع ذلك اقدام به خرید میکند، معامله اشکال ندارد، و فروشنده ضامن نیست.  
و اگر نداند معامله صحیح نیست چون با ممنوع کردن حکومت اسلامی، بلکه حتی غیر اسلامی، آن پروانه از مالیت مافتد، پولی که فروشنده گرفته مالک نمیشود قهرا ضامن آن میباشد، و خریدار هم مجاز به استفاده از آن نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسی که از روی مزاح و شوخی کارت دعوت به صرف شام به نام دیگری چاپ نموده و به آدرس اشخاص فرستاده و افراد زیادی را به منزل وی دعوت کرده و از این راه موجب خسارتی به صاحب خانه شده، آیا ضامن مخارجی که صاحب خانه کرده به عهده او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

نه خیر ضامن نیست، مگر آن که مهمان ها بدون اطلاع صاحب خانه، از اموال او استفاده کنند، و او هم پس از اطلاع راضی نشود، در این صورت ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:  
فردی که فرزند خوانده دیگری شده و پدر و مادر واقارب اصلی خود را  
نمشناسد، آیا اگر دیگران پس از مرگ پدر و مادر او، او را مطلع نسازند به گونه  
ای

که از ارث مرحوم شود، ضامن ارث وی خواهند بود؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

نه خیر ضامن نیستند.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
کسانی که بر اثر نداشتن فرزند، بچه دیگری را به عنوان فرزندی قبول کرده، اگر به گونه ای باشد که ورثه طبقات بعدی را از ارث محروم کند، ضمان ان به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

هیچ کس ضامن نیست. چون لابد در زمان حیات اموال خود را به او، مبخشد، یا مصالحه میکند.

و الا راه دیگری بر محروم کردن نیست.

در این صورت هیچ وجهی بر ضمان نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر دو کشتی گیر که در ابتدای کشتی، احتمال کشته شدن یا خسارت دیدن نمداده اند و در عین حال پای یکی به دیگری پیچد و به همین علت به زمین افتاده خسارتی را متحمل شود، ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

این مسأله را فقهاء، به عنوان این که دو اسب سوار اگر با هم تصادم کنند، هر دو بمیرند، یا یکی، هر دو خسارت ببینند، یا یکی متعرضند. خلاصه مطلب این که اگر دو کشتی گیر چنانچه بر خورد کنند. اگر هر دو تلف شوند یا خسارتی ببینند، مثلا دست هر دو بشکند، هر کدام نصف دیه

دیگری را، باید بدهد زیرا خسارت هر کدام مستند به هر دو است. و اگر يك کدام خسارت ببیند، آن که خسارت ندیده، نصف دیه دیگری را باید بدهد، و خودش چیزی نگیرد.

البته مسأله شقوق دیگری دارد که خیال میکنم حکم آن ها معلوم میشود از آنچه نوشته شد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در اثر بکس یکی از دو بکس باز، دیگری تلف شود، آیا ضمان دیه او به عهده بکس زنده است یا چون متوفی خود احتمال تلف مداده ضمانی به عهده کسی نیست، و اگر هست قتل عمد است یا خطا؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اگر بکس زن به قصد کشتن طرف، بکس بزند، و یا آن که بکس به نحوی باشد که به حسب عادت موجب قتل میشود، ولو این بکس زن قصد کشتن نداشته باشد. این قتل عمد است، ورثه میتوانند، قصاص نمایند، و می توانند دیه بگیرند. و اگر به حسب عادت کشته نیست، و او هم قصد کشتن ندارد قتل غیر عمد است باید بکس زن دیه بدهد.

و احتمال تلف مانع از ضمان نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در حالی که دو چرخه سواران مشغول مسابقه هستند، یکی از آنان به طور ناخود آگاه جلوی دیگری برود و او بر اثر عدم توان بر کنترل به گونه ای به زمین بیفتد

که یا ناقص العضو شود و یا بمیرد، ضمان دیه او به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

ظاهر این است که در این گونه موارد پیش آمد، منتسب به هر دو است، البته به غیر اختیار. پس دیه بر عاقله است یعنی اقوام پدری. و چون فعل منتسب به هر دو است، به هر کدام نصف دیه تعلق میگیرد. بنابراین در فرض سؤال آن که جلوی دیگری رفته، نصف دیه را باید به مصدوم بدهد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۸ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
در کلیه مسابقاتی که از طرف دولت تدارك میشود، آیا ضمان خسارت های  
وارد به عهده یکی از طرفین است یا به عهده دولت؟  
جواب:  
(باسمه جلت اسمائه)  
وجهی بر آن که به عهده دولت باشد نمیدانم.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر در میادین فوتبال که توجه فوتبالیست ها متوجه توپ است و هنگام دویدن به جوانب توجه ندارند، بر اثر به هم خوردن دو نفر یکی خسارت ببیند و تشخیص مقصر ممکن نباشد ضمان خسارت وارده به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چون در این گونه موارد خسارت منتسب به هر دو است.  
بنابر این نصف خسارت به عهده ان است که خسارت ندیده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر وکیل هنگام قرارداد وکالت، موکل خود را با حرف امیدوار کند، ولی در دادگاه نتواند کاری به نفع موکل انجام دهد، آیا اگر موکل پس از انجام محاکمات قسمتی از حق الوکالة قرارداد شده را به وی نپردازد ضامن است؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

متعارف در قرارداد با وکیل، آن است که وکیل به نفع موکل صحبت کند، اما مؤثر بودن یا نبودن ربطی به قرارداد ندارد.

وکیل چنانچه آنچه وظیفه اش بوده انجام داده، و کوتاهی نکرده باشد، وجهی ندارد که آنچه قرارداد شده یا بعض آن را به او ندهند.

بنابر این چنانچه قسمتی از حق الوکالة قرارداد شده را به وی نپردازد ضامن است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

اگر و کیلی به عنوان حق الوکالت مبلغی دریافت کند در قبال آن مطالبی به متهم پرونده یاد دهد، و هنگام اعتراض طرف مقابل در قبال اخذ مبلغی از آنان نیز حاضر شود مطالبی را ضد آنچه به متهم یاد داده به آن ها یاد دهد، آیا با این حال که مطالبی که به طرف مقابل یاد داده است خنثا کننده مطالبی است که به متهم در قبال اخذ وجه یاد داده، ضامن وجهی است که از متهم گرفته است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

در صورتی که در قرارداد و کالت فقط قید شده باشد که در قبال حق الوکالت مطالبی

به متهم یاد دهد.

یاد دادن مطالبی به طرف مقابل ضد این مطالب هیچ اشکال ندارد.

و وجهی هم بر ضامن و جوهی که از متهم گرفته نیست.

ولی چنانچه در قرارداد و کالت ذکر شود در حد و سع برای به ثمر رسیدن مطالبش

کوشا باشد، طبعاً یاد دادن ضد آن مطالب به طرف مقابل خلاف قرار داده است.

قهرآ ضامن آن و جوه میباشد، مگر به مقدار اجرة المثل مطالب یاد داده شده.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسی که خود را لایق و کالت مجلس نمداند ولی به دلیل عنوان و حقوق آن اقدام میکند، اگر به مجلس راه یابد آیا ضامن حقوقی است که بگیرد یا کار او ضمان آور نیست.

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

وکیل مجلس حقوق که بگیرد، برای تصدی این مقام است، عدم لیاقت مربوط به اقدامات و افعال و سخنرانی های بعد از تصدی است.

و از آثار لاینفك آن هم نیست.

و لذا اگر تا آخر هم نه حرفی نزند، و نه عملی انجام دهد، آن حقوق به او داده میشود.

بنابر این وجهی، بر ضمان او نیست.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

روحانیون و ائمه جماعتی که برخی کاندیداهای مجلس را پس از آن مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته، بدون دلیل شرعی به خطاهای چپ، راست، منافقین، لیبرالها، سرمایه داری، فئودالیسم و... متهم میکنند و از این راه حقوق يك فرد لایق را ضایع مینمایند، آیا صرفاً گناهکارند و از عدالت ساقط میشوند، یا ضامن حقوق از دست رفته اجتماع نیز میباشند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

قطع نظر از گناه تهمت زدن، و سقوط از عدالت. این افراد خیانت به اجتماع و امت اسلامی میکنند، که گناهش چند برابر تهمت به يك فرد است.

ولی ضامن حقوق از دست رفته وجهی ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسانی که پوسترهای تبلیغاتی انتخاباتی را به هر دلیل پاره میکنند، خواه قصد اهانت داشته باشند یا نه، آیا ضامنند یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه آن پوسترها، در معابر عمومی نصب شود، و مدت نصب آن ها طولانی باشد،

خیال نمکنم ضمانی متوجه شود.

زیرا به حسب بناء عقلاء استفاده از اموال عمومی، تا حدی مجاز است، و ماندن يك پوستر برای مدت طولانی، به نظر عقلاء، غیر مجاز است، البته در صورتی که مزاحم داشته

باشد. والله العالم

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

افرادی که به عنوان ستاد تبلیغاتی کاندیدای معینی فعالیت میکنند، اگر روی پوستر دیگر کاندیداها، پوستر کاندیدای مورد نظر خود را بچسبانند، ضامن هستند یا گناهکار؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

اساساً استفاده از اموال عمومی با استفاده از اموال شخصی تفاوت دارد. زیرا در اموال عمومی استفاده تابع قرارداد کسی است که آن اموال در اختیار او است.

بنابر این آن چه سیره متشرعه بر آن قائم شده است جواز اعمالی از قبیل چسباندن پوستر روی پوستر دیگر است.

و شاهد آن هم عدم جلوگیری متصدیان است.

پس عمل مذکور نه خلاف شرع است نه موجب ضمان. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

افراد با سوادى كه هنگام اخذ آراء براى اشخاص بى سواد رأى منويسند، اگر از بى سوادى افراد سوء استفاده كنند و بر خلاف ميل قلبى رأى دهند، ورقه را به نام كانديدى مورد علاقه خود پر كنند، عملشان ضمان آور است يا صرفاً گناهكارند؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

كارى است خلاف، ولى وجهى بر ضمان نيست.

(تاريخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر نماینده ای پس از انتخاب و راه یافتن به مجلس، بدون دلیل شرعی مبادرت به استعفا کند و از این طریق موجب خسارات مالی زیادی برای دولت و ملت شود، آیا ضمان آن به عهده او است؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

نمایندگی مجلس و کالت از طرف مردم است، و به نظر اکثر فقهاء و کالت ارفعود جائزه است و وکیل بدون جهت میتواند خودش را عزل کند. بنابر این استفتاء اشکال ندارد.

ولی به نظر این جانب به تبع جمعی از فقهاء موکل بدون جهت میتواند وکیل را عزل کند.

ولی وکیل نمیتواند خودش را معزول کند.

بنابر این نماینده مذکور نمیتواند بدون عذر شرعی استعفاء دهد پس از رفتن به مجلس، و چنانچه خساراتی به استناد همین استعفاء متوجه اشخاص حقوقی یا حقیقی بشود ضامن است.

مگر آن که موکلین استعفاء او را قبول کنند، که در حقیقت اقالة در وکالت است. (تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر هنگام ساختن فیلم های نمایشی و هنری؛ مانند سریال ها و فیلم های مشهوری که در سینماها و از تلویزیونها پخش میشود، یکی از بازیگران از اسب، کوه،

ماشین و موارد دیگر پرت شد و خسارت جانی ببیند، ضمان آن به عهده کیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه کسی آن اسب را تحريك نکند، و یا کسی او را از کوه پرت نکند، هیچ کس

ضامن نیست.

چون کسی ضامن پرت شدن و یا رم کردن اسب است، که سبب مستند به او باشد.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)



سؤال:

ضایعات و خساراتی که هنگام پیاده کردن نمایش به بار مآید مثلا یکی از بازی کنان از اسب افتاده وزیر دست و پای اسبها تلف میشود ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

حکم این مسأله از جواب مسأله قبل معلوم میشود.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر برای آموزش دادن کارهای خطرناکی چون عبور از روی سیم و.. خسارتی به نوآموز وارد شود ضمان آن به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه نوآموز بچه غیر بالغ باشد، و ولی او هم اذن در این کار نداده باشد، آموزش دهنده ضامن است.

آن هم در صورتی که این تعلیم و تعلم ها به حسب عادت در معرض این گونه خطرات باشد.

و اگر نوآموز بالغ است، یا ولی اذن داده، یا این گونه اعمال در معرض خطر نباشد، کسی ضامن نیست. والله العالم

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
اگر هنگام تغزیه خوانی هنگام کشتن ابو الفضل فرضی، شمشیر خطاء رود و  
کسی کشته شود ضمان دیه او به عهده کیست؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

دیه آن به عهده عاقله (یعنی اقوام پدری) شمشیر زننده است.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

کسانی که قبل از پیروزی انقلاب برای بر هم زدن نظم اجتماع و در نهایت متزلزل کردن رژیم شاه به صورت و لباس زنان بی حجاب و بد حجاب، اسید پاشیده

و آن ها را متضرر یا ناقص العضو کرده باشند، آیا ضامن خسارات مالی و دیه آن ها هستند یا چون کار آنها بر حسب ظاهر جنبه الهی داشته ضامن نیستند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه آن اعمال با اجازه مجتهد جامع الشرائط بوده که او هم با رعایت قانون اهم و مهم، چنین حکمی کرده است آن افراد که اسید پاشیده اند ضامن نیستند.

و اگر بدون اذن مجتهد بوده، ضامن تمام خسارات وارده میباشند.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر مثلاً معلمی به صدای مگس حساسیت داشته و محصلین در خارج از کلاس مگس‌هایی را بگیرند و هنگام درس در کلاس رها کنند و از این راه معلم را آزار داده

وقت کلاس درس را تزییع کنند، آیا ضمانتی به عهده آن‌ها خواهد بود یا صرفاً گناهکارند؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

و جهی بر ضمان تصور نمکنم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

در مواردی که مثلاً تعدادی از دانش آموزان یا دانشجویان علیه دیگری متحد شده و وی را به باد مسخره و استهزاء مگیرند تا این که او از رفتن به کلاس دل سرد

شده و موجبات ترك تحصیل وی فراهم میشود، و در این میان خساراتی به او و به جامعه وارد میشود، آیا ضمانتی به عهده آنان خواهد بود یا نه؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

کاری است بسیار بد و مذموم.

ولی ضمان که باید یا به واسطه، یکی از قواعد باب ضمان، یا دلیل خاصی باشد در اینجا مورد ندارد.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:  
کسانی که مثلاً به عنوان تعمیر و یا تجدید بناء، آثار باستانی را تخریب میکنند  
و از این راه به آثار فرهنگی جامعه خسارت وارد میکنند، ضامنند یا کار آنان  
ضمان آور نیست؟  
جواب:

(باسمه جلت اسمائه)  
چنانچه آن آثار باستانی ملك خودشان باشد ضامن نیستند.  
و اگر ملك، افراد دیگر، یا مؤسسات، یا دولت باشد ضامنند.  
(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹)

سؤال:

اگر کارفرمایی جهت تکمیل ساختمان خود به شرکت داربست مراجعه و درخواست نصب داربست کند و شرکت مزبور با این که ساختمان مذکور در محدوده

کابل برق فشار قوی قرار داشته و می بایست با هماهنگی با اداره برق اقدام مسکرد، رأساً اقدام کند که در نتیجه کارگری در اثر برق گرفتگی فوت کند، آیا ضمان دیه ان

به عهده کارفرما (صاحب ساختمان) است که در خواست نصب داربست کرده یا به عهده مسئول شرکت داربست است که بر خلاف مقررات اقدام کرده و یا به عهده مهندس ناظر است که کارشناس و مسئول نظارت بر انجام صحیح عملیات ساختمانی بوده؟

جواب:

(باسمه جلت اسمائه)

چنانچه مهندس ناظر مفروض تفریط نموده، و دقت نکرده است در نتیجه گرفتن برق کارگر را عرفاً، مستند به او است، و او جزء اخیر علت است، او ضامن است. والله العالم.

(تاریخ جواب استفتاء: ۲۹ صفر ۱۴۱۹).